

توانا پودھسکرکھ وانا پودھ



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

# آثار ایران

از نشریات

اداره باستان شناسی

بتصحیح و اصلاح: علی یاشا صالح استاد دانشگاه تهران



۱۳۱۶ خورشیدی

جلد اول - جزوه دوم

چاپخانه مجلس

## مساجد قدیمی ایران<sup>۱</sup>

بدون شك یکی از جالب‌ترین مسائلی که در تاریخ معماری اسلامی شایان مطالعه و دقت میباشد موضوع اساس و احداث مسجد نمونه ایرانی است.

چون نزدیکی (ورود بیگانگان غیر مسلمان) بمساجد تاکنون خالی از اشکال نبود هنوز کسی در این موضوع از محیط فرضیات و تصورات قدم بیرون نتهاده و عقیده مثبت و قاطعی اظهار ننموده است.

از سابق این قسمت مورد قبول واقع بود که تازیان عناصر مشکله يك مسجد از قبیل محراب و منبر و مناره و امثال آنرا بایران داده‌اند و همچنین در این نکته موافقت داشتند که طریقه استفاده از آنها را در ساختمان یعنی نقشه مسجد بدوی تازی را که «نقشه نمونه مساجد اولیه» نامیده میشود نیز اعراب بایران آورده‌اند و در نتیجه پیروی این روش عمومی کلبه معابد قدیمی ایران جزء مساجد عرب بشمار آمد.

ولی امروزه بر خلاف زمان سابق بررسی و دقت در بناهاییکه در ردیف مساجد نامبرده شناخته شده باسانی صورت پذیر میباشد. مساجد مزبور بدو دسته منقسم

---

۱ - موضوع این مقاله همان مضمون خطابه اینجناب در سومین کنگره صنایع ایران (که در شهریور ماه ۱۳۱۴ در لنین‌گراد تشکیل یافت) میباشد. بازگشت بموضوع تشکیل مسجد نمونه ایران در اینجا شایسته بنظر میآید، چون از طرفی برای پیوستگی مطالعات مختلفه که راجع بابینه قدیمی اسلامی در کتاب آثار ایران ذکر خواهند شد رابطه‌ای لازم است و از طرف دیگر اسناد بیشتری که فرصت ذکر آن در طرف یکربیع ساعت در لنین‌گراد میسر نمیشد مورد بحث قرار خواهد گرفت و بعلاوه فکر اینجناب در باب اینکه چهار ایوان مسجد نمونه ایرانی از مدرسه اقتباس گردیده تغییر یافته است.

## آثار ایران

میشود و این دو دسته از حیث اهمیت یکسان نیست، یک دسته شامل عدة قلیل ابنیه ایست که نقشه آن همان نقشه سبک بدوی عرب با مشتقات آنست و دسته دیگر مساجد ایرانی خالص است. تاریخ دسته اول روشن اما نسبتاً کوتاه است، میتوان تصور نمود لشکریان تازی که ایرانرا فتح و اشغال نمودند بناهای مذهبی بطریقه و سبک خویش در آن بنیاد نهادند که چیزی از آنها باقی نمانده و بوسیله مورخین زمان خلافت عباسیان معلوم است که نخستین خلفای دودمان مزبور مساجد بزرگی در شهرهای عمده کشور ایجاد نمودند.

یکی از این مساجد بدون شك تاریخانه دامغان میباشد<sup>۱</sup> (شکل ۱۲۸ و ۱۲۹). اریش اشمیت بتازگی در ری بنیاد مسجدی را که المهدی خلیفه عباسی در آنجا ساخته کشف نموده است، از قرار معلوم سایر مساجد نظیر اینها از بین رفته و احداث این قبیل مسجدها دنباله مختصری داشته است من جمله مسجد جمعه نائین (شکل ۱۳۰ و ۱۳۱)<sup>۲</sup> متعلق بقرن چهارم هجری. بنائیکه بعضی از قسمتهای آن در مسجد جامع اردستان (شکل ۱۴۱) باقیست نیز مسلماً از این جمله بشمار میرود و در قرن بعد مسجدماونند<sup>۳</sup> را باید از همان ردیف محسوب داشت، لکن طرز ساختمان کاملاً ایرانی باقی مانده و طرح نقشه که تنها راه آورد اعراب بوده در نائین باندازه ای بی تناسب و سر و دست شکسته بنظر میرسد که معلوم میشود این ارمغان بیگانه در ایران رونقی نگرفته است.

البته فرما بر وایان توانائی چون خلفای عباسی قادر بودند در ایران بناهایی بفرخور ذوق وسیله خود بسازند ولی کاری را که از عهده انجامش بر نمیآمدند این بود که یک روح معماری بیگانه را بر زمین جاودانی تحمیل نموده و ابقاء آنرا برای آینده تضمین نمایند.

۱ - ۱. کدار، تاریخته دامغان در مجله صنایع مستظرفه شماره دسامبر ۱۹۳۴.

۲ - ۵. ویوا و سن فوری. بنائی از قرون اولیه هجرت در مجله (سیر) ۱۹۲۱ صحت ۲۳۴-۲۲۶ و ۳۱۶-۳۰۵. سن فوری مسجد نین در مجله سیر ۱۹۳۰ ص ۵۸-۴۳. مقاله دین مربوط بمسجد در دائرة المعارف اسلام.

۳ - میرون، سمیت مسجد جمعه دماوند در کتب صنعت اسلامی جلد ۲ بغص ۲ ص ۱۷۳-۱۵۳.

## مساجد قدیمی ایران

ایران که آئین اسلام را پذیرفت بطور الزام روش اعراب را در احداث مساجد نیز پیروی نمود ولی در طرز بنای آن بجز سنن مخصوص سخویش و ذوق صنعتی و سبکهای ساختمانی خود چیز دیگری را بکار نبرد.

بنا بر این دیری نگذشت که نقشه مسجد عربی در معماریهای متداوله ایران بکلی منسوخ گردید. از قرن پنجم هجری بعد اگر دوره‌ای که مدرسه مؤسسه دولتی گشته و در نتیجه اهمیت سیاسی روز افزونش از حیث معماری توسعه قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد پیش نیامد نقشه فوق الذکر دیگر بهیچوجه مورد بحث نبوده در تاریخ معماری ایران حکم افسانه کوچکی را پیدا میکرد، ولی بطوریکه خواهیم دید مسجد نمونه ایرانی که تا آن دوره بمیزان ساده و تناسب مختصری احداث میگردد درست بشیوه مساجد وسیع و بزرگت عباسیان رو بتوسعه میرفت و در اثر این پیش آمد است که در عهد سلجوقیان ساختمانهای معروف به مسجد و مدرسه بوجود آمده و مسجد بزرگ چهار ایوانی که نمونه ایرانی است تشکیل شده.

از دسته دوم قدیمترین بناهایی را که این جانب توانسته‌ام مورد بررسی قرار دهم نیز مساجد: نیریز، گلپایگان، قزوین، اردستان، اصفهان، مدرسه حیدریه قزوین میباشد که هیچکدام آنها پس از دوره سلجوقی احداث نگردیده. اگر باین ابنیه نزدیک شده و با یکدیگر آنها را بسنجیم از حیثیات و عناوین متعدد بطور کامل مطالبی دستگیر ما میشود که مهمترین آنها از قرار ذیل میباشد:

تمام این بناها بدون استثناء در ابتدا نوعی کوشک یا بناهای منفرد و مجزائی بوده که مشتمل بر يك شبستان بزرگ و اطراف آن کاملاً باز بوده است.

در مورد مسجد نیریز این تالار اساساً ایوانی از عهد ساسانی بوده و در سایر بناها آتشکده را تشکیل میداده که در آن محراب جایگزین آتشگاه گردیده است. این نکته را اضافه میکنم که تا دیر زمانی پس از ظهور مسجد چهار ایوانی بناهایی بدین

---

۱ - از جامع عتیق شیراز چون مکرر در ارزاقه زیر و زبر و بی دربی بعد از وقوع هر زمین لرزه دوباره ساخته شده است در حال حاضر بهیچوجه اصلاع قاطعی راجع بآن نمیتوان بدست آورد.

## آثار ایران

سنخ در نقاط مختلفه ایران چون رضائیه (ارومیه) و یزد و سمنان و غیره احداث گردیده است.

اما کافی نیست يك قسمت مشترك از نقشه های چند بنا را مجزی نموده و بطور قطع اظهار کنیم که این قسمت نماینده و معرف نمونه های بسیار قدیم است.

بنابر این يك يك بناها را که ذکرشان خواهد آمد اکنون مورد بررسی قرار داده ضمناً این نکته را متذکر میشود که اینه مزبور تنها برای اقامه دلیل و برهان انتخاب نشده بلکه اینها بانضمام مسجدهای دارای نقشه عربی که ذکرشان در ابتدا گذشت و بجز مسجد شیراز که قابل استفاده نیست مهمترین مساجد کهنه ایران هستند که اینجانب تاکنون پی بدانها بردهام.

در باره مسجد جمعه نیریز این جانب قبلاً مطالعه کافی نموده توجه خوانندگان گرامر را بان جلب مینماید<sup>۱</sup>.

ایوانیکه در نقشه حالت فعلی بنا (شکل ۱۱۴) و در نقشه ساختمان اولیه بنا (شکل ۱۱۶) برنگ سیاه متمایز شده در سال ۳۴۰ هجری (۹۵۱-۹۵۲ میلادی) احداث گردیده است، در صورتیکه بناهای دیگر که اکنون ضمیمه آنست مربوط بعضراً جاریه میباشد. برای دقت بیشتر این نکته را اضافه میکنم که تاریخ ۳۱۴ مربوط به بناء تازه بوده و ارتباطی بتعمیر یا تجدید ساختمان ایوانی متعلق بقبل از اسلام ندارد زیرا قبله آن که با محور اصلیش تطبیق میکند کاملاً صحیح است باینمعنی که با شمال مغناطیسی زاویه ۳۱ درجه در جهت جنوب غربی تشکیل میدهد.

موضوع مسجد جامع گلنایگان نیز بهمین ترتیب ساده میباشد. بنای اولی که در نقشه حالت فعلی بنا (شکل ۱۳۲) برنگ سیاه از دیگر قسمتها متمایز است در زمان سلطنت ابوشجاع محمد پسر ملکشاه که از ۴۹۸ تا ۵۱۱ هجری (۱۱۱۸-۱۱۰۵ میلادی) پادشاهی نموده ساخته شده است. این اصلاح از کتیبه ای که توره شبستان

۱ - رجوع شود بجزوه اول صفحه ۷۱ و بعد.

## مساجد قدیمی ایران

محراب در پای اگنید نوشته شده بدست میاید (شکل ۱۳۳) ، سایر بناهای این مسجد بوسیله یکی از زندهای فتحعلیشاه قاجار احداث گردیده است . این خانم از پادشاه مزبور دو پسر داشت ، پسر بزرگتر موسوم به حیدر قلی میرزا و پسر کوچکتر حاجی شاه قلی میرزا ، هنگامیکه پسر بزرگتر بحکمرانی گلپایگان انتخاب شد مادرش نزد وی مسکن گزید و همانموقع بامر مشارالیهها ساختمان قسمتهای مسجد جامع که مربوط بعهد قاجاریه است انجام گرفت .

تاریخ مسجد جمعه کهنه قزوین یعنی همان مسجدیکه دیولافوا و نویستندگان معاصرش آنرا باسم مسجد شاه مشخص نموده اند کمی پیچیده و در هم بنظر میاید . بطوریکه حمدالله مستوفی در مقاله مربوط بشهر موطن خویش ذکر میکند مسجد مزبور کار چندین دوره بوده . بزرگان مختلف هر يك رواق ، سردرب یا شبستانی بر آن افزوده اند لکن خلاصه کردن تغییرات اصلی که در ضمن توسعه بنای مذکور پیدا شده آسانست . در سی متری مسجد کوچکی که در زمان هارون الرشید توسط زکریا نامی ساخته شده و در نزدیکی مدرسه‌ای که در قرن چهارم هجری بوسیله ابوالقاسم اسمعیل صاحب بن عبّاد وزیر معروف دونه از سلاطین آل بویه مؤید الدوله و فخر الدوله احداث گردیده است ، امیر منصور خمارتاش بن عبدالله العمادی بر روی بنیاد بنائی که متعلق بقبل از اسلام بود<sup>۲</sup> شبستان بزرگ گنبدیرا که معروف بحالت اولیه مسجد میاشد بنا نمود (شکل ۱۳۵) قسمت تاریخی کتیبه بنای مسجد بشرح ذیل است :

« فی ایام دولة الملك العادل السلطان المعظم مالك العرب و العجم عماد الدنيا ،  
« والدین ابی شجاع محمد بن ملك شاه قسیم امیر المؤمنین . . . . . وفی ولاية الامیر «  
« الاسفیه سالار مجدالدین . . . . . و قد اجرى الله تعالى ذلك على يد امیر . . . . . »  
« أبو منصور خمارتاش بن عبدالله العمادی . . . . . اوله فی شهر سنه خمس مائه «  
« و آخر انتهائه سنه ثمان و خمس مائه . . . . . »

۱ - این مقاله که آخرین فصل تاریخ گزیده را تشکیل میدهد بتوسط باریه دو میتارد (Barbier de Meynard) ترجمه شده وبوسیله مساریه در زورنال آزیاتیک ۱۸۵۷ انتشار یافته است .  
۲ - محور اصلی بنا يك زاویه ۵ درجه در جهت جنوب غربی بامتداد شمال مغناطیسی تشکیل میدهد .

## آثار ایران

کتیبه دیگری نیز مانند کتیبه فوق در داخل بنائیکه بوسیله خمارتاش ساخته شده موجود است و بدین طریق شروع میشود:

« . . . . . يقول خمارتاش عبدالله وقتت علی هذه القبه و المدرسة الملاصقة »

« بها ثلثة ارباع قرية هراس آباد و خمس عشر من قرية جيوران . . . . . »

در آنموقع مسجد شامل بنائی بجز شبستان گنبد نبود<sup>۱</sup>، این مطلب از معماری قسمتهای مجاور و کتیبه هائیکه در آنجا مشاهده میشود نیز معلوم میگردد.

ایوان بزرگیکه شبستان خمارتاش را بصحن مسجد مربوط میسازد هرسال ۱۰۶۹ هجری ( ۱۶۵۸ - ۱۶۵۹ میلادی ) بامر شاه عباس ثانی احداث گردید.

مدرسه حیدریه قزوین نیز از يك بنای گنبددار یعنی همان نمونه‌ای که در باب مسجد کلپایگان و مسجد جمعه قزوین شرح دادیم تشکیل شده است، تاریخ آن تقریباً معاصر با بنای خمارتاش ( شکل ۱۳۶ ) میباشد.

ساختمانهای يك مدرسه در عهد قاجاریه بدان افزوده شده با يك نظر اجمالی بنقشه این بنا ( شکل ۱۳۷ ) مشاهده میشود که بنای مدرسه بمسجد تکیه نموده بطوریکه در گاههای بزرگ جوانب مسجد مسدود گردیده و بدین طریق میتوان از قدمت بنای گنبد نسبت بمدرسه مطمئن بود.

در باب چهار بنای اولی این مسئله بهیچوجه مورد تردید نیست که در اولین وهله عبارت بوده است از يك شبستان منفرد گنبدی شکلی که اطرافش گشاده بوده، راجع بدو بنای دیگر در نظر اول این مطلب تا آن اندازه بدیهی نیست زیرا در هر دو صورت بنای اصلی و ملحقات آن مربوط بتاریخهای نسبتاً نزدیکی از عهد سلجوقیان میباشد لکن نکته مذکور در فوق در این بنائیز محقق است. حال مسجد اردستانرا مورد مطالعه قرار میدهیم.

مسجد جامع اردستان دارای دو تاریخ میباشد یکی ۵۵۳ هجری در آخر کتیبه

---

۱ - بعداً صحنی ساخته شده که در گوشه جنوب شرقی مسجد زکریا واقع بود، سپس شبستانیکه بنای خمارتاش را باین مسجد متصل میکرد احداث گردید. شاه صهباسب که قزوین یا تختش بود بقدری در مسجد مزبور بناهای تازه احداث نمود که پاره‌ای از مؤلفین او را یکی از بانیان مسجد تصور میکنند.

بزرگ شبستان زیر گنبد و دیگری ۵۵۵ هجری در ایوانیکه جلو شبستان مزبور واقع است. بنا بر این چنین بنظر میآید که شبستان و ایوان هر دو در يك زمان ساخته شده لکن این تصور درست نیست. توضیح آنکه در حدود سنه ۵۵۳ هجری هنگامیکه مسجد اولیه را يك مسجد چهار ایوانی تبدیل نمودند شبستان زیر گنبد را مقصوره اصلی قرار داده. درون آنرا از تزئیناتی شبیه تزئینات بناهای جدید الاحداث پوشانیدند. اطمینان پیدا کردن از این مسئله کار فوق العاده سهلی است زیرا ساختمانهاییکه به بنای اصلی افزوده شده با آن مربوط و پیوسته نیست بلکه فقط چسبیده بآن احداث گردیده، این قسمت از درون و بیرون بنا بخوبی پیداست و در خارج جدائیهای مهمی در آن هویدا گردیده است (شکلهای ۱۴۰-۱۳۸). بنا بر آنچه گذشت ساختمان بدوی بطور انفراد در میان بناهای دیگر قرار گرفته است باضافه بر دیوار جنوبی از دو سمت محراب (شکل ۱۴۱) دو پنجره مشاهده میشود که در موقع وسعت دادن مسجد آنها را بعلت اینکه در محل تزئینات تازه قرار میگرفته مسدود کرده اند. بالنتیجه شکی نمیماند که بنای گنبددار متعلق بتاریخ غیر مشخصی است که در حدود انتهای سلطنت ملکشاه (۴۸۵-۴۶۵ هجری = ۱۰۹۲-۱۰۷۲ میلادی) میباشد، ملحقات اولی متعلق بسالهای ۵۵۳ و ۵۵۵ هجری (۱۱۵۸ و ۱۱۶۰ میلادی) است، پس از آن ملحقات و تغییرات دیگری وجود داشته که از روی نقشه معلوم است<sup>۱</sup>.

اینک از بنای ششم یعنی مسجد جمعه اصفهان صحبت بداریم. در موضوع این مسجد پیش از سایر ابنیه ایران در دوره اسلام بسط مقال داده اند و عادت بر این جاری شده است که آنچه مؤلفین قدیم ایرانی یا عرب در باب مسجد بزرگی در اصفهان ذکر نموده اند بدین مسجد نسبت داده شود و باین ترتیب نتایج شگفت انگیزی حاصل شده است. مقدسی که اشاره بوجود جزئیهای گرد در مسجد بزرگ یهودیه نموده است<sup>۲</sup> گفته ویرا مربوط بمسجد جمعه که فی الحقیقه دارای پایه های مدور میباشد

۱ - بقستهای بعد که شرح کاملتری راجع به بنای مزبور داده شده مراجعه شود.

۲ - المقدسی چاپ کوز صفحه ۳۸۸.



## آثار ایران

دانسته و اینرا دلیل قدمت آن شناخته اند .

تاریخ بنای آنرا در خلال سالهای ۱۴۳ و ۱۵۲ هجری در زمان خلافت منصور خلیفه عباسی تشخیص داده<sup>۱</sup> و ذکر نموده اند که در دوره سلجوقیان منظره کنونی آن از آثار دوره سلجوقیان است بدین طریق که محراب و گنبد و چهار ایوان صحن را بمسجد دوره عباسیان بطور پیوند اضافه نموده اند<sup>۲</sup> .

لکن از روی کتب ما فروخی و مقدسی بر ما روشن است که مسجد دوره عباسیان کاملاً از خشت خام ساخته شده بود در صورتیکه جامع فعلی تماماً از آجر پخته بنا گردیده است .

در حقیقت میتوان گفت که مسجد فعلی محل مسجد دوره عباسی را اشغال نموده لکن نظام الملك مسجد جمعه مزبور بعهد ملکشاه را بر روی زمین بکرو فضائی خالی از هر گونه بقایای ساختمانهای پیشین احداث کرده است<sup>۳</sup> . پی بردن باین موضوع که در آن زمان بنای مزبور چگونه بوده امر فوق العاده سهلی است ، توضیح آنکه این بنا عیناً مثل مساجد قدیم نوع ایرانی که شرح هر يك از بنا های پنجگانه آن گذشت از شبستان منفرد گنبدی شکلی که اطرافش گشاده بود یا بعبارۀ آخری ساختمان کاملی که چهار حُرف آن بخوبی مرئی و متمایز و روشن بوده تر کیب میشده است . (شکل ۱۴۲) .

باز در عهد سلجوقیان بود که مسجد چهار ایوانی نوع مشخص مساجد بزرگ ایرانی شناخته شد بدین ترتیب که ایوانهای بزرگی شبیه گاهواره رو بصحن احداث نمودند و شبستانهای مختلفی که سقفشان بوسیله ستونها یا جرزها نگهداری میشد در قسمتهای فاصل بین ایوانهای مزبور بنا کردند ، مقدسی این قسمت را مورد دقت قرار نداده است . بنا بر این روایت محلی که بنیاد مسجد اصفهان را به ملکشاه سلجوقی نسبت

۱ - سلاطین ، کتب صنعت اسلامی (Manuel d'art Musulman) قسمت معذری صفحه ۳۳۱ .

۲ - کبری ، مسجد جمعه اصفهان در کتب صنعت اسلامی ۱۹۳۵ صفحه ۴۲ .

۳ - بفصول بعد در ذکر تاریخچه بنای فوق مراجعه شود .

میدهد کاملاً بمورد بوده و آخرین مسجد نمونه ایرانی نیز مانند آنهاست که سابقاً ذکرشانرا نمودیم در ابتدا کوشکی بوده است از هر سو گشاده که بحرایی در بر داشته . از پنج مسجد کوشکمانندی که ذکر نمودیم میتوان تصور نمود که از زمان سلطنت ملکشاه ( ۴۸۵ - ۴۶۵ هجری = ۱۰۹۲ - ۱۰۷۲ میلادی ) تا پادشاهی ابوشجاع محمد ( ۵۱۱ - ۴۹۸ هجری = ۱۱۱۸ - ۱۱۰۵ میلادی ) در ایران بناهایی بدین سبک ساخته میشد ، حال از کی این قسم بنا میساخته اند عجبالتأ بر ما مجهول است لکن میدانیم که در سال ۳۴۰ هجری در نیریز ساختمان مسجدی که فقط ایوان ساده بوده با تمام رسیده است . شاید ایوان پیش از کوشک وجود داشته و شاید این نمونه‌های ساختمان که هر دو مستقیماً از معماری دوره ساسانیان بوجود آمده در یک زمان و با هم طرف استفاده قرار میگرفته ، کشفیات آینده این موضوع را روشن خواهد کرد .

آنچه فعلاً قطعی میباشد اینست که در انتهای قرن پنجم و ابتدای قرن ششم هجری ساختمان گنبدی شکل سابق الذکر بیشتر مورد پسند و افتخار بوده است ، در آن هنگام نقشه مسجد عربی اگر هنوز هم از بین نرفته بود رو با انحطاط کامل میرفته است . مسجد جمعه نائین در قرن چهارم هجری جز نمونه بدلی از تاریخانه دامغان چیز دیگری بیش نیست ، مسجد ماوند نیز با وجود دارا بودن تزیینات بسیار زیبایی از عهد سلجوقی و بقایای قابل تحسینی از کتیبه‌های کوفی بنای عقری است که سر مشق اصلی آن بدون عیب نبوده است . با مراتب سابق الذکر مساجد با شکوه دوره عباسیان هنوز تا آنموقع بر پا بوده مانند تاریخانه سابق الذکر که هنوز هم برپاست و مسجد المهدی در ری و مسجد ابو مسلم در نیشابور که ظاهراً در اثر حمله مغول خراب شده و از بین رفته و محققاً بناهای دیگری شبیه آنها . بطور خلاصه اگر بناهای وسیع مسقف اخیر الذکر را که مؤمنین در آن گرد آمده و محفوظ از بهم خورد گیها و انقلابات هوا در آنجا عبادت مینمودند با کوشک های ایرانی که مردم در روز های اجتماع زیر باران و آفتاب در برابر آن می ایستادند مقایسه نمائیم این مقایسه بفتح ایران تمام نمیشود .

## آثار ایران

در دوره ای چون ابتدای قرن ششم که حسّ ملت خواهی و وطن پرستی بشدت حکومت داشت مسجد سبک ایرانی رو بتکمیل و توسعه میرفت . این مطلب تنها تصوّر یا فرض ساده ای نیست زیرا بمحض اینکه در خراسان اسلوب قابل تحسینی که مدرسه نظام الملك در خواف نمونه بارز و مجللی از آنست ظهور کرد می بینیم که نقشه دلپاز و راحت آن خیلی بیش از مسجد نمونه عربی وسعت پیدا میکند . در سال ۵۳۰ هجری مسجد چهار ایوانی زواره ( شکل ۱۴۳ ) بدون داشتن سابقه دیگری احداث گردید<sup>۱</sup> و در حدود همان زمان نیز تغییر شکل یافتن بناهای قدیمی نمونه ایران شروع شد<sup>۲</sup> . قسمت مقابل گوشك که پیوسته چون مقصوره اصلی محفوظ نگاهداشته میشد چهار ایوان در اطراف صحنی میساختند و در فواصل بین این صحن و دیوار محوطه خارجی مسجد شبستانهای مختلفی وجود داشت که سقف آنها با قضا، مورد وسلیقه معماران و ابعاد عمارات بوسیله دیوار و ستون و جز رنگامداری میشد . از سال ۵۵۳ هجری مسجد گوشك مانند اردستان بمسجد چهار ایوانی که چگونگی آنرا میدانیم بمبدل گردید و محتمل است که مسجد جمعه اصفهان نیز در حدود همان دوره تغییر شکل داده باشد . ولیکن تنها در شهرهای عمده میتوانستند مساجدی ساخته یا آنتهایی را که داشتند بسبک جدید در آورند زیرا سبک مذکور خیلی گران تمام میشد و بدون شك بهمین سبب بناهای متعددی که نام بردیم تا امروز بوضع اولیه خود باقی مانده . مسجد چهار ایوانی نمونه مسجد بزرگ ایران گردید و هنوز هم همین نمونه باقی است و جز در تزییناتش که مکرر عوض شده تغییری پیدا نکرده است .

### ۱. گذار

۱ - بقصود بعد در باب شرح این بنا مراجعه شود .

۲ - تذکار این مطلب قبیل توجه است که مسجد زواره متعلق بیست قرن قبل از قدیمی ترین مدرسه چهار ایوانی که تا بعد شناخته شده یعنی مسنصریه بغداد که تاریخ آن سنه ۶۳۱ هجری است میباشد . این طول زمان تقریباً مدّلت میکند که بر خلاف آنچه گنونا ذکر نموده اند احداث چهار ایوان در اطراف صحن از مدرسه بمسجد سرایت نکرده بلکه سبب منبوت کاملی است که بر روی خود مسجد پیش آمده و بعداً مدرسه از آن استفاده کرده و در آنجا نیز معمول گردید و شاید همین نکته موضوع و منشأ مدرسه چهار ایوانی را که تا این اندازه در حاضرش گفتگو شده است ( که به اصل آن در ایران با شاه بوده ) نیز حل مینماید .

باعث خرسندی این جانب است نه از  
**آقای محمد تقی مصطفوی** که کتیه های  
مورد استفاده در این مقاله را از روی اصلشان  
در ابنیه خوانده و با وجودی که غالب آنها  
کمتر خوانا بوده یا صدمه و آسیب بسیار دیده  
با تحمّل رنج در محل یادداشت نموده و همچنین از  
**آقای حبیب الله آموزگار** عربی دان عالیقدر  
که در تجدید نظر و مراجعه بکتیبه های مزبور  
تشریک مساعی کرده اند و **خانم ی. آ. صدّار**  
که با بردباری ممتد آنها را مورد بررسی قرار داده  
و ترجمه نموده اند سپاس فراوان خود را اظهار نمایم

**آ. صدّار**

www.tabarestan.info  
تبرستان

## تاریخچه مسجد جمعه اصفهان<sup>۱</sup>

قدیمترین تاریخی که تاکنون در یکی از بناهای تاریخی شهر اصفهان مکشوف گردیده است ( ۴۸۱ هجری = ۹ - ۱۰۸۸ میلادی ) میباشد . تاریخ مزبور در

۱ - این بنا در تاریخ ۱۵ دی ماه ۱۳۱۰ ( ۶ ژانویه ۱۹۳۲ ) در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است .

\* کتیبه صرف استفاده قرار گرفته عبارتند از :

المقلسی : احسن التقاسیم - جاب ژ . دو گوز صفحه ۲۸۸ .

مفروضی : کتب محاسن اصفهان جاب تهران ۱۳۱۲ ( ۱۹۳۳ ) صفحه ۸۶ - ۸۴ .

سفر نامه ناصر خسرو : جاب ش . شقر صفحه ۲۵۳ - ۲۵۲ .

یعقوب : معجم البلدان - جاب ووستنفلد چند اول صفحه ۲۹۲ .

ابن الاثیر : سالهای ۴۴۲ و ۵۱۵ .

و . بارنگ : ایران ( بروسی ) صفحه ۱۱۵ .

۴ . بودوین : مقاله اصفهان در زمان سلطنت شاهن بزرگ در اوژبانیسم ۱۹۳۳ صفحه ۴۴ .

۵ . وان برخم : مقاله کتیبه از پدشاهن متول الجایتو در ( Mélanges Hartwig Derembourg )

صفحه ۳۶۶ - ۳۷۸ .

۶ . وان برخم : مقاله معماری اسلامی ایران در ( Journal des savants ) فوریه ۱۹۱۱ صفحه ۵۷ .

۷ . ج . برون : مقاله شرح کتب خطی کتیب تاریخ اصفهان در مجله مجمع مدنی آبی می لندن شماره

اکتوبر ۱۹۱۱ صفحه ۲۳۸ - ۲۳۷ . سفر نامه شاردن به ایران و سیر نقاط مشرق زمین جاب

ن . لانکر جلد هفتم و صفحات ۱۰ - ۱ و جلد نهم صفحه ۳۸۸ .

۸ . کوست : آذر جدید ایران صفحه ۲۱ شش ۵ - ۴ .

۹ . دیولاقوا : مقاله ایران و شوس و کله در ( Le toure du monde ) - ۱۸۸۶ صفحه ۱۵۸ .

۱۰ . دیز : دائرة معارف سلام مقاله مسجد صفحه ۴۳۲ - ۴۳۱ .

۱۱ . دیز ( Diez ) : کتب صنایع مدنی اسلامی جلد اول صفحه ۱۰۸ .

۱۲ . فلاندن و . ب کوست : کتب مسافرت به ایران - ایران جدید نقشه ۵۶ - ۵۵ .

۱۳ . گابریل : مقاله مسجد جمعه اصفهان در مجله صنعت اسلامی ( Ars islamica ) سال ۱۹۳۵

صفحه ۴۴ - ۷ .

۱۴ . گایت : کتب صنعت ایران صفحه ۱۶۲ .

۱۵ . گلویک و ا . دیز : کتب صنایع ملل اسلامی صفحات ۵۴۸ - ۵۴۷ .

۱۶ . آیه در ذر صفحه ۱۹۰ .

### مساجد قدیمی ایران

انتهای کتیبه مدوری که قاعده گنبد کوچکتر عهد سلجوقی مسجد جمعه را زینت میدهد دیده میشود .

گنبد دیگری که شبستان محراب اصلی مسجد را میپوشاند تاریخ ندارد<sup>۱</sup> لکن اسم پادشاهی که این گنبد در زمان سلطنت وی ساخته شده یعنی معزالدین والدین ابوالفتح ملکشاه ابن محمد بن داود که از سال ۴۶۵ تا ۴۸۵ هجری (۱۰۹۲-۱۰۷۲ میلادی) پادشاهی نموده و همچنین نام وزیرش حسن بن علی بن اسحق نظام‌الملک در اینجا ثبت است .

با توجه باین نکته که قدیمترین قسمت مسجد معمولاً شبستان محراب اصلی آنست از يك طرف و از طرف دیگر روایتی که در اصفهان محفوظ مانده و مطابق آن روایت ساختمان مسجد جامع را صراحتاً به ملکشاه نسبت میدهند چنین بنظر میرسد که بدون احتمال خبط بزرگ بتوان برای سلطان سلجوقی فوق‌الذکر افتخار ساختمان معروفترین بنای دوره اسلامی ایران را قائل شد .

با وجود مراتب فوق تصورات عامه مردم در باره این مسجد نیز مانند اغلب ابلیه مهمه کشور تأییراتی داشته است .

شاردن میگوید « ایرانیان این بنا را خیلی قدیمی حساب میکنند زیرا بر طبق روایت ایشان امام رضا ع که یکی از امام های دوازده گانه بوده و در قرن چهارم

(بعده از ذیل صفحه ۱۰۹)

۱. هرتسفلد : مقاله گنبد علویان و ایلیخان در ایران در رساله تحت عنوان يك جلد از مطالعات مشرق زمینی قدیمی به ۱، ج ۱، یراون صفحه ۱۹۲ .

۲. هرتسفلد : مقاله سفر نامه در (Z. D. M. G) ۱۹۲۶ صفحه ۲۳۸ .

۳. هوتوم تیندلر : کتاب عراق شرقی ایران صفحه ۱۲۲ .

۴. لوین لویتنس : مقاله آجر کاری ایران در مجله (Country Life) فوریه ۱۹۳۳ صفحه ۱۱۸ بعد .

۵. یوب : مقاله آجر کاری ایران در مجله (Country Life) دسامبر ۱۹۳۲ صفحه ۲۴۲ بعد .

۶. سالادن : در رساله اصول صنعت اسلامی در قسمت معماری صفحات ۳۳۵ - ۳۳۶ .

۷. زاره : کتاب آثار معماری ایران صفحه ۷۵ .

۸. لی استرنج : کتب ممالک خلافت شرقی صفحه ۲۰۵ - ۲۰۳ .

۹. اهالی اصفهان شبستان مزبور را صفة صاحب و شبستان گنبد یعنی را گنبد خاکي مینامند .

## آثار ایران

هجری میزیسته معمولاً عبادت های خود را زیر طاقی که نام شرقی دارد بجای می آورده. قدماء اصفهان تعریف میکنند که سلطان ملکشاه که در سال ۴۰۰ هجری میزیسته بانی این طاق بوده است لکن پادشاه مزبور تعمیر کننده ای بیش نبوده زیرا گنبد شمالی بنام سلطان منصور و گنبد جنوبی باسم سلطان یوسف که خیلی پیشتر زندگی می کرده مرقوم است<sup>۱</sup>.

باری کتبه گنبد شمالی از قرار ذیل است:

« . . . امر ببناء هذه القبة ابو الغنائم المرزبان بن خسرو فيروز ختم الله له »

« بالخير في شهر سنة احدى وثمانين واربعمائة »<sup>۲</sup>.

کتبه گنبد جنوبی نیز بشرح ذیل است:

« بسم الله الرحمن الرحيم . امر ببناء هذه القبة في أيام السلطان المعظم شاهان شاه »

« الاعظم ملك المشرق والمغرب ركن الاسلام والمسلمين معز الدنيا والدين ابي الفتح »

« ملك شاه بن محمد بن داود يمين خليفة الله امير المؤمنين اعز الله نصره العبد الفقير الي »

« رحمة الله الحسن بن علي بن اسحق علي يد ابي الفتح احمد بن محمد الخازن . »

همانقسم که در دو کتبه فوق الذکر نیز مشهود میگردد اسمی نه از سلطان

منصور و نه از سلطان یوسف در کار است و بتصویر این جانب امام هشتم<sup>۳</sup> که

بر خلاف گفته شاردن در قرن چهارم هجری میزیسته بلکه در قرن دوم از سال ۱۴۸

یا ۱۵۳ تا ۲۰۳ هجری زندگانی می کرده بچندین علت نمیتوانسته است عبادت خود

را در زیر سقف شرقی مسجد بجای آورد: یکی از علل آنکه اساسا گنبد شرقی در

مسجد جامع وجود ندارد و اگر مقصود از گفته شاردن ایوان شرقی باشد ایوان

مزبور نیز پیش از ابتدای قرن ششم هجری ساخته نشده بوده است.

هر چند نویسندگان مشهور صحبت های بر اساس سابق الذکر را جدی تلقی کرده و

تکرار نموده باشند با وجود این بطور قطع نمیتوان تصور کرد که افسانه عباسی الاصل

۱ - سفرنامه شوالیه شاردن ایران و سایر نقاط مشرق زمین ج ۱ ، لانکنز جلد ۷ صفحه ۴ .

۲ - ابوالغنائم المرزبان بیشتر بقب حج الملك و این درست شناخته شده و مقصود همین رقبه نصاء است

ست که در سال ۴۸۵ هجری بنشین وی گردیده و در ۴۸۶ بقتل رسید .

بودن مسجد جامع تا امروز دنباله پیدا کند مگر اینکه در بنیاد این اشتباه حقیقی یا بطریق اولی شبه حقیقی موجود بوده باشد.

ابن حوقل، مقدسی، ناصر خسرو، ماقروخی، ابن اثیر و یاقوت همگی خصوصاً چهار نفر اول شرح مسجد جمعه یهودیه را برای العین میدهند که مسجد جمعه فعلی اصفهان جانشین آن گردیده است. نویسندگان مزبور در باره این موضوع مجموعه کاملی از اطلاعات ذقیمت فرا آورده اند که تاریخ مسجد جامع از آن اقتباس شده و قسمت اعظم تاریخچه مسجد ایرانی نیز از آن بدست آمده است، لکن متأسفانه این نویسندگان از بنائنی صحبت میدارند که مسجد جمعه اصفهان نیست. ایشان شرح مسجد نمونه عربی را میدهند که فعلاً وجود ندارد و مطلقاً اثری از آن باقی نمانده و میگویند آنرا با خشت خام ساخته بودند و بعداً بجای آن بنای فعلی بطرز ایرانی «تماماً از آجرهای خوب که در کوره پخته شده»<sup>۱</sup> احداث گردیده و با بنای پیشین ارتباطی ندارد الا اینکه روی همان زمین ساخته شده و هنوز هم گاهگاهی جامع عتیق خوانده میشود. بنای مسجد قدیم که ستون هائی در برداشته با حیاط چهار ایوانی مدرسه نمونه ایرانی که در اطرافش حجراتی بوده «ترکیب» یا «آلوده» نشده است.<sup>۲</sup>

مسجد جمعه فعلی اصفهان که در روز اول مشتمل بر بنای گنبدی شکلی با اسم ملکشاه بوده عبارت از «مخلوط اختصاصاً خوش آیندی» از عناصر ایرانی و عرب نمیشد بلکه يك بنای خالص ایرانی است.

## مسجد دوره عباسی

قدیمترین توصیفی که از مسجد دوره عباسیان در دسترس ماست شرحی است که در رساله محاسن اصفهان یاقوت میشود. کتاب مزبور بعقیده براون آنطور که در

۱ - ب. کوست : بناهای جدید ایران صفحه ۲۱ .

۲ - ا. دیز : دائرة المعارف اسلام جلد سوم مقاله مسجد صفحه ۴۳۱ .



## آثار ایران

چاپ طهران آن مذکور میباشد<sup>۱</sup> در زمان سلطنت ملکشاه گرد نیامده بلکه در ۴۲۱ هجری (۱۰۳۰) میلادی بوسیلهٔ یکفر اصفهانی موسوم به مفضل ابن سعد ابن الحسین المافروخی جمع آوری شده است.<sup>۲</sup>

در آن هنگام اصفهان دو مسجد جامع داشت «مسجد بزرگ که قدیمی بوده و مسجد جدید که زیاتر میباشد» مسجد بزرگ مسجد جمعهٔ یهودیه بوده است<sup>۳</sup> «مسجد مذکور بتوسط اعراب دهکدهٔ طبران<sup>۴</sup> که از قبیلهٔ تیم بودند بنا گردید بعداً که اصفهان در اثر الحاق پانزده پارچه آبادی وسعت پیدا کرد الخصب پسر مسلم بقعه‌ای در آن شهر احداث نمود که بقعهٔ خصیب آباد نامیده میشود. در سال ۲۲۶ در زمان خلافت معتصم مسجد از نو ساخته شد، سپس ابو علی پسر رستم در زمان خلافت المقتدر آنرا بزرگ کرد. در آنوقت مسجد شامل چهار دستگاه ساختمان بود، این چهار دستگاه را نباید با رواقهای مسجد در چهار طرف صحن اشتباه نمود زیرا مافروخی بعداً تصریح میکند که «بهریک از این چهار دستگاه ساختمان رواقی متصل بوده، هر یک از این رواقها بوسیلهٔ درهائی که در دیوار دالانها و کوچه‌های فرعی گشوده میشود بازار باز میشود». بطوریکه در قسمتهای بعد خواهیم دید چهار دستگاه ساختمان را خانقاه‌ها و مدارس و متعلقات دیگری که معمول مساجد جامع بزرگ آن زمان است اشغال میکرده. نقشهٔ بنا در آن موقع باید تقریباً همانطوری باشد که طرح ضمیمه بطور غیر دقیقی آنرا نشان میدهد (شکل ۱۸۱). در طرح مزبور قسمتهای نخطط چهار دستگاه ساختمانرا نشان میدهد، رواقهای مجاور آنها بوسیلهٔ ستونهایشان معین گردیده. این ستونها همان جرزهای مدوری هستند که مقدسی اشاره بوجود آنها در مسجد جمعه

۱ - کتاب معاصرین اصفهان چاپ تهران ۱۳۱۲ (۱۹۳۳).

۲ - شرح کتب خطی زیاب تاریخ اصفهان که از طرف سر جان ملکم در ۱۹ مه ۱۸۲۷ بانجمن شاهي آسيبي لندن تقديم گردیده و بتوسط ادوارد گ. براون در صفحه ۴۱۲ در شمارهٔ اکتبر ۱۹۰۱ مجلهٔ انجمن مزبور توصیف گردیده است. براون در ضمن شرح آن میگوید: «این کتاب مبني بر نسخهٔ اصل عربي است که در سال ۴۲۱ هجری بتوسط مفضل ابن سعد ابن الحسين مافروخی گرد آورده شده و تحت عنوان رسالهٔ معاصرین اصفهان تألیف گردیده است».

۳ - ابن حوقل و مقدسی در ضمن ذکر دو شهری که اصفهان را تشکیل میداده اند یعنی جی و یهودیه، بوجود مسجد جامع بزرگی در هر یک از دو شهر مزبور اشاره میکنند.

۴ - صیران که فعلاً طیرون باشد هنوز موجود و در ۶۰ کیلومتری مغرب اصفهان واقع است.

یهودیه نموده است. بالای این ستونها رومیهای بوده<sup>۱</sup> که بر آنها طاقهای ضربی زده شده و یا اینکه تیرهای پشت بام روی آن قرار داشته زیرا یاقوت<sup>۲</sup> و ابن اثیر<sup>۳</sup> در ضمن ذکر محاصره اصفهان بدست طغرل بیک در ۳-۴۴۲ هجری (۱-۱۰۵۰) حکایت میکنند که هیزم باندازه‌ای نایاب بود که بمسجد جامع خرابی وارد آوردند برای اینکه تیرهایش را بردارند و البته تصور نمیرود مقصود از تیرهای مزبور چوبهای قسمت اصلی مسجد باشد بلکه در این مورد غرض از جامع باید آنچه را که مافروخی شرح میدهد در نظر گرفت، همچنان چهار دستگاہ ساختمان و خانقاهها و کاروانسراها و متعلقات مختلف که چون شبستانهای جای عبادت جزء مسجد محسوب بوده. علاوه بر آن ناصر خسرو که اصفهانرا در صفر ۴۴۴ هجری (ژوئن ۱۰۵۲) یعنی یکسال بعد از تصرف شهر بدست طغرل<sup>۴</sup> مشاهده نموده صریحاً ذکر مینماید که مسجد آدینه باشکوهی در مرکز شهر موجود است<sup>۵</sup> و در چند سطر بعد اشاره میکند که درون شهر منظره بسیار آبادی داشته و بنای غروبۀ مطلقاً در آن دیده نمیشد. از اینقرار معلوم میشود که خرابیهای مورد اشاره یاقوت و ابن اثیر چندان قابل ملاحظه نبوده و تقریباً میتوان پی برد قسمتهائی از بنا که با پشت بامهای مسطح پوشیده میگشته، یعنی سقف تیری داشته، سقف چوبیشان از بین رفته و دیگر بصورت مزبور وجود نداشته است. بنابر این نه فقط میتوان از خود پرسید آیا بر فراز طاقهای رومی که روی ستونهای مسجد قدیم استوار بوده سقفهای ضربی و یا بامهای مسطح تیری قرار داشته بلکه بدلیل آنچه از مساجد نقشه عربی چون تاریخانه دامغان و مسجد جمعه نائین<sup>۶</sup> میدانیم میتوان تصور نمود که سقف رواقات یهودیه یعنی مسجد جمعه احتمالاً از طاق های ضربی بوده است.

۱- مافروخی در قسمتهای بعد این مطلب را ذکر میکند.

۲- معجم البلدان چاپ ووستنفلد جلد اول صفحه ۲۹۲.

۳- الکامل فی التاریخ.

۴- طغرل در محرم ۴۴۳ (مه - ژوئن ۱۰۵۱) بشهر ورود نمود.

۵- سفرنامه ناصر خسرو چاپ ش. شفر صفحه ۲۵۲.

۶- مقاله تاریخانه دامغان در مجله صنایع مستظرفه، شماره دسامبر ۱۹۳۴ بلام آ. گدار.

پس از آنکه مافروخی بدین سان قسمت کلی بنا را ذکر مینماید شرح مسجد را لحظه‌ای قطع میکند تا ناچار داستان کلبه محقری را که مانع توسعه مسجد بوده نقل نماید. مافروخی مینویسد برای من تعریف کرده‌اند در محلیکه فعلاً حوض واقع است یعنی میان مسجد خانه ای بوده که بیک کلینی تعلق داشته و با وجود تمام کوششهایی که برای رضای خاطر یهودی مزبور بعمل آوردند و همه گونه مال حاضر بودند باو بدهند مشارالیه از فروش خانه خویش خودداری میکرد. چندین بار قیمتی را که میخواستند در مقابل خانه بوی بدهند بالا بردند تا بالاخره یهودی آنقدر دینار طلا گرفت که با آن دینارهای طلا میتواندست کف خانه خود را بپوشاند آنوقت تمام زمین بمسجد تعلق پیدا کرد. از این قبیل حاشیه‌ها در نزد مورخین اسلامی فراوان و مقصد اصلی ایشان ستایش از خوبی یا عدالت امیرزاده و یادمانت یا روح از خود گذشتگی پیرزنی و یاسخاء درویشی است.

در این مقام نیز ضمن ذکر یهودیه، تاریخ نتوانسته است از سرزنش آزو پلیدی روح یهودیان صرف نظر کند. مافروخی پس از ختم این تظاهر مختصر خود بر ضد یهود توجیف مسجد را ادامه میدهد. از همان ابتدا حمد و ثنای پروردگار و زمزمه خوانندگان اوراد و اذکار بگوش میرسد. بنا بگفته مافروخی « برای هر نماز کمتر از پنج هزار نفر در آنجا گرد نیامد. پهلوی هر جری شیخی قرار دارد و جماعتی از طلاب گرد او را گرفته بوظیفه درس و ریاضت نفس اشتغال دارند. آراستگی این بنا بواسطه مناظره فقهاء و مباحثه علماء و مجادله متکلمین و پندهای واعظین است، در آنجا صوفیان و علماء و کسانی دیده میشوند که بحال عبادت در مساجد اقامت گزیده و با تسبیح و دعا زندگانی رامیگذرانند. هر طاقی ماوای معمولی ایشان است، همین وضع تا خانقاههای وسیع و مرتفع و میهمانخانه‌هاییکه مخصوص غرباء و ینوایان و مساکین است مشهود میباشد » یعنی این ترتیب تا آنطرف رواقهای مسجد « در چهار دستگاه ساختمان » برقرار است.

روبروی مسجد کتابخانه باحجرات گوناگون و مخازنش واقع است. این کتابخانه

یوسيلة استاد الرئیس ابوالعباس احمد الضبی ساخته شده و او کتب مربوط به همه گونه علوم را که بمروور ایام فضلاء و ادباء سابق انتخاب کرده اند در آنجا جمع نموده است . کتابخانه مزبور دارای فهرستی در سه جلد بزرگ بوده مشتمل بر کتابهایی در تفسیر قرآن ، در حدیث ، در علم نحو و لغت و صرف ، در ادبیات ، در شعر ، در منطق ، ریاضی و طبیعی و الهی و غیره یعنی « در جمیع علومی که برای طالب فضل و تمیز بین علم و جهل مورد لزوم است .

مابین اصفهانیانی که در مسجد مزبور کار کرده اند یکی ابو مضر الرومی بوده که بامر او يك در دولتگه در مسجد کار گذارده شد و در تهیه این کار شگفت متحمل رنج فراوان گردیدند و برای آن هزار دینار طلا خرچ کردند و این مبلغ شامل خرج اطراف در و دو مناره که در روی دیواره ساخته شده بود نمیگردد . این درد در جلوخان گشادهای واقع گشته است که مسجد جامع را بسر بازار معروف بازار رنگرزان مربوط میسازد .

پس از این قسمت مافروخی بنوصیف جامع دومی که کوچکتر ولی زیاتر بوده میبردازد و ذکر میکند که این جامع معروف به جوزجیر بوده و توسط صاحب کافی - الکفیات ساخته شده است <sup>۲</sup> . بنابر گفته مافروخی این مسجد دارای شبستانها ، خانقاهها ، کتابخانه ، مدارس برای فقهاء و مجالسی برای ادباء و محلهائی برای شعرا و صوفیان و قاریان قرآن بوده است . لکن جالب توجه ترین نکته مربوط بموضوع مورد بحث ما برهانی است که مافروخی راجع بمنزیت جامع کوچک نسبت بمسجد جامع بزرگ اقامه میکند و متذکر میگردد که خاک رُس خامی که مسجد جامع کوچک از آن ساخته شده محکمتر از آنست که در ساختمانهای مسجد جامع بزرگ بکار رفته و بالتلیجه از حیث بلندی

۱ - مافروخی بدویایه مزبور نام فیفا داده و فیفا یا فیلیا که منی آن یای بیل است هنوز نیز برای تعیین و تشخیص پایه عمارت یاسکو مورد استعمال بناهای ایرانی است .

۲ - کافی الکفیات عنوانی برای ابوالقاسم اسمعیل ابن عبّاد وزیر معروف مؤیدالدوله و فخرالدوله سلاطین آن بویه بوده که در سال ۴۲۶ ( ۹۳۸ ) بدینا آمده و بسال ۳۸۵ ( ۹۹۵ ) در اصفهان بدرود حیات گشته است .

و استحکام بناهای مسجد کوچک نسبت بساختمان مسجد بزرگ برتری دارد. مناره که باخشت (لبن) و گل (طین) ساخته شده است با ارتفاع صد ذراع میرسد (هر ذراع نیم گز است) لکن از روی گفته های مقدسی چنین برمیآید که مناره مسجد جامع قدیم فقط به ۷۰ ذراع میرسیده است.

## مسجد در عهد سلجوقیان

مسجد دوره عباسیان که باخشت خام ساخته شده بود از حیث مصالح هیچگونه قدر اشتراکی بامسجد جمعه فعلی که با آجرهای خوب و محکم بنا گردیده ندارد. آیا چه موقع مسجد اولی از بین رفته است؟ این مطلب دقیقاً معلوم نیست ولی چنین بنظر میرسد که کشف مراحل اصلی ویرانی آن سهل و آسان باشد. گنبدی که باسم ملکشاه میاشد، یعنی بنائی که ریشه و منشأ مسجد فعلی محسوب میگردد، عبارت از گوشك منفردی است که بدیوار عموماً از جانب جنوبی زمین مسجد تکیه دارد (شکل ۱۴۵) و سه جانب دیگر همانقسم که نقشه و عکسهای ضمیمه نشان میدهد (شکل ۱۴۲ و ۱۴۶ و ۱۴۷) باز است و مقصود این بوده است که کاملاً هویدا باشد و دیده شود.

این نکته برخلاف فرضی است که اخیراً باز انتشار یافته و مبتنی بر این میباشد که در عهد سلجوقیان فقط گنبد محراب و چهار ایوان را بنای عصر عباسیان پیوسته آند و ضاقنماهای اولیه و چهار نمای رو به حیاط بر روی باقیمانده سطح خارجی بنا باقی بوده است<sup>۱</sup>. بنای عهد ملکشاه بر روی زمین آزاد و بازی ساخته شده بنا بر این محتمل است که قسمتی از بنای قدیمی سابق یعنی رواقها بطور یقین و قسمتی از چهار دستگاہ ساختمان در این مورد از بین رفته باشد<sup>۲</sup>.

هر چند مرتبه که برای اینجانب مطالعه مساجد قدیم نمونه ایرانی میسر گردیده

۱ - گابریل، مقاله مسجد جمعه اصفهان در رساله صنعت اسلامی چاپ ۱۹۳۵ صفحه ۴۲.

۲ - همین کیفیت در اردستان نیز مشاهده میشود که مسجدی ایرانی در همان زمین جانشین مسجدی گردیده است که از روی نقشه عربی ساخته بودند.

این مساجد را با قواعدی سنجیده و صحت و سقم آن قواعد را بدین نهج معلوم نموده‌ام. بر طبق این موازین مسجد در آن موقع عبارت از بنای طاقدار منفرد گشاده ای بود که بدیوار جنوبی تکیه میداده و جلو آن صحن وسیعی که محل اجتماع مؤمنین بوده وجود داشته‌است. اطراف یا لا اقل يك قسمت آنرا خانقاهها و مهمانخانه‌ها و متعلقات مختلف مسجد پیشین محصور مینمود. چیزیکه ما را باین اندیشه و امیدارد اینست که بناهای عهد سلجوقی که در ابتداء جز دو ساختمان گنبد دار چیز دیگری نبود کلاً از آجر نسوز ساخته میشد و معدلك مسجد در ۵۱۵ هجری طعمه حریق واقع گردید. يك کتیبه کوفی که قسمتی از آن هنوز خوانا است در یکی از سر درهای شمالی مسجد واقع و در آن جا چنین نوشته شده « این بنا پس از سوختن در ماههای سال ۵۱۵ تجدید گردید » (شکل ۱۴۹). از طرف دیگر ابن اثیر مینویسد که در سال ۵۱۵ (يك هفته پیش از حریق يك قصر سلطنتی) جامع اصفهان که با شکوه ترین جامعها و زیبا ترین آنها بوده بسوخت، بنا مزبور بدست باطنیه آتش گرفت. بنا بر آنچه ابن اثیر میگوید اینطور بنظر میرسد که خرابیهای وارده قابل ملاحظه بوده‌است. آنچه از چهار دستگاہ ساختمان باقی مانده بود گویا تقریباً بکلی ویران شد. منظره مسجد در آن موقع چنان بود که در هر يك از دو انتهای شمالی و جنوبی فضای وسیع بنای گنبد داری بر پا بوده. در مشرق و مغرب نیز جز ویرانه‌ای از خاك و خاشاك چیز دیگری وجود نداشته‌است، شاید این منظره وقت انگیز عدلت اساسی عملیات بزرگی است که در بنای مزبور انجام گردیده و شرح آنرا بعد خواهیم دید.

قبلاً خوبست ببینیم بنای کوچک گنبد دار را که تاریخ آن ۴۸۱ هجری است (شکل ۱۴۸) بچه منظور و برای چه نوع استفاده ساخته بودند. این نکته را درست توجه کرده‌اند که « نه آیات قرآنی که در کتیبه‌های این بنا خوانده میشود و نه آیاتی که در داخل عمارت روی دیوار نوشته شده هیچکدام با این تصور که بنای مزبور مقبره باشد وفق نمیدهد. بعضی این مکان را سایه بان آبنما یا کتابخانه‌ای پنداشته‌اند. اینهم مورد تردید است زیرا برای يك آبنما چنین سایه بانی بیش از اندازه گران بوده و برای کتابخانه نیز این محل عجیب بنظر میآید.

## آثار ایران

دو جانب از چهار جانب این ساختمان مسدود و بدون در یا درگاه است و دو جانب دیگر کاملاً بطرف بیرون بازو گشاده می‌باشد و بنا بر این يك کتابخانه را این طور غیر محفوظ نمیتوان تصوّر کرد و بعلاوه در چنین اطاق كوچك و مجزائی كه با بناهای مجاور هیچگونه ارتباط مستقیمی ندارد چگونه مجموعه عظیم کتابهایی كه فهرست آنها در سه جلد قطور تنظیم گشته بوده گنجایده می‌شده است.

گذشته از اینها علت اینکه يك کتابخانه باید بدین طریق بدون چون و چرا در محور محراب اصلی مسجد واقع باشد چه بوده است ؟

از قرار معلوم بنای مزبور كه در عین حال هم جنبه مذهبی و هم جنبه تزیینی دارد و در معماری آن نیز بیش از كنبه نظام الملك دقت بكار رفته باید برای شخص بزرگی كه مقامش در مسجد در ردیف اول مؤمنین نبوده بنا شده باشد. بنای بنای مزبور تاج الملك رقیب نظام الملك در خدمت بانوی جاه طلب ترکان خاتون بود، بانوی مزبور پسری از ملكشاه داشت و بر ضدّ وزیر مقتدر (نظام الملك) تمام سعی خود را با احتمال کامیابی بكار میبرد كه فرزندش بسمت ولایت عهد اعلام گردد. ساختمان بنای عالی فوق ممكن است در عین اینکه يك عمل چاپلوسی تاج الملك نسبت به بانوی مقتدر ترکان خاتون بوده تقلید حاسدانه‌ای از كنبه نظام الملك باشد. كتیبه این دو بنا در آن دوره كه فروتنی و حجب معمول بوده و نظام الملك و تاج الملك نام خود را بطور ساده بدون افزایش القابشان ذكر نموده اند در هر كنبه كاملاً متناسب و متضمن آیه پنجاه و سوم سورة الاعراف (سورة هفتم قرآن مجید) بوده بشرح ذیل می‌باشد:

«ان ربكم الله الذي خلق السموات والارض في ستة ايام ثم استوى على العرش»  
«يغشى الليل النهار يطلبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الاله الخلق»  
«و الامر تبارك الله رب العالمين».

این نکته بجز فرض چیز دیگری نیست.

۱ - ث - هوتسا (Th. Houtsma) دائرة المعارف اسلام، مقالة منكبناه.

'اينك بحث خود را در باب مسجد در موقعيكه طعمه حريق واقع شده ادامه میدهیم .

در همان سال حريق يعنى ۵۱۵ هجرى عمقاً ديوارهاى محوطه مسجد ترميم شده زيرا بر روى درى در جانب شمال مسجد بقايای ذيل از يك كتيبه كوفى كه سابقاً ذكر آن گذشت موجود ميباشد ( شكل ۱۴۹ ) :

«بسم الله الرحمن الرحيم ومن اظلم ممن منع مساجد الله ان يذكر .....»  
 «..... اعادة هذه العمارة بعد الاحتراق فى شهر سنة خمس عشرة و «  
 «خمسائة».

بناهاىيكه طعمه حريق واقع گرديد دوباره بهمان سبك ساخته نشد زيرا بجای آنها ساختمانهاى چون: شبستان زمستانی ، مدرسه ، چهارستونها و بناهاى ديگرى كه در دوره هاى خيلى بعد از حريق ميشوم احداث گرديده ديده ميشود . لکن شايد در همین اوان بوده است كه مسجديكه بنام ملكشاه ساخته شده بود بمسجد چهار ايوانى تغيير شكل يافت زيرا در آن زمان لازم ميدانستند بر روى ويرانه ها چيزى از نو بسازند .

در اين مورد طرح يك سؤال بموقع بنظر ميايد و آن اينستكه آيا چنين تغييرى در حدود سال ۵۱۵ امكان پذير بود يانه . گرچه اين مطلب درست است كه در ايران نمونه هاى متعدد از مساجد كوشك ماندى كه بمسجد چهار ايوانى تبديل يافته اند موجود بوده و قدیمتر از همه كه تا بحال شناخته شده مسجد اردستان است كه تاريخ آن ۵۵۳ هجرى ميباشد لکن اينجانب اخيراً در زواره نقشه مسجد چهار ايوانى كوچك و دلربايى را برداشتم (شكل ۱۴۳) كه بكلى دست نخورده و همچگونه تغيير شكلی در آن داده نشده مگر دو چوب يك در كه به پلكان شبستان كود و تازه ای مربوطه ميشد بر آن الحاق گرديده است و تاريخ آن ۵۳۰ هجرى است . اگر اين نکته را پذيرند كه بناى مزبور ممكن است اولين نمونه از اين قبيل ساختمان نباشد



در آنصورت میتوان چنین اندیشید که ممکن است در حدود سال ۵۱۵ حیاط فعلی و چهار ایوان آنرا بنای نظام الملکی پیوسته باشند. علاوه بر اینها تاریخ صحیح این عملیات چندان مورد توجه زیاد نیست، نکته مهم و قدر متیقن این است که این کارها در دوره سلجوقی انجام گرفته.

مسجد تازه محوطه چهارگوشی را که بین باقیمانده دیوارهای داخلی چهار دستگاہ ساختمان مورد ذکر ماقروخی واقع بود اشغال مینمود. در جلو کنبد نظام الملک ایوان جنوبی مسجد را ساختند و در جلو این ایوان صحن را طرح ریزی کردند. روی محورهای صحن سه ایوان دیگر را ترتیب دادند. ردیف ستونهایی که پنج به پنج (یکی در میان و چهار ستون در اطراف) قرار گرفته و طاقهای ضربی را نگاه میداشت فضا-های خالی بین ایوانها و حیاط و دیوار محوطه را اشغال مینمود<sup>۱</sup>. بعلاوه پنج چشمه طاق بر روی ویرانه های «دستگاههای ساختمان» شرقی ساخته شد (شکل ۱۸۲).

این قسمتهای اضافی که یک در جنوب شرقی مربوط میگردد از قرار معلوم این مصلب را میرساند که مدخل اصلی مسجد در آن موقع یا از آن موقع بعد در ورودی نبوده است که در انتهای ایوان شمالی باز میگرددیده است. بعلاوه مدخل جنوب شرقی هنوز هم مدخل بزرگ بنا و امروزه تنها دری است که باز میباشد. تمام آنچه گفته شد بنحو بسیار ساده و روشن تقریباً روی نقشه نوشته شده است.

برخی از محققین با مشاهده ستونهای جسیم و گچ اندود محراب که روی آن يك ضبقه ساختمان با معماری سبکتر و گنبدی از آجرهای نمایان احداث گردیده است این موضوع را طرح کرده اند که آیا قسمت پائین بنا از قسمت بالائی آن قدیمتر نیست؟ بعضیها قسمت پائین را بنای قبل از دوره اسلام تصور نموده اند لکن شالوده بنا کاملاً اسلامی است<sup>۲</sup>. در حقیقت آجرهای قسمت پائین بنا با آجرهای قسمت بالایی

۱ - این دیوار محوطه خواه قسمتی از آن از دیوار داخلی چهار دستگاہ ساختمان استفاده شده و خواه تماماً از نو ساخته شده باشد در هر صورت از خشت بنا گردیده است، چند قسمت از آن در مجاورت ایوان-های شرقی و شمالی مسجد موجود میباشد.

۲ - محور اصلی بنا با امتداد شمال مغرب طیبی تشکیل یک زاویه ۳۲ درجه در جهت جنوب قریبی میدهد.

بوده و این نکته بنتهائی برای روشن کردن مطلب و رفع اختلاف کفایت میکند . در باب ستونهای این بنا که بنظر میآید از دوره های پیشین پیروی شده باشد و واقعاً هم همینطور هست<sup>۱</sup> باید دانست که همین کیفیت در مسجد جامع گلپایگان که در زمان سلطنت محمد پسر ملکشاه (۵۱۱-۴۹۸) ساخته شده نیز ملاحظه میشود (شکلهای ۱۳۲ و ۱۵۰) . این مسجد کوشک مانند که تا زمان فتحعلیشاه قاجار بمسجد چهار ایوانی تبدیل نگردیده بود در صورت لزوم تاریخ تشکیل مسجد جامع فعلی اصفهان را معلوم خواهد نمود .

و نیز غالباً این مسئله را ذکر نموده اند که شبستان محراب بایوان جنوبی افزوده شده است ، لکن نقشه خلاف این مسئله را ثابت میکند (شکل ۱۴۳) . بعلاوه در شکل ۱۵۱ دیده میشود که يك حاشیه تزئینی در بالای ستونها بدور بنا پیچیده و زیر بناهائی که لابد پس از حاشیه مزبور احداث شده مفقود میگردد . يك عکس دیگری (شکل ۱۵۲) مینمایاند چگونه سقفهای قسمتهای مجاور گنبد چسبیده بآن ساخته شده اند بدون اینکه قسمتی را که سابقاً یکی از نماهای بنا بوده بطور ناپسندی خراب کند .

راجع بپایه های مدوّری که مقدسی دیده بوده و دلیل عمده عباسی بودن اساس مسجد بشمار میرود، عکسهای مربوط یکی از آنها ارائه داده میشود (شکل های ۱۵۳-۱۵۴) بر اثر ریزش قسمتی از سفیدکاری روی آنها دیده میشود که با آجرهای خوب ساخته شده و روی بندهای آجرها نقش و نگار کوچکی احداث نموده اند و بدینوسیله بستگی آنها بدوره سلجوقیان معلوم میگردد .

بنابر آنچه از سطور فوق معلوم میگردد در آخر دوره سلجوقی ساختمان مسجد جمعه اصفهان بصورت کنونی که دارای چهار ایوان است تمام بوده و در دوره های بعد بجز ترمیم آثار موجوده از سابق و پاره تزئینات و رنگ آمیزیهای که تصور میکردند بر رفتگی آنها میافزاید و اضافه کردن ملحقات مختلفی در محل « دستگاه های

۱ - بر سائله صنعت آسیای غربی قدیم تالیف ژ. کنتو (G. Contenau) قسمت مربوط بپایه های قصر گودئا در تلو (Goudéa à Tello) (متعلق بآخر قرن ۲۶ قبل از میلاد) نقشه ۱ اثر ا. دوسارزک (E. de Sarzec) در باب اکتشافات کهنه رجوع شود.

## محراب سلطان محمد خدا بنده الجایتو

مسجد جمعه اصفهان از زمان سلاطین مغول یاد کارهای کمی دارد، علتش بدون شك اینست که در زمان سلطنت این شهریاران تجارت پیشه شهر اصفهان بواسطه دور افتادن از جاده های عبور و مرور معتبر تا اندازه ای برکنار مانده و فقیر شد. حمدالله مستوفی میگوید: «فعلاً بواسطه خرابی ناحیه . . . . .»<sup>۱</sup> با وجود این مراتب سلطان خدا بنده الجایتو کمی پس از آنکه باین شیعه ایمان آورد<sup>۲</sup> با اجرای تعمیرات و تغییراتی در جامع مشهور اصفهان اقدام نمود. بدستور او در شبستان دوره سلجوقی بر دیوار شمالی ایوان غربی مسجد محراب با عظمتی از گچبری احداث گردید که تاریخش ۷۱۰ هجری (۱۳۱۰ م) است (شکل ۱۵۵). ماخ وان برخم\* از روی عکس کوچکی که ژرود کورتلمن\*\* برداشته و سالادن\*\*\* باو داده بوده است کتیبه های محراب مزبور را علی الخصوص متن مهم تاریخی آن که مایه زینت محرابست مطالعه نموده است. مشارالیه این مطالعه را انجام داده و برای نواقص عملی که از روی یکسند غیر کافی انجام گرفته، پوزش خواسته است، لکن آنچه مشارالیه خوانده صحیح و درخور آفرین است. در اینجا متن کتیبه تاریخی که از روی اصل موجود در بنا چندین بار مورد امعان نظر و دقت قرار گرفته است ذکر میگردد.

باملاحظه آن دیده میشود متنی که بتوسط وان برخم بوسیله ذره بین و بازاحت

۱ - نزهت القلوب، ترجمه گ. بی سترنج (ص ۵۵).

۲ - وان برخم کتیبه از سلطان مغول الجایتو در مجموعه هارتویگ در نیورگ ص ۳۷۴ مقادیر اول، (Mélanges Hartwig Derembourg)، هرگاه مسکوکات دوره الجایتو را بنحو اجمال مطالعه کنیم آثار تسنن را سال ۷۰۹ و آثار تشیع را از سال ۷۰۹ بعد روی آنها خواهیم یافت.

✧ Max Van Berchem.

✧ Gervais Courtellemont.

✧ Saladin.

خوانده شده است با اندکی اختلاف درست میباشد . اینک متن کتیبه :

### سلطان محمد

« هذا المحراب المستطاب من مضافات العمارات التي اتفقت اعدادتها في أيام »  
« معدلة السلطان حامى حوزة الاسلام والايمان غياث الدنيا والدين ظل الله في الارضين »  
« حرس الله بيقائه الاسلام من فواضل صدقات العميمة الصحببة الاعظمية صاحب ديوان »  
« الممالك شرقاً وغرباً بعداً و قرباً سعد الحق والدين المخصوص بعناية رب العالمين »  
« محمد الساوى ٢ اعز الله انصاره و ضاعف اقتداره تولاه العبد الضعيف الراجى الى »  
« رحمة الله تعالى و غفرانه عصف بن على الماسترى احسن الله عقبته في صفر سنة عشر »  
« و سبعمئة ختمه الله تبارك و تعالى بالخير والظفر » .

۱ - دو کلمه سلطان محمد که سطر اول کتیبه فوق است بایستی بعد از کلمات « ظل الله في الارضين » نوشته شده باشد لکن برای احترام این کلمات را در رأس کتیبه قرار داده اند .  
۲ - درباره سعدالدین محمد الساوی که نامش در کتیبه فوق الذکر مذکور گردیده است شرفنامه یردی نقل مینماید که سلطان خدا بنده العاجیو در سال ٧١١ هجری ( ١٣١١ میلادی ) این شخص را که وزیر وی و برادرش غازان بود بقتل رسانید ( شرفنامه ترجمه شرموی Charmoy ) جلد دوم قسمت اول ص ٣٧٥ ) .

۳ - کلمه الماستری را وان برخم الماسری یا الماسوری تشخیص داده است لکن دو نقطه ت که محققاً درعکس مورد استناد وان برخم معلوم نبوده بخوبی در اصل کتیبه موجود می باشد .  
بر طبق اطلاعی که اینجناب ارآه ای دکتر شفق استاد دانشکده ادبیات طهران کسب نموده ام در کتاب ابن الخبیه الهمدانی در طی شرحی که مؤلف مذکور از ایالت کرمانشاه میدهد کلمه ماستر در یکجا نام قبیله و در جای دیگر نام تیه ذکر گردیده است گویا قبیله که نامش ماستر بوده اسم خود را بناحیه و شاید هم بشهری از ایالت کرمانشاه داده باشد .

علاوه بر آن ابن علی الماستری دیگری نیز در نظرن مسعود و چندین بار در کتیبه های مسجد جامع آنشهر اسم برده شده است ، بقسمت نظرن در آثار ایران سال ١٣١٤ ( ١٩٣٦ ) ص ٩٠ و ٩٢ و ٩٦ مراجعه شود .

## الحاقت شاهان آل مظفر

در زمان سلطنت آل مظفر قسمتهای عمده مسجد ساخته شد . چهل ستون شمالی ( بین گنبد خاکی و ایوان شمالی ) و چهل ستون جنوب شرقی و مدرسه<sup>۱</sup> در محل « دستگاه ساختمان های شرقی » و همچنین بطور قطع شبستان محراب الجایتو از آن جمله محسوب میباشند .

تاریخ شبستان شمالی در کتیبه درب ورودی به اش که با خود شبستان مزبور در یک زمان ساخته شده قید گردیده است . درب مزبور که در مجاورت گنبد خاکی واقع است سابقاً دارای حاشیه‌ای بود که اطراف سردر را احاطه میکرد و کتیبه‌ای بخط کوفی<sup>۲</sup> در برداشته . قسمت بالای کتیبه از بین رفته و تنها قسمتی که بجز دیه‌های دو طرف را زینت میداده موجود است .

در سمت راست کتیبه از ابتدای سورة البقره ( سورة ۲۹ قرآن ) تا دو کلمه اول آیه ششم خوانده میشود، در سمت چپ ( شکل ۱۵۶ ) کلمات آخر آیه ۲۲ تا آخر آیه ۲۷ ملاحظه میگردد و بعد از آن این عبارت نوشته شده است :  
« فی شهر محرم سنة ثمان و ستین و سبعمائة »

همین تاریخ ۷۶۸ در آخر کتیبه بزرگی که بر روی نمای داخلی رومی جلو ایوان مدرسه ( شکل ۱۵۷ ) نوشته شده است نیز موجود میباشد .

« . . . . . مرتضی ابن الحسن العباسی الزینبی . . . . . »

« فی شهر سنة ثمان و ستین و سبعمائة من هجرة . . . . . »

در آخر حاشیه که اطراف محراب همین بنا را احاطه نموده است این عبارت خوانده میشود :

۱ - مقصود از مدرسه که مکرر در این کتب ذکر خواهد شد بنای معروف به صفة عمر بن عبدالعزیز است .

۲ - مرقع از کاشی سفید در متن آبی رنگ .

« کتبه علی کوهبار الابرقوئی فی سنه ثمان و سبعین و سبعمائه » .

این تاریخهای اتمام قسمتهای مختلف یعنی سنوات ۷۶۸ و ۷۷۸ کاملاً روشن و خوانا است . از طرف دیگر بر روی در جنوبی مدرسه که پهلوی مدخل جنوب شرقی مسجد واقع است قطعه کتیبه ذیل موجود میباشد ( شکل ۱۵۸ ) :

« . . . . . طان . . . . . ودخلد الله سلطانه الی یوم الموعود بنیت »

« هذه العمارة . . . . . »

از بقایای کتیبه مفهوم میشود که نام سلطان مذکور در این کتیبه سلطان محمود بوده است و بنا بر این شکی نیست که مدرسه در زمان قطب الدین شاه محمود از سلاطین آل مظفر که از ۷۵۹ تا ۷۷۶ ( ۱۳۷۴ - ۱۳۵۸ میلادی ) بر اصفهان سلطنت نموده بنا گردیده است .

مدرسه کتیبه های دیگری نیز دارد که شرح آن ذیلاً بنظر خوانندگان میرسد .

۱ - بر روی دو لوحه کوچک در بالای محراب اسامی سازندگان محراب « شمس بن تاج » و « فخر بن الوهاب الشیرازی بنا » .

۲ - بر روی کلی در سقف ایوان اسم همان سازنده که بر روی حاشیه درونی رومی جلوی ایوان موجود بوده در ضمن کتیبه ذیل نیز ذکر گردیده است ( شکل ۱۵۹ ) :

« عامر بیت الله تعالی العبد الفقیر الی الله الغنی مرتضی بن حسن العباسی الزینبی »  
« تقبل الله منه » .

در درون ایوان نیز متن جالب توجهی بنام اشرف افغان موجود است . این کتیبه بانضمام آیاتی چند مجموعاً در ۱۸ لوحه مرقوم است . ده لوحه بزرگتر و هشت لوحه کوچکتر است ، در هر يك از دو جانب راست و چپ ایوان پنج لوحه بزرگ و چهار

---

۱ - در قسمت فرانسه این کتاب کلمات « عامر بیت الله تعالی » بعد از « تقبل الله منه » قرار گرفته و بر سر مرتضی ال افزوده شده است .

آثار ایران

لوحة کوچک در فواصل آنها قرار داده شده است<sup>۱</sup>.

لوحة های آخرین در شکل ۱۵۷ نزدیک انتهای کتیبه ای که تاریخش ۱۷۶۸ است دیده میشود، کتیبه های مورد بحث ذیلاً نقل و مندرجات الواح کوچکتر بین الهلالین ذکر میگردد.

در طرف راست :

« لقد أمر السلطان خاقان عصره »

( ز صدیق است انوار صداقت )

« و من فاق فی ابراز عزّ جلاله »

( ز فاروق است اسرار عدالت )

« و اشرف سلطان السلاطین اسمه »

( ز ذی النورین فیض و نور رحمت )

« و منه استفاض الناموس حسن نواله »

( ز انوار علی حبّ ولایت )

« بتعبیر هذا المسجد الجامع الذی »

از طرف چپ :

« افاض علی العباد فیض جماله »

( ز صدیق است انوار صداقت )

« بترغیب مولی زعفران و آله »

( ز فاروق است اسرار عدالت )

« هو الفاضل المعروف فضل کماله »

( ز ذی النورین فیض و نور رحمت )

« تصدّی له یعقوب أنّ حاوله »

۱ - کلبه این الواح از کاشی های چهار گوش است و در الواح بزرگ کتیبه بخط ثلث برنگ سفید روی متن آبی است. نوحه سوره استنثا برنگ زرد روی متن سیاه نوشته شده. در الواح کوچکتر کتیبه ها بخط نستعلیق و برنگ سفید روی متن قهوه ای سیر است.

( زانوار علی حبّ ولایت )

« یفوق علی الاقران حسن خصاله »

بعد از کتیبه‌های فوق بر روی نیمه لوحه کوچکی عبارت ذیل مسطور است :  
« کتبه الفقیر مهر علی المولوی فی سنه تسع و ثلاثین و مائه بعد الالف » .  
ع - در آخر کتیبه بزرگ افقی ( پائین شکل ۱۵۹ و ۱۶۰ ) عبارت ذیل  
خوانده میشود :

« کتبه العلی المولوی ۱۱۳۹ »

### شبستان زمستانی ( بیت شتاء )

در دوره تیموری نیز بجای بناهاییکه در اثر حریق سال ۵۱۵ هجری خراب  
شده بود بناهایی احداث گردید . از سال ۸۵۱ هجری ( ۱۴۴۷ میلادی ) بالای درب  
مسدودیکه در یکی از طاقماهای سمت مغرب حیاط است <sup>۱</sup> ( شکل ۱۶۱ ) کتیبه  
ذیل <sup>۲</sup> که بهیچوجه تاریخش با کاشیکاری سایر طاقماهای مجاور تطبیق نمینماید مشاهده  
میگردد :

« امر ببناء هذه العماره الموسعة لبیت شتاء هذه الجامع الشریف فی ایام دولة السلطان  
« الاعظم اعدل سلاطین العالم غیاث الحق والدین سلطان محمد بهادر نخلد الله ملکه  
« وسلطانہ اقل عبیده عماد بن مظفر ورزقه وفقه الله لمراضیه وجعل مستقبله خیراً من  
« ماضیه فی شوال سنه احدى و خمسين و ثمنین کتبه سبّد محمود نقاش » .

مقصود سلطان محمد پسر بایسنقر است که بنا بقول <sup>۱</sup> . دوزامبور ص ۲۷۰ از سال  
۸۵۰ تا ۸۸۵ هجری در عراق و فارس و سیستان سلطنت نموده است، شبستان مورد  
بحث پشت ساختمان الجایتو که برای شبستان حکم کفش کنی دارد و در عقب ایوان

۱ - طاقمای دوم در شمال ایوان فریبی.

۲ - بجز ثلث یا کاشی معرق سفید در متن لاجوردی بجز اسم سلطان که حروف آن برنگ زرد  
وطلایی نوشته شده است.



## آثار ایران

غربی تا دالان جنوب غربی مسجد واقع می‌باشد.

در حدود ۲۵ گز پهنای آن و نزدیک به ۵۰ گز درازیش بوده و بخش بزرگی از دستگاه ساختمان غربی را اشغال مینماید. این شبستان گود و برای زمستان مناسب است و هجده چشمه طاق دارد که دور دیف جرزهای کلفت آنها را نگاه داشته است. روشنائی روز جز بوسیله تخته سنگهای مرمری که در وسط طاقها نصب گردیده بترتیب دیگری بداخل شبستان نفوذ نمیکند.

مجموع بناهای مسجد فعلی در آن موقع ساخته شده بود بجز چهلستون و شبستان بزرگ جنوب غربی که هنوز در آنوقت وجود نداشته است. تاریخ بناهای اخیر بنا بر کتیبه بالای دربی که بانجامتھی میگردد ۹۹۹ هجری (۹۱-۱۵۹۰ میلادی) است.

## تعمیرات اوزون حسن<sup>۱</sup>

ترتیب تاریخی کتیبه ها ما را از وجود کتیبه بسیار مهمی آگاه میکند که حاکی از تعمیر بنا است و در قطار وسطی سقف ایوان طرف قبله واقع گردیده است. کلمه قطار در این مورد اصطلاح معماری است که بهر یک از مقرنس کاربهای که سقف ایوان یا گنبد یا محلهای دیگری از ابنیه را زینت میدهد اطلاق میگردد. کتیبه مزبوره بخط ثلث با کاشی معرق سفید بر متن لاجوردی نوشته شده و بشرح ذیل است:

«حمد لله و صلوة علی نبیّه محمد قد أمر السلطان الاعظم ابوالنصر حسن»  
«بهدار خلد الله ملكه باصلاح ما اختل من هدا الجامع المنيع و اعادة هذا السقف الرقيق»  
«بعد الاندراس و لما جرّ غب الانطعاس من ماله الحلال في سنة ۸۸۰»

ابوالنصر بهادر آق قویونلو که بیشتر باسم اوزون حسن شناخته شده است

۱- اوزون حسن از سال ۸۵۸ هجری (۱۴۵۴ میلادی) امیر دیربکر بوده بعد از ۸۷۳ تا ۸۸۲ هجری (۱۴۶۷ تا ۱۴۷۸ میلادی) بر کور فیرومندی که شامل ارمنستان و بین‌النهرین و ایران بوده ستمت نموده است.

بنا بر متن فوق تعمیرات مهمی در مسجد نموده لکن از اهمیت و عمل آنها خبری نداریم.

این مطلب را میتوان با کمال درستی تصور نمود که بامر اوزون حسن سقف ایوان جنوبی (که ساختمانش مربوط بعهد سلجوقی نیست) از نو ساخته شده و مناره های همان ایوان نیز که از دوره صفوی نیست در زمان وی احداث گردیده (شکل ۱۶۲).

در باب تغییراتی که در این هنگام در منظر بنا داده شده اطمینان بیشتر حاصل است.

قسمت داخلی ایوان جنوبی و نمای آن و نمای طاقنماهای عادی حیاط از تزئینات کاشی کاری پوشیده شده و بخش بزرگی از آن هنوز باقی و برقرار است (شکل ۱۶۳)، نام یکی از عالمین در لوحه کوچکی در قسمت نمای ایوان جنوبی (شکل ۱۶۴) بدین طریق نوشته شده است:

«عمل استاد شمس الدین کاشی تراش»

بطوریکه ملاحظه میگردد در کتیبه ذکری از سال نشده است لکن سبک عمل بخودی خود دارای تاریخ میباشد. چند بدنه کاشیکاری که قسمت پائین دیوارهای ایوان جنوبی را زینت میدهد در این باب هیچگونه تردیدی باقی نیگدارد. طرز تنظیم مخصوص آنها که گل و بوته ها و لوحه های کاشیکاری را بطور برجسته بر روی تزئینات دیوار قرار داده اند (شکلهای ۱۶۷-۱۶۵) دارای سبک تزئین نا پایداری بوده و تا آنجا که اینجانب اطلاع دارم بجز يك بنای تاریخی اصفهان موسوم به درب امام در جای دیگری این شیوه زینت کاری موجود نمیشد. تاریخ درب امام مربوط بسلطنت جهانشاه آخرین حکمران قرقوبونلو است که در ۸۷۲ (۱۴۶۷) وفات یافت. از طرف دیگر پایه ها و حاشیه های افقی بالای طاقنماهای حیاط (شکل ۱۶۹) از قسمی کاشی کاری تزئین یافته که طرح آن نیز سبک مخصوص بوده و همچنین رنگش

## آثار ایران

جز روی دیوار خارجی مسجد علی اصفهان ( شکل ۱۷۰ ) که در زمان سلطنت شاه اسمعیل صفوی ( ۹۳۰ - ۹۰۷ هجری = ۱۵۲۴ = ۱۵۰۲ میلادی ) ساخته شده در جای دیگر مشاهده نمیگردد . مابین آخرین پادشاه قرقویونلو و نخستین شهریار صفوی تنها آق قویونلوها بر اصفهان فرمانروائی کردند و از قرار معلوم تنها کسی از ایشان که در مسجد جامع اصفهان انجام عملیاتی را موجب گردیده است همان اوزون حسن میباشد .

تاریخ بدنه های کاشی کاری های ایوان جنوبی که دارای قسمتها و گل و بوته های برجسته میباشد همان تاریخ نمای ایوان بوده و طاقماهای حیاط نیز جز قسمتهائیکه البته بعداً تغییر شکل داده یا تعمیر نموده اند و بجز تزئین طاقمائیکه کتیبه مربوط بشبستان زمستانی در آن واقع گردیده است متعلق بهمان زمان میباشد . در تزئینات طاقماها که تنها همان شیوه مخصوص موجود است ( شکل ۱۶۹ ) بلکه همان رنگها نیز بکار رفته و همه جا شاخ و برگها و گل و بوته های آجری بزرگ طبیعی آجر در وسط کاشی کاریها دویده و این سبک نیز مثل قسمتهای برجسته فقط در مدت بسیار کوتاهی معمول بوده است .

در زمان اوزون حسن بیش از دوره شاهان صفوی مسجد جمعه اصفهان قسمت عمده تزئینات و کیفیت عهد سلجوقی خویش را از دست داد .

## تعمیرات و پیرایش های عهد صفوی

مشهورترین سلاطین صفوی یعنی عامر بزرگ شاه عباس اول هرگز بنیای مورد بحث علاقه نشان نداده و مسجد قدیمی مزبور جزء اصفهانی که شاه عباس آبادیش پرداخته محسوب نگردیده است . بطوری که شاردن ذکر میکند<sup>۱</sup> سلطان

۱ - سفرنامه شاردن جلد هشتم ص ۳۵۲ - میگویند عباس چون بن زودی که . یل بود دشرسی  
بنک مرمر لاره برای بنا گذاشت میخواست سنگ مرمر های مسجد عمده شهر را که اکنون  
مسجد جمیع حقیق مینامند بردارد . . . . .

مذکور موقعی قصد تخریب آنرا داشت که از مصالحش برای مسجدی که در میدان بزرگ میساخت « و آنرا برای جامع کبیر در نظر گرفته بود »<sup>۱</sup> استفاده نماید بعداً این مطلب را فراموش کرد.

گرچه ستون های مسجد و شبستان جنوب غربی آن در زمان سلطنت وی ساخته شده است لکن نامش در مسجد دیده نمیشود. برعکس آثار تعمیرات و تزینات زیادی که بامر شهریاران دیگر صفوی یعنی شاه اسمعیل، شاه طهماسب، شاه عباس دوم، شاه سلیمان، شاه سلطان حسین انجام گرفته مشاهده میگردد.

بر روی نما و درون ایوان جنوبی حاشیه های بزرگ عهد اوزون حسن تبدیل بحاشیه های دیگری بنام شاه طهماسب گردید. یکی از آنها دارای کتیبه ایست طولانی بنحط ثلث با کاشی معرق سفید روی زمینه آبی که زیر قطارهای طاق واقع و دور ایوان میگردد. در این کتیبه مطلبی که مربوط بتاریخ بنا باشد بجز چند جمله آخر آن که ذیلاً ذکر میگردد چیزی موجود نیست.

«..... در زمان خلافت اعلی حضرت ..... السلطان بن السلطان»  
 «ایوالمظفر شاه طهماسب ..... بتزئین و تعمیر این مسجد من خالص عاله.....»  
 «محمد الاصفهانی ..... و این تزئین سعادت قرین بسعی و اهتمام علیا مرتبه عفت»  
 «و جلیله پناه و فقهاالله الخیرت انجام یافت فی تاریخ سنه ثمان و ثلثین و تسعمائة کتبه»  
 «کمال الدین حسین الحافظ الهروی».

در کتیبه مذکور اسم بانو ذکر نگردیده ولی قطعاً همان کسی است که نامش را

۱ - ایضاً سفرنامه شاردن: کتیبه بزرگ سردرب اصلی مسجد شاه عباس بدین نحو شروع میشود: « امر ببناء هذا الجامع . . . »

در این ادعا که تاریخش ۱۰۲۵ هجری میباشد يك نحو مخالفتی موجود بوده که پس از فوت شاه بطرز ملایمی در يك کتیبه دیگر سردرب اصلی ظاهر گردیده است « . . . ساختمان مسجد که چون در آنجا نماز جمعه را باتمام آدابش ادا میکنند تقریباً مسجد جامع است . . . » معذک از موقع ساختمانش تا هنگام مسافرت فلاندرن (۱۸۴۰) مسجد شاه تقریباً بطور کلی مسجد جمعه نامیده شده است. « ما بمیدان بزرگی رسیدیم که در انتهای آن مسجدی عالی و در پهلوش عمارت عظیمی قرار داشت . . . اینجا میدان شاه و مسجد اصلی شهر که موسوم است بمسجد جمعه و قصر شاه عباس می باشد » ( اقتباس از سفرنامه ۱ فلاندرن بایران جلد اول ص ۲۸۵ ).

## آثار ایران

در کتیبه دیگری در سمت چپ نمای همین ایوان جنسوی ذکر نموده اند ( شکل ۱۷۱ ) کتیبه مزبور از قرار ذیل است :

«واین تزئین سعادت قرین بسی و اهتمام علیا مرتبه عصمت پناه عفت شعار»  
«ساعیه الخیرات والمبررات آفا سلطان لازال ایام عصمتها وعفتهاالی یوم القیام صورت»  
«اتمام یافت که ثواب این خیر باوعاند گردد بمحمد وآله<sup>۱</sup>»

کتیبه دیگری<sup>۲</sup> از عهد شاه طهماسب داخل رومی بزرگ جلو ایوانرا زینت داده و شامل<sup>۳</sup> نه آیه اول سوره الاسری<sup>۴</sup> (سوره هفدهم قرآن مجید) بوده بعد از آن عبارت ذیل خوانده میشود :

«تحریر آ فی تاریخ سنه ثمان و ثلاثین وتسعمائه»

پس از آن دو سطر دیگر بخط نستعلیق بر خلاف جهت کتیبه فوق یعنی قسمی نوشته شده که طول آن در عرض حاشیه کتیبه فوق قرار گرفته است. سطر اول متضمن شعر حافظ ( آنها که خاکرا بنظر کیمیا کنند) و سطر دوم شامل این عبارت میباشد :

« بعمل الفقیر یوسف بن تاج الدین بنّاء اصفهانی »

دو بدنه کاشی کاری بسیار زیبایی که خوب محفوظ مانده (شکل ۱۷۲) دنباله حاشیه کتیبه فوق یعنی در فاصله بین دو انتهای حاشیه کتیبه مزبور و ازاره سنگ مرمر قرار گرفته است .

در سابق بالای هر يك از این دو بدنه يك کتیبه موجود بود<sup>۵</sup>، حاشیه کتیبه سمت مغرب نحو گردیده و کتیبه طرف مشرق ذیلاً نوشته میشود :

«و قال الله تبارک و تعالی یا بنی آدم خذوا زینتکم<sup>۶</sup> عند کل مسجد صدق الله»

۱ - کتیبه فوق در چهار سطر بخط نستعلیق با کاشی معرق سفید روی زمینه سیه نوشته شده است .

۲ - بخط نستعلیق با کاشی معرق بر کاشی آبی .

۳ - بخط نستعلیق با کاشی سفید بر کاشی آبی .

۴ - کاسیمیرسکی ( Kasimirsky ) خدوا زینتکم را بدین قسم ترجمه نموده است : بهترین لباس خود

را در بپوشید ..... در قسمت فرانسه این کتب نیز چنین ترجمه شده است : « خود را بپوشید » .

«العظیم کتبه العبد تاج الدین معلم اصفهانی»

در دودبند کاشیکاری مورد بحث دو کتیبه کوچک بخط کوفی نیز موجود و در يك کتیبه عبارت «الحکم لله» و در کتیبه دیگر جمله «القدرة لله» خوانده میشود. بر روی يك نخست کاشی که مورخ بسال ۱۰۷۲ هجری بوده و توی دیوار جنوبی ایوان نصب گردیده این عبارت نوشته شده است:

«عمل استاد ابراهیم بن استاد اسمعیل بناء اصفهانی»

لکن نمیدانیم مقصود کدام عمل میباشد. تنها کاریکه تاریخش مربوط بزمان شاه عباس ثانی است (۱۰۷۷ - ۱۰۵۲ هجری = ۱۶۶۷ - ۱۶۴۲ میلادی) و ما از آن اطلاع داریم قسمت افقی کتیبه مستطیل نمای ایوان جنوبی است<sup>۱</sup>. شاید مقصود از این عمل احداث همان حاشیه باشد.

نمای ایوان از دو حاشیه کتیبه بزرگترین یافته که یکی بدور دهانه طاق میگردد و دیگری مربع مستطیل است. هر دو کتیبه در زمان سلطنت شاه طهماسب بجای حاشیه های قدیمتر احداث گردیده. کتیبه اولی (شکل ۱۷۳) مشتمل است بر ۱۴ لوحه بزرگ که در فواصل آنها ۱۳ لوحه کوچکتر واقع شده. هر يك از الواح بزرگتر متضمن درود و سلام در شان یکی از چهارده معصوم<sup>۲</sup> بوده است.

حاشیه دیگر که در گردنما واقع شده ابتداء مشتمل بر ۲۱ آیه اول سورة الفتح (سورة ۴۸ کلام الله مجید) بوده است لکن در زمان شاه عباس ثانی قسمت مرکزی کتیبه را از وسط آیه هفتم تا ابتدای آیه شانزدهم برداشته کتیبه ذیل را بجای آن قرار داده اند:

«ترتین هذا المسجد الرفیع الموعود... اعلى... المؤید السلطان المبرور»

۱ - یکاشی معرقی هلالی.

۲ - متن الواح بزرگتر بخط ثلث با کاشی آبی و متن لوحه های کوچک وسطی بهمان خط با کاشی معرق زرد هلالی بر کاشی آبی و متن سایر الواح کوچکتر بخط نستعلیق با کاشی معرق سفید بر کاشی سیاه نوشته شده است.

«الملحق بابائه الطاهرين شاه طهماسب حشره الله مع الائمة المعصومين وشرف بمروره»  
 «الدوران والاعوام على الحرب والانهدام وامر بتجديده وتعميره وتزئينه سبطه الاعظم و»  
 «الافخم سلطان السلاطين وملاذ الخواقين مروج مذهب آبائه الطاهرين السطانت بن»  
 «السلطان شاه عباس الثاني الصفوي الحسيني صاحب قران خلد الله ظلال معدلته على مفارق»  
 «العلمين بمحمد وآله المعصومين في ستة سبعين والفاء من الهجرة النبوية صلى الله عليه»  
 «وآله كتبه محمد رضا الامامى الاصفهاني الادهمي».

در ایوان جنوبی کتیبه متعلق به بعد از شاه عباس ثانی موجود نمیباشد نه باین علت که از سال ۱۰۷۰ هجری این قسمت مسجد احتیاج بتعمیر نداشته است بلکه بیشتر باین سبب که این محل برگزیده و متبرک مسجد بقدری اشغال شده بود که شاه عباس ثانی برای گنجاندن اسمش در آنجا يك قسمت متن کتیبه آیات قرآنی را برداشت. شاهان بعد بسایر ایوانهای مسجد راضی گشتند و اسمشانرا در ایوانهای دیگر مسجد می بینیم. نوبت به اشرف افغان که رسید مشارالیه نیز برای نگاشتن نام خود مدرسه را انتخاب کرد.

ایوان شمالی در عهد سلجوقیان حکم دالان مدخل اصلی مسجد را داشت، برای رسیدن بدانجا از دری میگذشته اند که در انتهای يك شاه نشین مربع واقع شده و این در در قسمتی از نقشه بوده است که در تاریخ ۷۶۸ هجری مسدود شده است. شاه نشین مزبور در طرفین دیوارها و جرزهای جسیمی داشت که درون آنها پلکان بود. در عهد سلطنت شاه سلیمان (۱۱۰۵-۱۰۷۷ هجری = ۱۶۹۴-۱۶۶۷ میلادی) شاهنشین مزبور را به صقه تبدیل نمودند که اکنون صقه درویش خوانده میشود و بطور احتمال در همان موقع بوده که درب را مسدود کرده اند (شکل ۱۷۴)، بعلاوه از موقعیکه چهلستون شمالی بتوسط سلطان محمود آل مظفر ساخته شد یعنی از همان وقت که بناهای مسجد توسعه یافته و به کنید خاکی رسید درب مزبور هیچگونه استفاده نداشته است.

۱ - متن این کتیبه بخط ثقت با کاشی معرق سفید روی زمینه آبی نوشته شده، بحر سه شاه که رنگ کاشی معرقش زرد ضلایی است.

در حینکه شاه سلیمان بساختمان صفه درویش اشتغال داشت تزینات داخلی ایوانرا نیز تغییر داد . شاید بقسمت نمای بیرون هم پرداخته بوده است لکن از آن بابت هیچگونه اطلاعی در دست نیست زیرا قسمت بیرون ایوان یکی در دوره قاجاریه از نو ساخته شده است . روی دیوار های طرفین ایوان پای سقف يك حاشیه بلند کچ بری وجود دارد که در آن دو کتیبه قرار گرفته و ابتدا و انتهای کتیبه ها در موقع تجدیدساختمان روی دهانه ایوان از بین رفته است .

این متن طولانی که کچ بری خطوط آن برنگ سفیدروی زمینه زرد حاشیه رنگ شده است متضمن آیاتی است نقل از کلام الله و نعت حضرت امیر ؑ و اهل بیت و اولادش و همچنین احادیثی از حضرت رسول ؐ در باب احترام مساجد و ثواب موعود بکسانی که در مجاورت مساجد سکنی کرده یا مسجد رفته یا در آنجا چراغ بفرورزند و عقاب برای مردمانیکه مراعات احترام مسجد را بطوریکه باید و شاید نمایند و قس علیهذا .... نه اسم بانی و سازنده و نه تاریخ هیچکدام در این کتیبه موجود نیست لکن در قسمتهای علیای صفه بالای طاق آن حاشیه دیگری دیده میشود که آن نیز از کچ بری کتیبه ذیل برنگ سفید روی متن آبی نگاشته شده است :

«قد امر سیّد السّلاطین و المفقّر الخواقین مشیّد اساس الدّین المبین مروّج شریعة»  
 «آبائه الطاهرین معدن الجود و الکرّم و الامتنان السلطان بن السلطان و الخاقان بن»  
 «الخاقان ابوالمظفر السلطان سلیمان الحسینی الصفوی جعله الله خلیفة من انصار الرّحمن»  
 «بتجدید هذه المسجد العتیق الذی اسس علی التقوی للعاکفین و ذوالمصلمین و الرّکع»  
 «السجود الداعین محبوا للدولة و الحكومة فی ۱۰۹۳»

از روی این کتیبه میتوان تصوّر نمود که تمام تزینات داخلی ایوان و حتی ترتیب دادن صفه در زمان سلطنت شاه سلیمان انجام شده است .

درون صفه بالای دیوار حاشیه کچی دور سقف موجود است که بر آن کتیبه کچ بری بخط کوفی فوق العاده ظریف و دشواری احداث نموده اند . کتیبه مزبور



## آثار ایران

شامل آیات ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ سوره نور و سوره ۲۴ قرآن مجید ، میباشد .

بر روی دیوار شمالی همان صفت تقریباً یک متر بسقف مانده اشعاری بخط نستعلیق برنگ سیاه روی گچ نگاشته اند که از ترمیم آن محلّ توسط حسین نام نقاش حکایت میکند . همین اسم در آخر شعر دیگری نیز موجود است که بطور بسیار معمولی برنگ قرمز در وسط وزیر کتیبه شاه سلیمان نوشته شده . شعر مزبور مربوط به تعمیر نسبتاً جدیدی است که در آنجا نموده اند .

ایوان شرقی تنها قسمتی میباشد که پارهای از تزیینات عهد سلجوقیش محفوظ مانده است . رومی جلو ایوان از نو ساختمان گردیده لکن پایه های دو جانفش هوزمزین بطاقچه های گچ بری بسیار زیبایی است که اختصاص کامل بدوره ساختمان ایوان دارد (شکل ۱۷۵) . طاقچه های پائین دارای کتیبه هائی است کوفی که از حیث اسلوب در نهایت خوبی است .

در یکی عبارت : « لا اله الا الله الملك الحق المبين » و در دیگری جمله « محمد رسول الله الصادق الامين » دیده میشود .

شاه سلیمان در درون این ایوان نیز چون ایوان شمالی تقدّس خود را ظاهر ساخته است ، حاشیه ضویلی از گاشی آبی رنگ سیر که کتیبه ای بخط ثلث و رنگ سفید روی آن نگاشته شده از آنجائیکه سقف شروع میشود دور بنا میگردد . قسمت راست این کتیبه مشتمل بر احادیث و روایاتی است از حضرت رسول ص و حضرت امام جعفر صادق ع در باب کسانی که همیشه مسجد میروند و اجر بکه بایشان اعطاء میگردد . قسمت وسط آن تاریخی و بشرح ذیل است :

« لقد جدد مجدد اساس الدين المبين ومعدّد قواعد آباءه الاطهرين و «عرّ الايمان  
والؤمنين مالك رقاب الامم مولى ملوك العرب والعجم فرع ..... الشجرة النورية غنمين ،  
«الدوحة العذبة لعلوية السلطان بن السلطان والخواقان بن الخاقان شاه سلیمان العنقوى  
«الموسوى بهادر خان لزالتم سرادق دولته قائمه و العین فی عهده نائمة هذا البيت العتيق  
الذى يسامى سموا السماء رفعة وياوى اليه العباد عشنا وواعد باسمه .

کتیبه سمت چپ نیز از ایقرار است :

«روی الترمذی فی صحیحہ فی عزّ امیر المؤمنین صلوات اللہ علیہ ان رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ اخذ حسین و اخذ حسن علیهما السلام فقال من احبّی و احبّ هذین و اباهما و امهما کان معی فی درجتی یوم القیمة» و رقم منه زید<sup>۱</sup> انه قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ لعلی و فاطمة و الحسن و الحسین علیهم السلام ان احرب لمن حاربتم و سلم لمن «سالمتم کتبه محمد عمن بن محمد رضا الامامی فی سنة ثلث و تسعین بعد الالف» .

در پائین دیوار جنوبی همین ایوان شرقی يك پارچه سنگ مرمر نصب و بر آن کتیبه ای بخط نسخ در مدح مؤمنینی که بمسجد آمد و رفت دارند مرقوم رفته است . بالای آن نیز کتیبه ای بهمان خط کج بری شده و متضمن آیه ایست از کلام الله ، در آخرش این عبارت خوانده میشود :

« کتبه نظام الاصفهانی فی سنه ۹۹۲ (۱۵۸۴) »

چنین استنباط میشود که شاه سلیمان بجز قسمت بالای ایوان بجای دیگر آن آسیبی نرسانده . در ایوان غربی از تزیینات عهد سلجوقی چیزی نمانده است . درون آن بدستور شاه سلطان حسین تغییر شکل یافت و تزیین گردید و از قرار معلوم تزیینات کاشی کاری نمای ایوان نیز بامر همین پادشاه انجام گرفته (شکل ۱۷۷ و ۱۷۸) .

در پائین سقف در سه طرف ایوان کتیبه ای بخط نسخ بر کاشی آبی مرقوم رفته (شکل ۱۷۹) و عبارت ذیل ختم میگردد :

« کتبه ابن محمد حسن الامامی علی نقی ۱۱۱۲ (۱۷۰۰-۱) »

قسمتی از کتیبه فوقی که بر دیوار وسط ایوان نوشته شده است دارای جنبه تاریخی بشرح ذیل است :

«قد امر بعمارة هذه السقيفة المنيفة ملك ملوك العالم مستفيدا من ايام الشاهنشاه»  
«الاعظم السلطان بن السلطان ابو المؤيد شاه سلطان حسين الموسوي الصفوي بهادر خان»

۱ - در کتاب صحیح ترمذی چاپ قاهره جلد دوم صفحه ۳۰۱ این روایت مذکور است . از آقای هانری ماسه امتنان داریم که متن ترمذی را برای ما فرستادند .

۲ - گویا مقصود همان زید ابن ارقم باشد که ترمذی در جلد اول صحیح صفحه ۳۲۰ از او نام برده است .

«عزّ لنا تأییده و نصره مدّة عصره بالتّأیید به غیاث الخطوات و مغيث الشعوب و نظام الامور...»  
 بالای قسمت مذکور روی لوحه ای از کاشی سیاه در دو سطر بخط نستعلیق  
 مرقوم رفته است :

« انا مدينة العلم و علیّ بابها »

« در غرّه شهر رمضان المبارک سنه ۱۱۱۲ »

تاریخ ۱۱۱۲ در چند نقطه همین ایوان تکرار شده است :

۱ - در آخر کتیبه دور پنجره که در انتهای ایوان واقع است . این کتیبه  
 مشتمل بر ۲۲ لوحه کوچک و متضمّن مدح و ثنای چهارده معصوم میباشد و بعد از آن  
 این عبارت خوانده میشود :

« کتبه العبد المذنب ابو المعالی الحسینی ۱۱۱۲ »

۲ - در آخر حاشیه ای که از کاشی ترتیب یافته و دور دهانه صقه میگردد . در  
 این حاشیه پس از اشعاریکه در شأن حضرت امیر سروده شده نوشته است وقتی شاه  
 سلطان حسین امر بساختن این مکان برای عبادت مسلمین داد خادمش حاجی قاسم  
 مأمور انجام کار گردیده و تمام اوقات خود را بمراقبت این امر گذرانید . ماده تاریخ  
 آن مصراع ذیل است :

« گشته نو این مسجد از لطف اله »

از مجموع حروف این مصراع عدد ۱۱۱۲ بدست میآید که تاریخ ۱۱۱۲ هجری است .

۳ - در آخر حاشیه از کاشی آبی که دور صقه زیر طاق آن میگردد نوشته است :

« کتبه ابن شیخ محمد حسن الجزایری فی سنه ۱۱۱۲ »

۴ - در آخر کتیبه که در محراب سمت جنوب ایوان مزبور احداث گردیده این

جمله خوانده میشود :

« کتبه محمد زمان بن عبد الباقی الاصفهانی فی سنه ۱۱۱۲ »

در جنوب شرقی

در دوره صفوی روی هم رفته مسجد تغییر اساسی پیدا نکرد بلکه تعمیرات و

### مسجد قدیمی ایران

پیرایشهائی در قسمتهای مختلفه آن بعمل آمد. بعد از دوره مزبور نیز از قرار معلوم در مسجد هیچگونه کاری نکرده اند یا اگر کرده اند از ذکر نام خویش و احداث کتیبه خود داری نموده اند. نهایت اینسکه باز هم در اینجا کتیبه ای از اشرف افغانی میبینیم که ذکر آن گذشت و کتیبه ذیل نیز بامر یکی از حکام اصفهان در درب جنوب شرقی بسال ۱۲۱۸ (۱۸۰۳-۴) احداث گردیده است:

«قد تشرف بتعمیر باب المسجد الجامع العتیق والسوق علیه الموقوف فی جنبه»  
«والمسقی الموقوفة علی المسلمین . . . . . فی زمان دولة السلطان الاعظم الاکرم»  
«والخاقان الافخم السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان السلطان فتحعلیشاه قاجار خلد الله»  
«ملکه ذوالهمم العالیة ذو مجد التالیة خیر الحاج والمعمربین الحاج محمد حسینخان الحاکم»  
«بامر المطاع فی دار السلطنة اصفهان ادام الله توفیقه و آیام دولته فی شهر رمضان الاعظم»  
«المکرم من شهر سنه ۱۲۱۸ کتبه ابوالحسن اصفهانی» .

اکنون مسجد در دست تعمیر مرتبی است. بامها و قسمتهای خارجی کنبدها کاملاً تعمیر شده. بنائیهای انجا تحت مراقبت بوده، خرید خرد محکم کاری یا از نو ساختمان میگردد، ترمیم نمای طاقنماهای دور حیاط تقریباً با تمام رسیده است (شکل ۱۸۰).

### خلاصه مطالعات تاریخی

#### مسجد دوره عباسیان

قبل از سال ۳۸۵ هجری (۹۹۵ میلادی) ساختمان مسجد طبق نقشه عربی که مافروخی آنرا در مقابل مسجد بکه توسط صاحب ابوالقاسم اسمعیل بن عبّاد (۳۲۶-۳۸۵ هجری = ۹۳۸-۹۹۵ میلادی) وزیر مؤیدالدوله و فخرالدوله احداث گردیده کهنه نامیده است. طرح صفحه ۲۷۷ (شکل ۱۸۱) قسمت عمومی آنرا می‌رساند.<sup>۱</sup>

۱ - رجوع بصفحه ۱۲۶ شود.

۲ - از این نقشه و نقشه‌های بعد (شکل ۱۸۴-۱۸۱) منظوری جز نمایاندن مراحل توسعه مسجد بطور اختصار درین نبوده و مقصود تشخیص ابعاد و شرح جزئیات ساختمانهای آن نیست، البته از روی گفته مافروخی نمیتوان تشخیص داد که مثلاً رواقهای اطراف مسجد از یک ردیف طاق یا چندین ردیف طاق است سر هم تشکیل شده است و نقشه صحیح محیط چهار دستگاه ساختمان چه بوده است. شکل ۱۸۱ معین میکند که مسجد دوره عباسی از حیاط بزرگ مستطیلی تشکیل میگردد که که اصرافش را «چهار دستگاه ساختمان» احاطه می‌شود و بر حسب بیان مافروخی بهره‌ده ساختمان رواقی متعل بوده است.

### مسجد کنونی

بین ۴۶۵ (۱۰۷۲ میلادی) و ۴۸۵ هجری (۱۰۹۲ میلادی) : احداث بنای گنبدی  
شکل که محراب اصلی مسجد در آن واقع شده و گنبد خاکی در محل مسجد قدیم  
اولی توسط نظام‌الملک در عهد سلطنت ملک‌شاه و دومی توسط تاج‌الملک در ۴۸۱ هجری  
(۱۰۸۸-۹ میلادی) ساخته شد (شکل ۱۸۲ مسجد در پایان عهد سلجوقیان) .  
در سال ۵۱۵ هجری (۱۱۲۱-۲ میلادی) - آتش گرفتن آنچه از چهار دستگاہ  
ساختمان مورد ذکر ماقروخی باقی مانده بوده است بدست باطنیه تجدید ساختمان  
درب شمال شرقی .

بین ۵۱۵ و ختم دوره سلجوقی :

تغییر شکل مسجد گوشک مانند زمان ملک‌شاه بمسجد چهارایوانی (شکل ۱۸۲) .  
سال ۷۱۰ هجری (۱۳۱۰ میلادی) - سلطان مغول الجایتو خدا بنده در چهل  
ستونیکه زمان سلجوقیان ساخته شد در سمت مغرب حیاط محراب مورخ سال ۷۱۰ هجری  
را احداث نمود و نیز در سال غیر مشخصی از عهد مغول تزئینات گسج بری سه چشمه  
طاقما که در طرف جنوب دالان مدخل جنوب شرقی واقع گردیده انجام گرفته است .  
سال ۷۶۸ هجری (۱۳۶۶ میلادی) - در زمان سلطنت آل مظفر قطب‌الدین شاه  
عمود ساختمان مدرسه (که اهالی صفه عمر عبدالعزیز مینامند . م) و چهل ستونیکه بین  
ایوان شمالی و گنبد خاکی واقع گردیده است انجام گرفت . شبستانیکه اکنون محراب  
سلطان الجایتو در آن واقع شده نیز بدون شک توسط شاه عمود فوق‌الذکر احداث  
گردیده است . تزئینات محراب مدرسه تا سال ۷۷۸ هجری باتمام نرسیده بوده است  
(شکل ۱۸۳) .

سال ۸۵۱ هجری (۱۴۴۷ میلادی) - ساختمان شبستان زمستانی (بیت شتاء)  
توسط سلطان محمد پسر بایسقر (شکل ۱۸۴) .  
سال ۸۸۰ هجری (۱۴۷۵-۶ میلادی) - تعمیر مسجد خصوصاً ایوان جنوبی  
توسط سلطان آق قویونلو اوزون حسن تزئینات کاشی کاری ایوان جنوبی و نمای  
فعلی حیاط .

### مساجد قدیمی ایران

سال ۹۳۸ هجری (۱۵۳۱-۲ میلادی) - تعمیر و تزئین بعضی قسمتهای مسجد در زمان سلطنت شاه طهماسب .

سال ۹۹۲ هجری (۱۵۸۴ میلادی) - ساختمان چهارستون و شبستان بزرگ جنوب غربی در زمان سلطنت شاه عباس اول (شکل ۱۸۴) .

سال ۱۰۷۰ هجری (۱۶۵۹-۶۰ میلادی) - تعمیر و تزئین بعضی قسمتهای مسجد بامر شاه عباس ثانی .

سال ۱۰۹۲ هجری (۱۶۸۱ میلادی) - احداث مقبره مجلسی .

سال ۱۰۹۳ هجری (۱۶۸۲ میلادی) - مرمت‌های مختلفه بامر شاه سلیمان در مسجد بعمل آمد، علی‌الظاهر تزئینات داخلی ایوان شمالی و قسمت بالای ایوان شرقی در زمان سلطنت او انجام گرفته است .

سال ۱۱۱۲ هجری (۱۷۰۰-۱ میلادی) - تعمیر ایوان غربی بامر شاه سلطان حسین .

سال ۱۱۳۹ هجری (۱۷۲۶-۷ میلادی) - تعمیر مسجد توسط اشرف افغان .

سال ۱۲۱۸ هجری (۱۸۰۳-۴) - تعمیرات مختلف منجمله در جنوب شرقی توسط حاجی محمد حسینخان حاکم اصفهان در زمان سلطنت فتحعلیشاه قاجار .

شکل ۱۸۵ نقشه کنونی مسجد را نشان میدهد ۱ در قسمت شمال غربی مسجد مستراحهایی که در عهد قاجاریه ساخته شده و غسالخانه که در همان دوره احداث گردیده و بین این دو بنا درب شمال غربی مسجد که مورخ بسال ۱۳۰۱ هجری (۱۸۸۳-۴ میلادی) است دیده میشود .

شبستان گنبد دار مجاور در که تاریخ آن ۵۱۵ هجری و در شمال شرقی نقشه واقع گردیده کاملاً تازه است . آندره سردار

---

۱ - این طرح که از روی نقشه‌های معروف مسجد تهیه شده است بطور تخمینی صحیح میباشد لکن برای مطالعات مورد بحث در این کتاب کاملاً کافی است . در آینده نقشه دقیق و با اسلوبی که آقای بنیت سمیت از حدود ماه قبل باین طرف دست بکار تهیه آنست مورد استفاده قرار داده خواهد شد .

## اردستان و زواره

کاشان و اردستان و نائین و یزد چندان از یکدیگر دور نبوده و در حاشیه کویر بزرگ مرکزی ایران واقع گردیده اند. از کلیه نقاط فوق شرح و توصیفهای مفصّلی در دست است بجز اردستان که تعریف و توصیف کافی از آن نشد بود و بهمین علت در یکی از روزهای خرداد ماه ۱۳۱۱ (ژوئن ۱۹۳۲) اینجانب از نظر باقیانوس توری که کویر را میپوشاند و از شدت حرارت سفید و مانند مایع است غوطه ور شدم.

اردستان چون ویرانه وسیعی که پراز دیوارهای خرابه بود بنظر آمد، در نقاط مختلف پلکانهای پهن و مستقیمی دیده میشد که بطرف آب در زیر زمین و در تاریکی فرو رفته و آنجا تیکه پلکانها ناپدید میگشت صداهائی بگوش میرسید لکن در روی زمین هیچ جانبداری یافت نمی شد. در این یابان خشک که کوئی هیولائی اولی هنوز در هوای سوزانش شعله ور و فروزان است هیچکس بجز من دیوانه پیدا نبود. در این هنگام بین تپه ها و ویرانه ها حیران و سرگردان شدم، آنگاه در اثر گرمایی طاقت و ناپیدا گردیده توقف نمودم و مطمئن شدم که مدتهاست در اینجا جز گرد و غبار چیزی وجود ندارد. سپس باز گشته و تعجیل داشتم که دوباره بدنمای مسکون دسترسی پیدا کنم و خود را بهوای خنک و روح پرور نظیر برسانم، آنجا زیر سایه درختان قهوه خانه کوچکی مشک دوغ نعنای دار در لاوکی از برف در انتظار من است. در این هنگام در آن سر شهر مسجد کهنه خراب بی مناره ای را بمن نشان دادند که يك ايوانش ترك خورده لکن بقایای کچبری زیبایی هنوز بر آن مشهود بود. نقشه آنرا برداشته (شکل ۱۴۱) و عکسهائی را که ضمیمه این مقاله است تهیه نمودم. از آنوقت بعد غالباً مسجد جمعه اردستان را که یکی از جالب دقت ترین ابنیه عهد سلجوقی ایران است بازدید نموده ام و اخیراً نیز ضمن مسافرت به زواره که در حدود ده کیلومتر جنوبتر در کویر واقع شده مسجد فوق الذکر

را مجدداً بازرسی نمودم. زواره دارای یکی از قدیمترین مناره های تاریخ دار ایران است و کهنه ترین مسجد چهار ایوانی که تا بحال شناخته شده در این مکان است.

### مسجد جامع اردستان<sup>۱</sup>

بنای گنبد داری که این جانب در نقشه خود (شکل ۱۴۱) آنرا برنگ سیاه نمایانده ام یعنی جامع اردستان در اساس آن متعلق بعهدی است که در آنموقع شیوه مسجد چهار ایوانی هنوز پیدانشده یا تازه معمول گردیده است، چنانچه بنای مزبور را از نقطه نظر معماری با دو گنبد جامع اصفهان بسنجیم اینطور بنظر خواهد آمد که این بنا مربوط بکمی پس از سلطنت ملکشاه است، معذک بنای مزبور که هسته اصلی یا پایه وریشه مسجد فعلی است قدیمترین قسمت آن تمیاشد. در واقع این بنا بر روی جایگاه بنائی که قبلاً خراب گشته یا در آنموقع ویرانش نموده بودند برپا گردیده است و در موقع توسعه مسجد برای تبدیل آن بچهار ایوانی باقیمانده هائی از ساختمان قدیمی با بنا توأم و پیوسته شده است.

اینجانب آثار باقیمانده مذکور را در نقشه خود نشان داده ام.

آثار مزبور عبارت از چندین ستون و جرز و طاقهای رواقی از قرن چهارم هجری است که چیز دیگری از آن باقی نمانده است تا بتوان مجموعه نقشه آنرا تهیه نمود (شکلهای ۱۸۹ - ۱۸۶). تنها چیزی که میتوان گفت اینستکه مسجد مزبور بنای نمونه عربی بوده و یکبار دیگر مانند اصفهان ما خود را برابر مسجد نمونه ایرانی میبینیم که بجای مسجدی از عهد عباسیان و در همان محل ساخته شده است، بنا بر این باز هم مدرکی از بیهری ایران نسبت بنقشه مسجد عربی در قرن پنجم اسلامی بدست آمده و برای یکمرتبه دیگر این جانب نمیتوانم از این اندیشه خودداری نمایم که راجع بنفوذ افکار فردوسی و مجاهدات با شکوهی که تحت تأثیر رأی بلند این شاعر بزرگ در راه احیاء ایرانیت بعمل آمده و آثار آن در اعماق روح ایران و ایرانیان در این هنگام پدیدار گردید هرچه بگوئیم مبالغه نکرده ایم. بنظر اینجانب

۱. در تاریخ ۱۸ تیرماه ۱۳۱۱ (۹ رویه ۱۹۳۲) در فهرست آثار منی ایران ثبت رسیده است.



این مطلب روشن می‌باشد که ابتدا در اردستان مسجدی با نقشه عربی وجود داشته قسمتی از آن مسجد هنگام ساختمان بنای گنبد دار ویران بوده یا خراب گردیده است و باقیمانده‌هایش را نیز در موقع تبدیل مسجد کوشک مانند بمسجد چهار ایوانی مورد استفاده قرار داده اند، باقیمانده های مزبور در مسجد فعلی جز مصالح بنا چیز دیگری بشمار نمی‌رود و گرچه این باقیمانده‌ها موجود بوده و مورد استفاده قرار گرفته لکن هیچگونه ارتباطی را بین نقشه مسجد قدیمی و نقشه مسجد جدید نشان نمیدهد.

ابتدا مسجد جامع عبارت از بنای منفرد و آریه صرف گشاده بوده است (شکل‌های ۱۹۱-۱۹۰) که نمونه‌های چندی از آن وجود دارد، لکن اگر در اصفهان تاریخ ساختمان بنای کوشک مانند را دانسته و از موقع تغییر و تبدیل آن بمسجد چهار ایوانی بیخبریم در اینجا تاریخ بنای اولی غیر معلوم ولی زمان تغییر یافتش معلوم است که ۵۵۳ و ۵۵۵ (۱۱۵۸ و ۱۱۶۰ میلادی) می‌باشد. در حقیقت تاریخ اولی در کتیبه بزرگ شبستان گنبدی (شکل ۱۹۲) و تاریخ دیگر در ایوان جنوبی (شکل ۱۹۳ و ۱۹۴) موجود می‌باشد و همانقسم که در لتینگراد اظهار نمودم از این دو تاریخ بنظر می‌آید که شبستان و ایوان مزبور در يك زمان ساخته شده باشند لیکن این تصور درست نیست. کتیبه اولی که در شبستان است بعد از بسم الله ..... شامل آیه ۱۸ سوره ۹ توبه (اتما یعمّر مساجد الله ..... الخ) بوده پس از آن عبارت ذیل خوانده می‌شود: «امر ببناء هذه القبّة والقباب الاربعة المتّصلة بها والصفات التي هي امامها العبد الضعیف. برحمة الله تعالی ابو ظاهر الحسین بن عالی بن احمد قتل الله منه وغفر له ولو الدد علی يد الاستاد» محمود الاصفهانی المعروف بالغازی فی سنة ثلاث وخمسين وخمسمائة<sup>۱</sup>.

کتیبه دوم مشتمل بر آیه الكرسي (آیه ۲۵ سوره بقره) بوده و بعد از آن بانی بنحو ذیل در آن ذکر گردیده است:

«العبد الاضعف ابو ظاهر الحسین بن عالی بن احمد تقدّل الله منه وفرغ منه خمس وخمسين  
مائة عمل محمود بن محمد البناء<sup>۲</sup>.

۱ و ۲ - بخط نسخ به کجج بری.

در هر دو متن درست از يك شخص و يك موقع نام برده شده است بعلاوه ابوطاهر صراحة ذکر مینماید که امر بساختن گنبد بزرگ و چهار گنبد کوچکی که مجاور آن است و همچنین ایوانها داده است. بنابراین چنین بنظر میآید که او مسبب تمامی بنا باشد لکن باید خود بنا را که البته از مطلب خلاف واقعی حکایت نخواهد کرد مورد آزمایش و سنجش قرار داده از روی آن بمیزان ارزش آنچه که بر کتیبه های بنا نوشته اند پی برد.

این نکته قابل دقت است که بانیان مساجد توجه مخصوصی بحواشی محل کتیبه ها داشته و باسانی بجای آنها کتیبه های دیگری طبعاً بنام خود نصب مینمایند. مثلاً چهار کتیبه بزرگ ایوان جنوبی مسجد جمعه اصفهان بهمین ترتیب توسط شاه طهماسب «دوباره ساختمان» گردیده و تاریخ کتیبه های مدرسه میرزا جعفر در مشهد تماماً بجز دو کتیبه از همین قرار متعلق بسال ۱۲۸۵ می باشد. بدون شك این قبیل تجدید ساختمانها و تعمیرات و تغییرات گاهگاهی بواسطه وضع خراب ابنیه کاملاً بمورد و صحیح بوده همینطور هم بعضی اوقات بنظر لازم میآمده که بجای متن يك کتیبه متن دیگری را که مناسبتر و بموقعتر تشخیص داده شده است قرار دهند مثل اینکه بجای اسماء خلفاء راشدین نام دوازده امام ذکر گردد یا بر حسب اقتضای زمان عکس این ترتیب عمل شود لکن بانیان کریم النفس امر خیر مساجد غالباً بنوشتن اسم خود در مسجد قناعت میکرده حتی اینکه درست نام خودشانرا بجای دیگری که از سابق بوده مینوشته اند. در این مواقع کلمات دارای معانی کش دار عجیبی میشود که نباید باعث فریب خوردن ما گردد، کلمه «عمارت» صرف نظر از معنی ساختمان اصلی اولیه بمعنی تعمیر، تزیین، ساختمان بر روی ساختمان پیشین، ساختمان پهلوی ساختمان، ساختمان در مجاورت و اطراف ساختمان و یا بطوریکه در این مورد بخصوص ملاحظه میگردد برای ساختمان در داخل ساختمان دیگری استعمال گردیده است.

زیرا فی الواقع ابو طاهر امر ببناء قبة اردستان نداده است همانطور که محمد شاه

۱ - این مدرسه بتوسط شاه عباس ثانی احداث گردیده است.

## آثار ایران

قاجار نیز ایوان جنوبی مسجد شاه اصفهان را تعمیر نموده و شاه سلطانحسین هم ایوان غربی مسجد جمعه اصفهان را نساخته یا وزیر سلطان شاهرخ مسجد کهنه سمنان را بنا نکرده است.

حقیقت امر اینست که ابوطاهر مسجد کوشک مانند اولیه را بمسجد چهار ایوانی تبدیل نموده و بناهایی مختلف بر آن الحاق کرده است که چهار گنبد مجاور نیز جزء آنهاست. پس از آن بر روی بنای قدیمی تزئیناتی که با بناهای خودش تناسب داشت احداث نمود که محراب جدید (شکل ۱۹۵) و حاشیه کتیبه که نام ویرا در بردارد<sup>۱</sup> جزء آن میباشد (شکل ۱۹۲) با امعان نظر و دقت در بنا هیچگونه تردیدی در این موضوع باقی نمیماند زیرا استاد محمود سازنده بنا زحمت پیوستن بناهای تازه را با بنای قدیمی بخود نداده است و در درون و بیرون بنا جدائیهایی که علامت جفت نبودن بناست پیدا شده که اشکان ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۰ آنرا نشان میدهد. از طرف دیگر در دیوار جنوبی شبستان گنبد دو پنجره دیده میشود که در موقع احداث محراب جدید آنها را گرفته و از بین برده‌اند (شکل ۱۴۱).

بعداً مسجد تبدلاتی دیگر بخود دیده است. در شمال غربی آن مدرسه احداث گردید. مناره‌اش فرو ریخت و ایوان شمالی آن با قسمتهای مجاورش در سال ۹۴۶ (۴۰ - ۱۵۳۹ میلادی) دوباره ساخته شد که نام بانی آن خوانا نیست. این شخص بشیوه خودش که مطلوب نمیباشد ایوانهای جانبی را نیز ترمیم نموده بخيال خویش آنها را بنا کرده است. ایوان شمالی دارای کتیبه در دو لوحه است که جزو سال تاریخ در لوحه سمت چپ و عبارتی قریب بمضمون ذیل در لوحه سمت راست قادر بخواندن چیز دیگری از آن نگشته‌ایم. . . . . مشغول بنسای این حقه و صقه های مجاور گردید. . . . .

۱ - در اضراف چهارگوشی وسط محراب سال تاریخی بخط کوفی نوشته شده که مجموع ارقه آن از بین رفته است. قسمت ذیلرا هنوز میتوان در آنجا خواند:

۲ . . . . . حسین و خسمانه . . . . .

## مسجد جامع زواره

بنایر گفته استخری اردستان شهری است که بین کاشان و اصفهان واقع گشته و ۱۸ فرسخ یا شهر اخیرالذکر مسافت دارد. فاصله آن با ازواره (زواره) دو فرسخ و در نزدیکی صحرای موسوم بمغازه یا خلوتگاه کرکس کوه واقع گردیده و بناهایش بسببکی که طاقهای ضربی دارد ساخته شده. محل مزبور مشتمل بر باغهای بزرگ و زیبا میباشد. شهری است که برج و بارویش مستحکم و در هر محله اش حصاری وجود دارد که درون آن آتشکده واقع است. گویند انوشیروان در آنجا بدنیا آمده و بقایای ابنیه‌ای که وی برپا کرده هنوز موجود است. مردمانش با هوش و تحصیل کرده هستند و قصبات بزرگی از توابع آن بشمار میرود و پارچه‌های زیبایی در آنجا تهیه میکنند که بتمام دنیا فرستاده میشود.<sup>۱</sup>

زواره هم قصبه بزرگی از متعلقات اردستان است. این نقطه هم مانند اردستان در زمان انوشیروان که در یکی از این دو محل بدنیا آمده<sup>۲</sup> آباد بوده است. در زواره نیز همچون اردستان در زمان یاقوت خرابه‌های بناهای عهد ساسانی موجود بوده که تماماً محو گردیده است. در عهد سلجوقیان این محل مانند اردستان شهر ثروتمندی گردیده و مثل آنجا ابنیه مهمی از آندوره تا کنون در آن باقی مانده است. اردستان دارای قدیمترین مسجد کوشکمانندی میباشد که تبدیل بمسجد چهار ایوانی گردیده و دارای سال تاریخ است و شاید قدیمترین سردری که دومناره بر فراز آن ساخته‌اند در این شهر باشد (شکل ۱۹۶)<sup>۳</sup>. دومین مناره قدیمی ایران از حدیث سال تاریخ و قدیمترین

۱ - نقل از فرهنگ جغرافیائی و تاریخی وادبی ایران تألیف باریه دومینارد (Barbier de Meynard) صفحه ۲۲.

۲ - بنا برگفته یاقوت انوشیروان در زواره متولد شده است.

۳ - یکی از دومناره‌ای که اکنون باقی است عجالتاً تعلق دارد بمسجد کوچکی موسوم بمسجد امام حسن ع که بقایای سردر مدرسه از عهد سلجوقیان الحاق شده. آن مدرسه معدوم و اثر دیگری از آن پدیدار نیست. این مناره مانند مناره‌های شبه خود در حلبس (شکل ۱۹۷) حاوی کتیبه‌هایی است بخط کوفی ارکاشی فیروزه قام که بر حاشیه‌های گچی نوشته شده است.

مسجد چهار ایوانی که تا بحال شناخته شده در زواره است. این شباهت و توازی عجیبی که در مقدرات این دو شهر مشاهده میشود منحصر و محدود بتاریخ عمومی دو شهر مزبور نیست.

بین دو مسجد جامع اردستان و زواره اولی قدیمتر است که بنای قبه آن چنانچه دیدیم تقریباً معاصر سلطنت ملکشاه میباشد. این همان مسجد گوشک مانند مخصوص آندوره است. موقعیکه در زواره خواستند مسجد جامعی بنا نمایند بنای کنبدی شکل اردستانرا سرمشق قرار دادند (شکلهای ۱۹۲ و ۱۹۸ را با یکدیگر مقایسه نمائید) لکن چون در ظرف این مدت نمونه تازه از مسجد پیدا شده بود لذا مسجد جامع زواره تبدیل بمسجد چهار ایوانی گردید. مسجد اردستان که هنوز نو لکن اسلوبش برخلاف معمول زمان بود شروع نمود که بسبب آنروز تغیر شکل یابد و به پیروی مسجد زواره از سال ۵۵۳ تا ۵۵۵ هجری بمسجد چهار ایوانی تبدیل یافت. در مسجد اردستان جرزهای هشت گوش مسجد زواره موجود و همان ترتیبی که در ایوانهای زواره ملحوظ است در مسجد اردستان نیز رعایت گردیده بدین معنی که ایوان جانب قبله از ایوان شمالی وسیعتر و ایوان اخیرالد کر از ایوانهای جانبی بزرگتر است. مناره نیز در سمت مغرب بنا نزدیک گوشه شمال غربی مسجد میباشد. مسجد زواره که بموجب کتیبه مربوط بساختمان در سال ۵۳۰ (۶-۱۱۳۵ میلادی) باتمام رسیده بود بعداً با عراب زیبایی که در سال ۵۵۱ (۷-۱۱۵۶ میلادی) ختم گردیده آراسته شد. مسجد اردستان نظیر آن عراب را در سال ۵۵۳ دارا گشت (شکلهای ۱۹۵ و ۱۹۹ را مقایسه نمائید).

بدین ترتیب اردستان و زواره مراحل تطوّر مسجد ایرانی را بتفصیل بازگو تاریخ نشان میدهد و بهمین لحاظ اهمیت این دو شهر برای تاریخ معماری اسلامی قابل ملاحظه است.

عکسهاییکه در اصل فرانسه این کتاب چاپ شده شیوه ساختمان و سبک تزئین دو بنا را نمایان میسازد، فقط این مطلب افزوده میشود که چنانچه در نقشه معلوم است

(شکل ۱۴۳) بجز گنبد و ایوانهای شمالی و جنوبی سایر قسمتهای مسجد تماماً از طاقهای صیقلی ضربی استوانه ای شکل که بر محور اصلی مسجد عمود میباشند پوشیده شده است. کتیبه ای که تاریخ ساختمان جامع زواره را معلوم میسازد برخلاف معمول بالای نماهای اطراف حیاط جای گرفته است (شکل ۲۰۰ و ۲۰۱)، کتیبه مزبور بخط کوفی بسیار ساده و از آجر تراشیده شده و خیلی شبیه کتیبه های فرون پنجم و ششم هجری است که عده زیادی از ابنیه اصفهان و اطرافش را مزین ساخته و در آن بعد از بسم الله..... (شکل ۲۰۰) آیه ۱۸ سوره ۹ توبه «انما یعمر مساجد الله..... الخ» خوانده شده سپس قسمت تاریخی کتیبه شروع میگردد که بدبختانه از غالب کلمات آن جز دسته یانوک بعضی حروف و سرکشها چیز دیگری نمایان نیست. قرائت آن خیلی دشوار و فقط کلمات ذیلرا میتوان تشخیص داد:

«امریناء..... الفقیر الی رحمة الله... احمد.... ثلاثین و خمس مائه».

سال تاریخ جز بوسیله قسمتهای سیاه که در طرح مندرج در متن فرانسه (شکل ۲۰۲) نمایانده شده است بطریق دیگری معلوم نمیگردد لکن بعقیده اینجانب غیر ممکن است که آنرا چیز دیگری جز ۵۳۰ بتوان خواند، تردیدی در باب رقم مات آن نمیتوان داشت چونکه دو عدد خمس و مائه نسبتاً خوب محفوظ مانده. در باب رقم عشرات آن که ثلاثین باشد این رقم عددی از آحاد یعنی سه تواند بود چون از طرفی از روی قسمت موجود معلوم میگردد که پیش از رقم مات کم و بیش جای دو کلمه بیشتر نیست و از طرف دیگر فاصله بین لام ثلاثین و خ خمس مائه برای دو حرف زیاد بنظر میآید بنا بر این چاره جز اینکه آنرا ثلاثین و خمس مائه بخوانیم نداشته و در نتیجه سال تاریخ آن ۵۳۰ میشود و ۵۰۳ هم نمیتواند باشد.

کتیبه ای که در زیر گنبد دور شبستان خراب واقع شده از کج است. حروف آن از کوفی گلداز و روی حاشیه عریض گل و بوته واقع است (شکل ۲۰۳)، لکن این ترکیب زیبا بکلی خراب و ویران گردیده و بخوبی تشخیص داده میشود که کتیبه مزبور مشتمل بر آیات ۱۸۷ و ۱۸۸ سوره آل عمران (سوره سوم قرآن مجید) و پس از آن

متضمن متن تاریخی بوده که از قرار معلوم سال تاریخی را دربر داشته لکن اکنون چیزی مفهوم نمیشود و نمیتوان خواند. حراب بوضع بسیار عالی محفوظ مانده و شامل کتیبه‌ای بخط کوفی و دو کتیبه بخط نسخ میباشد. در قسمت بالای کتیبه طرف خارجی حراب آیه ۵۲ سوره اعراف (سوره هفتم قرآن) تشخیص داده میشود و یکی از کتیبه‌های خط نسخ آیه ۱۸ سوره توبه «انما یعمّر مساجد الله... الخ» یعنی همان آیه موجوده در حیاط را دربر دارد و کتیبه سوم آیه های ۱۸۷ و ۱۸۸ سوره آل عمران (سوره سوم) یعنی همان آیاتی که در حاشیه پائین کعبه مرقوم است در اینجا نیز خوانده میشود. اما راجع بخطوط کوفی حراب و کتیبه مورد بحث این نکته را باید ذکر نمود که حروف دو کتیبه مذکور شبیه یکدیگرند که هر دو را باید از زمان واحد دانست اگر کتیبه تاریخی زیر کعبه حراب نشده بود همان سال تاریخی از آن بدست می‌آمد که بر دیوار جنوبی ایوان سمت قبله نقر گردیده است. از تاریخ مزبور معلوم میشود که بنادر سال ۵۵۱ هجری با تمام رسیده و این نکته با مقایسه با تزین شبستان حراب جامع اردستان که تاریخ آن مطابق کتیبه بزرگش سال ۵۵۳ هجری است کاملاً درست و صحیح بنظر می‌آید.

بنا بر این از مطالب فوق چنین بر می‌آید که مسجد جامع زواره در سال ۵۳۰ (شکل ۲۰۴) با تمام رسیده و سپس با حرابی زیبا و نفیس که در وهله اول مسجد فاقد آن بوده و حاشیه مجذلی که کتیبه‌ای دربر داشته پیراسته گردیده است و با اینکه این قسمت تزینات مسجد که در سال ۵۳۰ وجود نداشته یا تا تمام بوده تا سال ۵۵۱ با تمام رسیده است.

### منار مسجد پامنار (شکل ۲۰۵)

در مسجد کوچکی که نقشه‌اش متضمن هیچگونه فائده نمیباشد تزینات دیواری فراوانی از عهد مغول روی گچ‌بری‌های دوره سلجوقی را پوشانیده و روزی باید این نقاب را برداشت.

در آن مسجد مناری وجود دارد که قسمت پائینش در نزدیکی سطح بام از بقایای کتیبه جالب توجهی که بخط کوفی از آجر تراش احداث گردیده آراسته است و حروف آن بسیار ساده لکن بطرز خوبی رسم شده و با گل و بوته های قشنگ مزین است (شکل ۲۰۸) و کلمه الله و تاریخ احدی و ستین و اربعمائه (مطابق ۹-۱۰۶۸ میلادی) بر آن خوانده میشود بنابراین بنای مزبور از نقطه نظر قدمت سال تاریخش دومین مناری میباشد که تاکنون در ایران شناخته شده است. توضیح آنکه قدیمتر از همه منار مسجد میدان ساوه است که متعلق بسال ۴۵۳ بوده و مناره های بعد از مسجد منار پامنا برترتیب قدمت عبارت است از منار مسجد جمعه کاشان (۴۶۶ هجری) و منار برسیان (۴۹۱ هجری) و منار چهل دختران در اصفهان (۵۰۱ هجری) و غیره.

آندره گدار



## مناره‌های اصفهان

این نکته اکنون مورد قبول میباشد که فکر احداث مناره<sup>۱</sup> نخست در زمان خلافت امویان<sup>۲</sup> در سوریه ظاهر گردیده است. بر خلاف اقسام مختلفه مناره که در سوریه و مصر و مغرب معمول بوده در ایران مناره استوانه شکل که درونش خالی و بالای آن اندکی از پائینش باریکتر است متداول گردید<sup>۳</sup>. در ضمن بحث راجع بمسئله جالب توجه اصل و منشأ شکل مناره های ایران چنین تصور نموده اند که ستونهای یانگاری یونانی<sup>۴</sup> وولات و ستامبای بودائیان سر مشق و نمونه ابتدائی آن باشد. اینجانب در این مورد قصد دارم دلیلی بر این شرقی بودن یا غربی بودن یا اساس دیگری داشتن مبدأ مناردهای ایران اظهار نمایم لکن محققاً بحث و گفتگو در باب این مسئله ناموقی که بقیه نمونه های مختلف مناره های ایران نیز ملاحظه نشود نمیتواند خاتمه پیدا کند.

۱ - H. Thiersch. Pharos in Antike, Islam und Occident ( Berlin and Leipzig 1909 ).  
 R. J. H. Gottheil. Jaos (New Haven ), XXX (1910). M van Berchem, in Diez-V. Berchem آثار و بنیه خرسن Berlin 1918 ۱۱۲ - ۱۶  
 ۲ - مقاله دکامنی مناره در مراجعه مخصوصی بمصر تألیف K. A. C. Creswell مندرجه در Burlington Magazine ( لندن ) شماره ۴۸ سال ۱۹۲۶ - صفحه ۱۳۹ و همچنین کتاب و در باب معماری قدیمی اسلامی ( کسفورد - ۱۹۳۲ جلد اول صفحه ۳۲۹ در آنگاه گفته Thiersch و Gottheil در مقاله سابق لنگر و دین در مقاله مناره ) ( جستجو دایره المعارف اسلام صفحه ۳۲۹ ) شرح نموده و آنگاه بشقیده خود موافق میداند.

۳ - Thiersch در کتاب سابق لنگر و دین در کتاب ایران - معماری اسلامی در خرسن ( Hagen und Gotha 1923 ) صفحه ۵۵ در دو نفر این نکته را تصدیق میکنند که حدت مناره های مدور در قرن دهم میلادی شروع شده است ( Thiersch صفحه ۱۵۱ کتاب سابق لنگر و دین در صفحه ۵۵ کتاب خود و نیز در صفحه ۲۲۸ مقاله خود راجع به مناره ) .

۴ - Thiersch در کتاب سابق لنگر .

دین در کتاب ایران - معماری اسلامی در خرسن صفحه ۵۵ و مقاله مناره سابق لنگر و صفحه ۲۸۸ چنین بنظر میاید پس مینه هشت ضعی که صورت ظاهر قدیمی میباشد در ادعای سیستان فرضیه مربوط به ولات Lāt را مشوش نمیداند.

## مناره های اصفهان

در این مقاله از یک‌کده مناره‌هائیکه در اصفهان و نقاط مجاور آن واقع و ضمن مطالعات خود و همچنین در مدت دو سال اقامت در این شهر وقت مراجع گردیده توصیف و معرفی مختصری خواهم نمود.

هرچند در باره يك قسمت از این مناره ها تا کنون یادداشت‌هایی بمعرض استفاده عامه گذارده شده است<sup>۱</sup> لکن تصور میکنم اطلاعات راجع بسایر مناره‌های مورد بحث اولین بار باشد که در اینمقاله منتشر میگردد.

گرچه اکنون سیزده مناره شهر از آنچه در این مقاله نام برده شده دیگر وجود ندارد لکن میتوان بخوبی تصور نمود که چندین مناره دیگر نیز در ازمته مختلفه بر پا بوده از جمله مناره جویاره که در قرن ششم هجری ساخته شده و گویا به سینای قدیم<sup>۲</sup> و سن جیمینیا بی شباهت نبوده است<sup>۳</sup>.

در باب قدیمی ترین مناره های اصفهان که اکنون اطلاعی از آنها نداریم میتوان فرض کرد که ساختمان بسیاری از آنها از نخست خام بوده است زیرا مهارت استادان ایرانی طوری بود که قادر بودند از چنین جنس ترد و نخر دشوندهای منار بسازند چنانکه در مراجع ادبی نشان داده شده<sup>۴</sup> و همچنین از آثار پاره ایی که امروز باقی مانده این نکته

---

۱ - فهرست های مأخذ من راجع بابیه و آثاری که در اینجا مورد بحث واقع گردیده منحصراً و محدود به کتابخانه کوچکی است که همراه خود برای مطالعات لازمه بایران آورده ام و بهمین جهت ممکن است مراجع مهمی از قلم افتاده باشد. آئی میر سیدعلی جناب در کتاب الاصفهان خود (سال ۱۳۰۴ هجری) در صفحه ۲۳۳ از اکثر مناره‌های موجود در آن موقع بحث مینماید و آنچه او نام برده شامل مناره های ذیل است:

ساربان ، طوقچی (باغ قوشخانه) علی ، مسجد شاه ، چهل دختران ، خواجه علم ، تهرنجی ، دارالضیافه - سردشت - مسجد جمعه - مدرسه - رازا (دهروان) ، زاغمار (غار) ، برسیان ، زیار ، اشترجان ، مناره جنابان ، مصوریکه مشاهده میشود از مناره‌های سین و شاه رستم و مناره مسجد شعا یا گلدسته اسمی نمیرد.

۲ - Old Siena. ۳ - San Gimignano.

۴ - هرستند چند عدد از آنها را در (Khorassan Der Islam XI (1921 ذکر نموده است. رجوع شود به اولین مناره که در متن رساله این جانب ذکر شده است.

این مقاله گنجایش آنرا ندارد که بشرح و تفصیل مناره‌ها<sup>۲</sup> و طرح و نقشه و عکسهای فنی متعددی که از هر نمونه برداشته شده است بپردازم. لکن مناسب دیده و سعی کرده‌ام مطالب را بترتیب سنوات تاریخ عرضه بدارم و اینکار مستلزم آنستکه تاریخ بعضی نمونه‌ها را بطور آزمایش تعیین نمایم.

ارزش این قسمت مطالعات از دیگر قسمتها کمتر است و باید آنرا عقیده کنونی اینجانب تلقی نمود و این عقیده را باپوزش و قید احتیاط تا آن اظهاری میکنم، همینکه دامنه علم و اطلاع دقیق و صحیح در این میدان بالنسبه جدید توسعه یابد معلوم خواهد شد تا چه اندازه تاریخهایی که بمیل و اختیار خود تعیین کرده‌ام محتاج تغییر است.

۱ - اصفهان - مسجد جامع جورجیر متعلق بسالهای بین ۳۶۶ و ۳۸۵ هجری که

فعلاً وجود ندارد. ماقروخی<sup>۳</sup> در سال ۴۲۱ هجری<sup>۴</sup> ضمن شرحی که راجع باین عمارت

۱ - اینجانب مناره‌های خشکی ذیلرا ملاحظه نموده ام: مناره مسجد جمعه ابرقو (قاعده آن چهارگوش و قسمت بالای آن هشت گوش میباشد) مناره گلکار در ابرقو (بنده مناره مدور بوده برروی قاعده چهارگوش استوار شده است). دو مناره عهد مغول در ابرقو که در جانب سردری بت گردیده (یک قسمتش از آجر بنا شده است. مناره‌های دار دشت و دارالاصیافه در قسمتهای بعد مراجعه شود). مناره خشکی هشت ضلعی در سیستان پهلوئی بقعه خواجه عمران در نزدیکی ناد علی بکتاب «سرحذات نوجستان» تألیف (G P Tate) چاپ لندن ۱۹۰۹ صفحه ۱۷۷ و ۲۲۸ و همچنین کتاب «سیستان» تألیف مشارایه (چاپ کلکته ۱۹۱۰ صفحه ۲۰۲ و تصاویر آن رجوع شود. قدیمترین مناره مسجد چهل ستون در دامغان به Reisebericht تألیف . . . هرستگلد Z.M.D.G.f.v. 1926 : صفحه ۲۸۱ و مقادیر تاریخ و دامغان بقم آ. گذار Gaz des Beaux-Arts Paris XII Dec. 1934 شکل ۱ رجوع شود.

۲ - غرض شرح ابعاد و رنگ و اوصاف و نوع آجرهاست (ارجحست اینکه بطور ضمیمی بکار رفته یا پس از تراش ترا یا خشک یا بعد از سائیدن نصب شده) و همچنین تعیین ارتفاع رجهای آجر و بندها و ضرر اتصال و بیوستگی آنها که بوسیله گچ و آهک یا ساروج بعمل میآمده. سوره‌های چوب‌بستها بضم و ترتیب و پیشرفت کار اشکال و لوان و اوصاف کاشیها و به‌لاخره طرح و نقشه ضرر ترتیبات و نمونه‌های مختلفه‌ای که بکار رفته هیت این نکات فنی در کتب پنجاب موسسه بانکت فنی آجرکاری اسلامی که در دست تهیه است ملاحظه خواهد شد.

۳ - مفضل بن سید بن حسین لاهوری در کتب «معین اصفهان» (بزبان عربی) چاپ آسید جلال الدین العیسی: «صهرانی» (تهران ۱۳۱۲=۱۹۳۳) صفحه ۸۶ مقیسه شود؛ شرحیکه بعد حسین بن محمد العلوی باستناد گفته ماقروخی نوشته است (برون شرح یث تاریخ خطی کباب راجع باصفهان مجله انجمن سلطنتی آسیائی، لندن اکتوبر ۱۹۰۱ صفحه ۴۳۸).

۴ - برای سان این تاریخ به . . . گ. برون شرح یک . . . صفحه ۴۱۲ مرجمه شود. آقا سید جلال صهرانی رساله ماقروخی را مربوط بسالهای ۴۸۵-۴۶۵ هجری میدانم.

داده چنین میگوید که صاحب بن عبّاد يك مسجدنو و كوچكتری<sup>۱</sup> بنا نهاد که از حیث ارتفاع مکان و استحکام بنیان بر جامع قدیمی مزیت داشت. مسجد مزبور میان معماران جهان بقشنگی و بلندی و آرایش مناره‌اش که یکصد گز<sup>۲</sup> ارتفاع داشته معروف و مشهور بود، بنظر میرسد که هم مسجد و هم منار از خشت ساخته شده بود<sup>۳</sup>.

احتمال دارد که این بنا در محل کنونی مسجد حکیم قرار داشته است<sup>۴</sup>. المقدسی<sup>۵</sup> در ۳۷۵ هجری از جامعی اسم میبرد که دارای ستونهای گرد بوده و در جنوبش مناره کلی بلندی با ارتفاع ۷۰ گز وجود داشته است.

آیا این همان مسجد است<sup>۶</sup>، از نقطه نظر سال تاریخ ممکن است همان باشد و در این

۱ - ابوالقاسم اسمعیل بن عبّاد . . . . . الطاقانی ( بمقاله « ابن عبّاد » بقلم K. Zetterstein در دائرة المعارف اسلام جلد دوم صفحه ۴۵۴ مراجعه شود ) که در ۳۲۶ هجری ( ۹۳۸ م . ) متولد شده ( ا . گ . براون - تاریخ ادبیات ایران Cambridge 1929 جلد اول صفحه ۳۷۴ توان او را ۹۳۶ میداند ) ابتدا منشی بوده و از سال ۳۶۶ ( بنا بگفته دوزامر Manuel ... Hanovre 1927 صفحه ۲۹۵ از سال ۳۶۰ ) وزیر مؤیدالدوله دیلمی ( ۳۷۳-۳۶۶ ) بوده و این سمت را در زمان فخرالدوله ( ۳۸۷-۳۷۳ ) ناموفقیکه زندگانی را بدرود گفت ( ۳۸۵ هجری = ۹۹۵ میلادی ) داشته مردی بزرگ و کریم النفس بوده است ( همان کتاب براون ) .

گویند در جایگاهی از مسجد که امروزه صهّ عمر عبدالعزیز نامیده میشود درس میداده است ، مدفنش در نزدیکی دروازه ضوچی معروف است .

۲ - در ترجمه این قسمت از متن عربی ( که در اینجا عبارات دیگری شرح داده شده است ) اینجانب مرهون آقای دکتر رضا زاده شفق استاد دانشگاه میباشم .

۳ - از خاک اصفهان خشتهای بسیار محکم عمل میآید . برای درك نمونه از بناهای خشتی اصفهان در عهد سلجوقیان بمقاله اینجانب راجع با ما مزاده که آر در بوزون مراجعه شود .

( صفحه ۶۷ 2-3 Arch. Mitt aus Iran Berlin VII 1935 )

۴ - مقاله « اصفهن و انبیه آن در قرون مختلفه » بقلم خانم گدار در ژورنال دو تهران ۱۰ مارس ۱۹۳۶ .

۵ - المقدسی در احسن التقاسیم نکته فوفرا ذکر نموده و او نیز معتقد است که هم مدینه و هم یهودیه هر دو بصور کلی از بهترین ساختههای گلی بوده است .

۶ - این فرض که مسجد آدینه مزبور بستی همان مسجد جمعه فعلی باشد زیرا جرزهای استوانه شکل در آن موجود است ( ا . گابریل مقاله « مسجد جمعه اصفهان » ( ۱۹۳۵ ) II-1 ( Ann Arbor ) Ars Islamica از طرف آقای گدار در مقاله مسجدهای قدیمی ایران در ژورنال دو تهران در تاریخ ۲۳ اکتبر ۱۹۳۶ مورد اشکال واقع شده است .

## آثار ایران

صورت تاریخ مناره مزبور را میتوان بین ۳۶۶ و ۳۷۵ هجری دانست .

۴ - اصفهان - مسجد آدینه و مناره‌هایش که قبل از ۴۲۱ هجری احداث گردیده و فعلاً موجود نیست . در سال ۴۲۱ هجری مافروخی<sup>۱</sup> در ضمن شرح مفصلی که از این مسجد بیان کرده مینگارد که یک نفر از اهالی اصفهان موسوم به ابومضرا رومی<sup>۲</sup> در گذر گاهی که از مسجد بیازار رنگرزان<sup>۳</sup> می‌رود دو مناره بر فراز دو فیلیا<sup>۴</sup> ساخته است .

۳ - بربسیان - مسجد جمعه و مناره آن بموجب کتیبه در ۴۹۱ هجری ساخته

شده است .

مناره این مسجد یکی از قدیمترین مناره‌های موجود در ایران است که دارای

---

۱ - کتاب سابق‌الذکر صفحه ۸۵ .

۲ - زمانیکه هویت این شخص معلوم شود احتیاج دایمی نمی‌بینم که تاریخ مناره‌های مسجد مزبور سال ۲۲۶ هجری یعنی قدیمترین تاریخ مربوط به مسجد ( مافروخی کتاب سابق‌الذکر صفحه ۸۴ ) فرض شود .

۳ - گابریل ( کتاب سابق‌الذکر صفحات ۲۷ و ۴۲ و تصویر ۳۴ ) تصور میکند که بنیاد این مناره‌ها بایشته‌های سنگینی که اکنون در مته‌ایه گوشه شمال شرقی ایوان شمال شرقی مسجد واقع گشته تضییق بنمایند . مشارایه بوجود آید و بقایای مناره قدیمی نیز اشاره میکند ( یعنی صفحه ۱۸ و تصویر ۳۴ ) در ضمن مصالعات دقیق و کاملی که اکنون از طرف هیئت اعزامی شوروی آنجهتی علمی مریکا در مسجد جمعه اصفهان بعمل می‌آید این موضوعات و تعیین تاریخ کهنه‌ترین قسمت‌های مناره‌های سرتکسته ایوان سمت قبه که اکنون قسمت فوقانی آنها مربوط به عهد صفوی ( شکر ۲۷ ) می‌شد ( گابریل در مقاله سابق‌الذکر صفحات ۳۱ و ۴۳ آنها را از دوره صفوی تصور کرده است ) بطور تفصیل شرح داده خواهد شد .

۴ - برون در کتاب سابق‌الذکر صفحه ۴۲۸ این کلمه را بت بر گفته تعوی یافته ترجمه کرده بنابر گفته گابریل ( مقاله سابق‌الذکر صفحه ۳۸ ) کلمه مزبور بری M. Sauvagey بود . یا در پنج مقصود ترکیب یک جفت مناره است که در طرفین دری واقع شده باشد . دین ( در Persien صفحه ۵۹ ) مناره آشیر Adslimir هنرشناسان که متعلق به ۱۲۳۵-۱۲۰۰ ق . است نمونه‌ی زلف‌بشرین مناره‌های تاریخ دار میدانند که پهلوی ایوانی ساخته شده و دلالتی قومه میکند که این هیئت و ترکیب مسبق به سبق بودنی است . آیا این قبیل مناره‌ها هیچگونه ارتباطی به برج‌های معمولی که برای مدفع در طرفین دروازه مساخته نداشته و یا اینکه بنی رسته یعمود در آنها آرایش عمری ساختنی مهمی نبوده است؟

## منارهای اصفهان

تاریخ بوده<sup>۱</sup> و در ولایت اصفهان در میان قدیمترین ابنیه موجوده‌ای که تاریخ معینی دارد از حیث قدمت در درجه سوم است.

در ۲۳ خرداد ۱۳۱۳ (۱۳ ژوئن ۱۹۳۴) این اثر تاریخی را مشاهده نمودم. راجع به مسجد و مناره در جای دیگر<sup>۲</sup> بدان توضیحات مفصّلی خواهم پرداخت.

برسیان<sup>۳</sup> در ساحل شمالی زاینده رود و در مشرق شهر اصفهان بمسافت پنجساعت سواری اسب واقع است.

شرح و توصیف: این مناره میله‌ایست مفرد و مدوّر (شکل ۲۰۷) که آجرهایش با علاط کچ نصب شده است، منار مزبور فاقد قیل پایه یا سگومب باشد. قطر آن در سطح زمین ۵/۷۵ متر و در بالا ۴/۲ متر و ۳۴/۵۵ متر ارتفاع دارد، ممکن است يك گز از نوک آن افتاده باشد. کلفتی دیوار خارجی آن در پائین ۱/۸ متر و در بالا ۱/۰۳ متر است.

۱ - فهرستی که اینجانب در دست دارم تاریخ منارها را به ترتیب ذیل معین میکند: مناره غزنه (محمود) ۴۱۲ - ۳۸۸، مناره برسیان ۴۹۱، مناره چهل دختران در اصفهان ۵۰۱، مناره مسجد جمعه ساوه ۵۰۴، مناره خسروگرد ۵۰۵، مناره غزنه (محمود ثالث) ۵۰۸ - ۴۹۲، مناره مسجد جامع گلیایگان قبل از سال ۵۱۱ هجری (مطابق اولین اطلاعاتی که در باره آن موجود است)، مناره کلوان در بخارا ۵۴۲، مناره قاسم آباد ۵۹۹ (تاریخ آن کاملاً محقق نیست)، مناره دومی چهارستون دامغان ممکن است متعلق بسالهای بین ۴۱۷ و ۴۲۰ بوده و مناره مسجد جامع سمنان نیز احتمال می‌رود مربوط بسالهای بین ۴۲۰ و ۴۴۶ باشد لکن متطّرم صورت جامع آن منتشر شود. با «Reisebericht» بقلم E. Hertzfeld صفحه ۸۲ - ۲۸۱ تطبیق شود. بر طبق آنچه که آقای جرج مایلز Mr. George Miles لطفاً و بنحو مقدماتی از روی عکسهای جدیدی که از کتیبه کامل منار مسجد میدان ساوه برداشته‌ام خوانده‌اند، در تاریخ کتیبه عدد ۵۰۳ ممکن است موجود باشد لکن رقم مآت آن غیر معلوم است، احتمال می‌رود که آقای مایلز بتواند رقم مآت آنرا بوسیله تشخیص هویت صاحب يك اسمی که در کتیبه دیده میشود تعیین نماید. تاریخ ۴۵۳ هجری که در مقاله «مسجد جمعه دماوند» (صفحه ۱۶۳ Ars Islamica III ذکر نموده‌ام از طرف همکار محترم دیگری یعنی خانم گدار با اینجانب داده شده بود.

۲ - رجوع شود بمقاله اینجانب راجع بمطال لازم برای مجموعه معماری ایران در اوائل اسلام که در مجله Ars Islamica (Ann Arbor) چاپ شده است.

۳ - بکتاب عراق شرقی ایران تألیف A. Houtum-Schindler (چاپ لندن ۱۸۹۶ صفحه ۱۲۶ مراجعه شود)، حمدالله مستوفی در ۷۴۰ هجری برسیان را در برا آن از توابع اصفهان بشمارد. رجوع شود به نزهت القلوب حایلی، مترجم (دوره ۲۳ از سلسله انتشارات اوقاف کتب، سال ۱۹۱۵) صفحه ۵۱، ایضاً بترجمه همان کتاب (دوره ۲ - ۲۳ سال ۱۹۱۹) صفحه ۵۸ مراجعه گردد.

## آثار ایران

پلکان منحصر و مارپیچی آن درست از سطح زمین شروع و از درون مسجدی که بعدها ساخته اند بدان وارد میشوند. پلکان مزبور (از روی نقشه برخلاف حرکت عقربه ساعت) دور ستون مدوری که قطر آن در پائین ۸۲ بهر (سانتیمتر) و در بالا ۷۲ بهر (سانتیمتر) است میچرخد. روشنائی بوسیله روزنه های باریک و عمودیکه اطراف آن پخ شده به پله ها میتابد و این سبک در تمام مناره هائیکه در اینجا ذکر میگردد مشترك است.

سقف پله ضربی نبوده بلکه در داخل مناره آجر از آجر پائینی کمی پیش آمده و مانند باد بزن در اطراف دکل یعنی ستون درونی منار گردش کرده، سقف مارپیچ و منحنی تشکیل میدهد، این طرح طاق معمولی است. کف پلکان دارای لبه چوبی بیلندی یک راج آجر است که از طرفین در ستون درونی و دیوار بیرونی منار پیش میرود و این شکل ساختمان نیز ضمیمه میباشد. بالای مناره اثری از کف گلدسته معلوم نبوده و کیفیت ساختمان بنا خوب و عالی است.

آرایش و تزئینات - بدنه خارجی این مناره مناطق یا تقسیم بندیهای پهن و متعددی را که در مناره های خراسان و عراق از قرن پنجم یا ششم دیده میشود نشان نمیدهد بلکه قسمت پائین و قاعده منار مزبور ساده و بالای آن بدنه اصلی منار است. دو حاشیه هم در قسمت فوقانی یا ضوکه منار با پیش آمدگی مختصری که حکم تاج را پیدا میکند دیده میشود. در تزئینات آن کاشی بکار نرفته است. در متن حاشیه های باریک بالای بدنه اصلی منار اشکالی لوزی و گرد یک در میان در آورده اند و این از طرحهایی است که در آجرکاریهای دوره سلجوقی در اصفهان معمول و تا زمان مغول ادامه داشته و برقرار بوده است. تزئینات میله مناره بانقوش هزارباف<sup>۱</sup> بوده و آجرهای راسته از دو سمت بطور مارپیچ موجی از اشکال لوزی نزدیک مربع در چهل و پنج درجه زاویه تشکیل میدهد، زمینه هر یک از این لوزیها عبارت از خاج کوچک یونانی میباشد که قبابی

۱ - بکتاب مسافرت در حدود رود دجله و فرات برای تحقیقت در آثار باستان تألیف ژانر هرتسفند (Berlin - 1920) جلد دوم صفحه ۱۵۸ حاشیه شماره ۱ مراجعه شود. اصطلاح فوق در اصفهان معمول بوده و این سبک آرایش را خفته و راسته مینامند.

از آجرهای راسته آنرا احاطه نموده است<sup>۱</sup>. خاجی شبیه خاج فوق نیز در محل تقاطع خطوط ماریچی آجرهای راسته واقع است، باریک شدن مختصر بدنه منار باعث شده است که قالب و اندازه لوزیها نیز بطور غیر محسوسی کوچکتر شده و در نتیجه جاذبیت مخصوصی بمنظره مناره میدهد، اشکال مذکور کاملاً عمودی نیست بلکه دارای پیچ و خمهایی مطابق گردش عقربك ساعت میباشد.

در زیر طوقه کتیبه اصلی (شکل ۲۰۸) که متضمن خط کوفی ساده آجری بوده و در زمینه آجرکاری بطور تجمیری یا موزائیک<sup>۲</sup> نوشته شده است، حاشیه یا تقسیم بندی کوچکی موجود میباشد که در آن طرفهای برجسته دیده میشود، جفت جفت چیدن آجر<sup>۳</sup> در حاشیه های بالا و پائین کتیبه و در قسمت تاج مناره در حدود اصفهان کمیاب است. این مناره نمونه ای از ساختمانهای سلجوقی در قرن پنجم هجری است که جامع بهترین نکات فنی آجرکاری میباشد.

۴ - اصفهان، محله جوباره - مناره چهل دختران. تاریخ کتیبه ۵۰۱ هجری. این بنا دومین مناره قدیمی است (شکل ۲۰۹) که دارای تاریخ بوده و تا کنون در ایران شناخته شده است، کتیبه بسیار کهنه ای بخط نسخ در بر دارد و پنجره

۱ - بقایای جوب بست بدیوار اصلی منار متصل مانده است. برای مطالعه نمونه های روپوشهای آجرکاری بکتاب آثار و ابنیه خراسان تألیف دینر نقشه های X1-1, X-3 مغز و درون آجر) مراجعه شود و همچنین در جلد سوم کتاب سابق الذکر تألیف زاره هر تسفند نقشه XL VIII ملاحظه گردد.

۲ - غرض از اصطلاح آجرکاری موزائیک اشاره باین سبک است که قبلاً بوسیله گچ آجر هارا بهم یوسته و با اصطلاح معماری پارچه هائی تهیه میکنند و بعد بوسیله آنها روی بنا را میپوشانند. برای توضیحات بیشتر راجع بسقائف فنی آن بکتاب (ساختمانهای آجری قرون وسطی در نخجوان و در دره رود ارس تألیف ا. یا کوپشتال (Berlin, 1899 E. Jacobsthal) صفحه ۲۴ مراجعه شود. در کتیبه برسیان و چند مناره قدیمی دیگر مطمئن نیستم که بجز قسمتهای باین حروف سایر قسمتهای آنها قبلاً روی زمین بهم یوسته شده باشد.

۳ - در ترکستان روسیه و خراسان اغلب دیده میشود بکتاب «خرابه های مرو قدیم» تألیف و. ا. شوکوسکی (V.A. Shukovsky) (St. Petersburg 1894) شکلهای ۳۱ تا ۳۴ و همچنین بکتاب توران تألیف ا. کن وینر (E. Cohn Wiener (Berlin, 1930) نقشه های ۱ تا ۴ و ۶ و ۱۰ و ۱۲ و نیز بر سازه «آثار و ابنیه خراسان تألیف دینر نقشه های ۱۳ و ۱۴ و ۱۶ و ۲۰» و بلاخره بکتاب «آثار معماری ایران» تألیف ف. زاره (Berlin, 1901) جلد اول نقشه ۸۶ مراجعه شود.



## آثار ایران

بزرگی در قسمت بالای منار در ثلث دوم بدنه موجود است .  
این مناره در جانب شمال شرقی دوره شهر تقریباً در یکصد متری داخل فلکه‌ای  
که جدیداً ساخته شده واقع می‌باشد، اطلاعات راجعه بآن نخستین بار توسط استاد دیرا  
انتشار یافت .

شرح و توصیف: - عمارتیکه سابقاً متصل باین مناره بوده و پرفسور هرتسفلد  
آنرا مدرسه میدان<sup>۲</sup> کاملاً از بین رفته است . سطح زمین را از طرف شمال باندازه‌ای  
پائین آورده اند که تقریباً سه متر و نیم از پی مناره که از پاره سنگ و آهک سیاه (آهک  
و خاکستر) ساخته شده نمایان گردیده است . این پی چهار گوش و فقط گوشه جنوبی  
آن پخ گردیده است . بر روی پی مزبور فیلیپائی آجری یبلندی ۵ متر بهمان شکل  
ساخته، درب ورود بمنار را در آن جای داده‌اند . فیلیپای مزبور در اثر طرازاها و شاقولهای  
مختلف شکل يك هشت ضلعی غیر منظم را بخود گرفته است . در سمت شرقی این فیلیپایه  
دیوار آجری معتبری رو به بیرون از طرف شمال شرقی بجنوب غربی امتداد یافته و  
بارتفاع فیلیپایه بمنار می‌پیوندد و در جانب جنوب غربی دیواری پست تر و کوتاهتر  
بمناره متصل میگردد<sup>۳</sup> . مناره مزبور از آجر پخته ساخته شده و میله ایست مدور  
یبلندی ۲۴ متر که بالای آن از قسمت پائین باریکتر است و چون پنج متر یبلندی فیلیپای  
آجری را نیز باین ارتفاع بیفزائیم کلیه ارتفاع مناره ۲۹ متر میشود و ظاهراً يك متر از  
توك آن نیز از بین رفته باشد .

قطر دایره میله منار در پائین ۲/۹ متر و کلفتی بدنه منار ۵۵ سانتیمتر و قطر ستون  
۸ گوشه درون منار (که پلکان بدور آن میچرخد و بالا می‌رود) ۵۵ سانتیمتر است .

۱ - کتاب «ایران - معماری اسلامی در خراسان» صفحات ۱۶۸ تا ۱۶۹ و تصویر در نقشه ۳۸  
همان کتاب ، کتیبه‌ها و . . . برخم خوانده است . بکتاب «کامل مدرسه» تألیف کرسول (Creswell)  
صفحه ۲۹۱ و کتاب سفرنامه هرتسفلد صفحه ۲۳۷ مراجعه گردد . مناره مزبور در فهرست آثار تاریخی  
بشماره ۲۳۱ ثبت شده است .

۲ - بکتابهاییکه در حاشیه شماره ۱ فوق مذکور شده مراجعه گردد .

۳ - با کتاب سابق المکر دیر صفحه ۱۶۸ و کتاب تکامل مدرسه نگارش کرسول صفحه ۲۹۱ تطبیق  
شود .

## مناره های اصفهان

در نوک منار قطر دایره میله ۲/۳۳ متر و کلفتی دیوار ۵۵ سانتیمتر و قطر ستون هشت گوش درونی ۳۳ سانتیمتر میباشد اثری از پیش پا یا پاگرد در بالای مناره موجود نیست. پلکان آن عادی و ملاحظی که در آن بکار رفته گچ است، وضع ساختمان سالم و بی عیب بنظر میرسد. آرایش و تزئینات: - جانب جنوبی و جنوب غربی سگویی هشت ضلعی از لوحه های نقوش آجری تزیین یافته است، یک لوحه از گل و بوته های ساده و دو لوحه دیگر از نقوش برجسته و لوحه چهارمی که بالای ضلع جنوب شرقی واقع گردیده از آجرکاری موزائیک ترکیب و کتیبه کوفی ساده ای را نشان میدهد (شکل ۲۱) که درشش سطر نوشته شده و بسال تاریخ ۵۰۶ هجری منتهی میگردد. هفت تقسیم بندی در میله منار دیده میشود: نخستین و پائین ترین آنها با گلهای لوزی ماندی شیه مناره بر سیان زینت شده و تقسیم بندی دوم با آجرکاری سبک نخمیری تزیین یافته که تشکیل مثلثهای متوازی الاضلاع داده و پهلوئی هم بر عکس یکدیگر بطور وارونه قرار گرفته اند. تقسیم بندی سوم بین جنوب و جنوب شرقی دارای لوحه است که کتیبه بخط نسخ (شکل ۲۱۱) در پنج سطر (مطر چهارم محو گردیده است) با آجر تراشیده بطور برجسته روی زمینه صاف و ساده بر آن نوشته شده است. سایر قسمتهای این حاشیه از مشبکهای که نقوش هشت ضلعی و ستاره های شش پر دربردارد تشکیل میگردد. تقسیم بندی یا حاشیه چهارم باریک و برجسته کاری است. پس از حاشیه چهارم بدنه اصلی و عمده منار است که بجز بندها (هر زمانه های کلفت) که خطوط سایه عمودی ایجاد میکند آرایش دیگری ندارد. پنجره ای که ذکرش در پیش گذشت در این قسمت منار رو بقبله واقع است، دهانه پنجره بشکل مربع مستطیل بوده قسمت بالای آن از چوب و در طرفینش ستونهای گرد کوچکی است که نیمی از آنها توی دیواره منار قرار دارد. بالای ستونهای مزبور سر ستونهای مختصر و بر فراز سر ستونها در گاه کور یا طاقچه ایست که زمینه سنطوری یا

۱ - احتمال میرود این کتیبه قطعه قطعه بالا برده شده و بر بدنه منار نصب گردیده باشد لکن اطمینان دارم کتیبه مزبور روپوش و روکشی بر روی تنه منار است.

۲ - به مقاله اینجانب تحت عنوان «مسجد حجه دعواند» مندرجه در مجله:

Ars Islamica (Ann Arbor) II-2(1935) صفحه ۱۶۲ و شکل های ۱ و ۲ مراجعه گردد.

## آثار ایران

سه گوش سردر آن مختصر فرورفتگی دارد. دور آن عجمانه و در يك مربع مستطیل محاط گردیده است. حاشیه ششم متضمن خط کوفی گلداری است (شکل ۲۱۲) و در طرفینش حاشیه های باریکتری از خطوط متکسر مارپیچ قرار داده اند و در حاشیه کوچک زیرین ستاره های شش پری دیده میشود. هفتمین و بالاترین حاشیه عبارت از مختصر گلوئی یا خروجی تاج مانندی است که برجستگی مستطیلی شکلی را نشان میدهد. در این قسمت کاشی وجود ندارد.

۵ - غار - منار<sup>۱</sup> که تاریخ آن مطابق کتیبه اش ۵۱۵ هجری است.

دهات معروف به غار و زغمار در چند کیلومتری مشرق شهر اصفهان واقع گشته. هنگام تابستان بهتر و اسانتر میتوان بغار رفت بدین طریق که تا کاوچ<sup>۲</sup> بوسیله اتومبیل و از آنجا سمت جنوب از بستر زاینده رود که در آن موقع خشک است پیاده عبور نمود.

این منار (شکل ۲۱۳) قدیمترین کتیبه نسخ قائم الزاویه را<sup>۳</sup> در بردارد که تاریخ

۱ - از آقا و خانم ویویان والتر (Mr. and Mrs. Vivian Walter) عمیم اصفهان سیاستمدار که از بنی تاریخی فوق اینجانب را مطلع ساختند.

۲ - استاد هرستفلد در نامه خصوصی که باینجانب نوشته عقیده ای را که در مقاله راجع بگنبد علویان . . . . . در مجله نامه کتاب مطالعات شرقی تقدیمی به ا. گ. براون (کمبریج ۱۹۲۲) صفحه

۱۹۲ بیان کرده اند میباید. استاد مزبور چنین میگوید که کوفی چهار گوش نه قلمبی است که بین خط دانه از زیر اساس این سبک کتیبه نویسی خط نسخ است. منار آیه در نامه خود بتاریخ

۶ آوریل ۱۹۲۶ مینویسد « این اسم (کوفی چهار گوش) . . . . . اشتباه است باینکه نسخ مربع باشد زیرا اگرچه حروف بواسطه گوشه ها نیکه دارند شبیه بخط کوفی شده اند لکن در حقیقت نسخ میباشد. . . . . مصدق فرضیه صرف اینجانب این سبک تحریر غریب و جالب توجه که جز

در مورد مصدق برای تزئین بکار رفته است به خصوصیکه چنین بر روی مهر های خود مینوشته اند رابطه و پیوستگی دارد و از مشرق بیرمن آمده و بلااقل متشأن آن شناسائی و عنده بین سبک تحریر بوده است. این ارتباط بیستی قدیمتر از دوره مغول باشد زیرا در عهد سلجوقی رابطه بین این دو

ملکت برقرار بوده است. باتکاء و استناد عقیده این مرجع عالیقدرم جرئت میکنم سبک تحریر فوق -

الذکر را در اصطلاح انگلیسی نسخ قائم الزاویه (Rectangular Naskhi) نامیده و در جاهای دیگر این

مقاله نیز آنرا بدین اسم میخوانند. آیا میتوان گفت که اساس نسخ قائم الزاویه برای استعمال و نوشته در کار کاری بوجود آمده است؟ به مقاله «اصطلاحات درباره کتیبه های مسجد جمعه ورامین» بقلم و. ک. چکو -

سکایا در مجله مطالعات اسلامی (پاریس ۱۹۳۱) صفحه ۴۲ و برای نمونه بکتیبه برج مسعود شانت در غزنه (۵۰۸-۴۹۲ هجری) مراجعه شود.

### مناره های اصفهان

داشته و تا کنون در ایران ملاحظه شده است. ویرانه های ساختمان مکعب مانند گنبد داری از عهد مغول تقریباً ۵ متر در جنوب غربی منار دیده میشود. اطلاعات مربوط بان نخستین بار در این مقاله انتشار مییابد.

شرح و توصیف :- منار مزبور دارای میله منفرد و مدوری است که قسمت بالایی آن فروریخته و ساختمانش از آجر و بر روی پایه ۸ گوشه استوار گردیده است. بنیاد سنگی آن با اندازه دو گز نمایان شده و از شفته ریزی سستی مرگب از شن و ریگ و سنگ ریزه و آهک و خاکستر ترکیب یافته است. فیلبایه منار در بالا کمی باریکتر از پائین و دارای ۴/۸ متر ارتفاع میباشد. درب ورو پلکان در جانب جنوب شرقی بدنه فیلبایه واقع و درست در محاذات سطح سابق زمین قرار دارد. پلکان آن عادی و معمولی میباشد. قطر دایره منار در پائین ۵ متر و نیم و در نوک کنونیش ۴/۷ متر بوده، ضخامت دیوار خارجی منار در بالا ۷۴ سانتیمتر است. ارتفاع فیلبایه و میله ناقص کنونی رو بهمرفته ۲۱ متر میشود. درست در پائین نوک کنونی منار و بقبله پنجره بزرگی است. پنجره مزبور ایوانچه ای دارد. زیر این پیشپای کوچک یا خروجی یکقطعه مقرنس ساخته شده است. در این مناره کاشی وجود ندارد و ملاطی که بکار رفته گچ و خاک است غیر از قسمتی از پی آن که نمایان گردیده باقی ساختمان وضع سالمی دارد.

آرایش و تزئینات :- در بالای چهار ضلع فیلبایه یک سطر خط کوفی ساده دیده میشود که از شمال شرقی بطرف مشرق با آجر بطرح معرق ساخته شده و بسال ۵۱۵ هجری منتهی میشود (شکل ۲۱۴). زیر این کتیبه دو طرف فیلبایه در هرز ملاط های کلفت آجرها که با گچ بند کشی شده و بوسیله ابراز فرورفتگی های پنج میلیمتری برگچ احداث نموده اند کتیبه ای بخط نسخ قائم الزاویه ترتیب داده شده و ۴ درجه مورب قرار گرفته است. نمای اطراف دیگر فیلبایه از آجر هائی است که با کمال دقت بطور ساده پهلوی یکدیگر چیده شده و هرز ملاط آن بسیار کم و نازک است پوشیده شده و آجرهای سر نبشها بادقت تام تراشیده شده و نصب گردیده است. میله این مناره از پائین تا بالا از یک پوشش ساده و یکواختی تزئین یافته و آجرهائی که بکار

## آثار ایران

رفته تراش و طوری رویهم چیده شده که از خط نسخ قائم الزاویه نقوش متحدالشکل و ۴۵ درجه مورب مزبور بوجود آمده . طرح این خط بواسطه کیفیت بندهای پهن (کلفتی هرز ملاط) آجر میباشد .

۶ - سین - مناره مسجد رجب که تاریخ آن بموجب کتیبه اش سال ۵۲۶ هجری است .

این بنا (شکل ۲۱۵) قدیمترین کاشی کاری عهد اسلامرا که در قسمت خارجی ساختمانها بکار رفته و دارای تاریخ است در ایران نشان میدهد<sup>۱</sup> . اولین توصیفی که درباره آن بعمل میآید در همین مقاله است<sup>۲</sup> . دهکده سین در میان جالیزهای خربوزه در طرف شمال شهر واقع گردیده و در هوای مساعد ممکن است بوسیله اتومبیل ۶۵ کیلومتر از اصفهان تا آنجا را از پیچ و خمهای فراوان جانب شمال غربی شهر طی نمود . در آینده نزدیک شرح مفصلی<sup>۳</sup> درباره این بنای تاریخی انتشار خواهیم داد .

شرح و توصیف : - پی چهار گوش و بلندی که بیک بنای دیگر متصل و بیک گوشه آن پنج گردیده است در زیر فیلیپایه مرتفع هشت ضلعی که کمی مخروط شکل است قرار گرفته و از فیلیپایه مزبور میله مدور مختصر مخروطی شکل سر باسماط افراشته است .

---

۱ - بعد از منار فوق کهن ترین مناره دومتر است که مرشد در آذربایجان واقع است ، یکی متعلق بسال ۵۴۲ هجری در گنبد سرخ مراغه (در متن انگلیسی کتب گنبد قرمز ذکر گردیده و غلط نیست) رساله « آثار مراغه » جلد ۴ ، مقاله ۳ ، گذار از نشریات نچین مصالحت ایرانی (پاریس) شماره ۹ (۱۹۳۴) صفحات ۳-۶ و تصاویر ۱-۲ و بز مقننه آ . گذار در جزو اول کتب آثار ایران مرجه شود . مناره دیگر متعلق بسال ۵۸۲ هجری در مقبره مؤمنه خاتون نضجوان ، برسائه سابق الذکر یا کوبستان صفحه ۱۳ و همچنین مصالحت در باب کتیبه ها تألیف ه . هارتمن (M. Hartman) صفحات ۲۲-۲۵ رجوع شود . در آنصوای قدیمترین تاریخی که در اینقسمت نوشته شده و اینجانب ملاحظه نموده ام سال ۶۱۷ هجری است که مربوط بمحراب مسجد بزرگ قوزیه می شد . در عراق نیز منار اریل است .

راجع بین مبعث بکتاب مسافرت باستان شنسی . . . . . تألیف زره هرتسفیلد  
دوم صفحه ۳۱۷ رجوع شود .

۲ - ه . شیندلر در کتب سابق الذکر صفحه ۱۲۵ میگوید درین (بیت مناره کهن) ۲

In Arch. Mitt. aus Iran - ۳

در کمر کش منار پنجره بزرگی رو بقبله وجود دارد ( این سومین دفعه است که این قبیل پنجره مشاهده میشود) و دارای پیش پائی شبیه پیش پای مناره غار میباشد. درب معمولی پلکان در طرف جنوب شرقی فیلبایه هشت ضلعی ساخته شده و کمی بالاتر از آن در بدنه خود میله مدخل دیگری وجود دارد. ساختمان این منار از حیث نکات فنی شبیه منار غار است. تنه آن بواسطه نشستی که کرده از پنجره بیالا کمی خم گشته و از این قسمت که بگذریم وضع ساختمان خوب و محفوظ مانده است.

آرایش و تزئینات: - در قسمت بالای جانب جنوب شرقی پی چهار گوش این منار لوحه کتیبه ای موجود است (شکل ۲۱۶) که با آجر توی کار بطرح معرق نصب گردیده، کتیبه مزبور شامل چهار سطر خط کوفی ساده است که در انتهای آن تاریخ ۵۲۶ هجری دیده میشود. آرایش روی بدنه منار طرح خاصی دارد چنین بنظر میآید که آجرهائی از یب «هرزه ملاط کلفت» مارپیچی و موجی پهلوی هم واداشته شده که یک ردیف ردیف دیگر را تقاطع میکند و این خطوط مارپیچ نقوش با گلهای زیبایی از خانه های مربع و یکسان بازوایائی باندازه چهار و پنج درجه و مراکزی نمایان تشکیل میدهد. نوک مناره که آسیب دیده و خرابی پیدا کرده است دارای حاشیه کتیبه کوفی ساده ای میباشد (شکل ۲۱۷). کتیبه مزبور با کاشی فیروزه قام بطور موزائیک احداث گردیده و فقط قسمت خارجی آجرهائیکه حروف کتیبه را تشکیل میدهد لعاب دارد.

۷ - اصفهان - محله جوباره - منار معروف به ک... برنجی (ته برنجی) که فعلا موجود نیست<sup>۱</sup>.

شاردن سیاح فرانسوی از این مناره نام برده<sup>۲</sup> و میگوید که در محله سیداحمدیان<sup>۳</sup>

۱ - این همان مناری است که س. لوبرون (C. le Brun) در ۱۷۰۴ دیده و آنرا Menare-Kambrinsie نامیده است. شارابیه برای مزبور در ضمن ذکر اصفهان اسم میردو آنرا برج سنگی بجای معرفی می نماید. سفرنامه او (ترجمه انگلیسی چاپ لندن ۱۷۵۹) صفحه ۲۷۴ و کتاب . . . . . Reizen (آمستردام - ۱۷۱۴) صفحه ۱۴۶ نقشه های ۷۴ و ۱۳ رجوع شود.

۲ - سفرنامه ژ. شاردن. چاپ لانگلس (Langlès) پاریس ۱۸۱۱) جلد هفتم صفحات ۴۷-۴۴۶.

۳ - پ. کوست محل منار را «میدان میل سیداحمدیون» نامیده و محل آنرا روی نقشه شهر بحر ف (ل) مشخص نموده است. کتاب اثبته جدید ایران (پاریس ۱۸۶۵-۶۷) نقشه ۳ = دروازه بهمن اسم در کتاب سابق الذکر ۵. شیندلر صفحه ۱۲۰ ذکر گردیده است.

واقع است. سیاح مزبور متذکر میگردد که . . . . . چون در چندین محل از طلای قلب روکش شده لذا بنام منارته برنجی معروف گردیده است. اینجانب شالوده سنگی مناره مزبور را زیر گوشه يك دیوار گلی در زاویه کوچه پامنار<sup>۱</sup> یافته و تشخیص دادم.

### ۸ - اصفهان - محله امامزاده اسمعیل - منار مسجد شعیا<sup>۲</sup>.

در شمال غربی امامزاده اسمعیل چند چرخ کهنه با سقفهایی که بعداً روی آنها زده شده است مسجد شعیا را تشکیل میدهد. در یکی از دیوارهای مسجد فیلیپایه بلند و هشت ضلعی این منار قرار دارد (شکل ۲۱۸). تا بحال در اطراف این منار چیزی نوشته نشده است. قطر ته اش در ارتفاع ۵/۳۰ متر بالای فیلیپایه ۲/۶۵ میباشد و قسمتهای بالاتر آنرا خراب نموده و بعداً گلدسته و کاشیکاریهایی بر آن افزوده اند. پلکانش بطور عادی و معمولی ساخته شده است. میله مناره در پائین ساده است لکن در بالا طوری آجرها را قرار داده اند که از بندهای پهن آجر (هرزه ملاط کلفت) خاچههای بزرگ و مربعهای کوچک درجهل و پنج درجه زاویه تشکیل گردیده است. ساختمان آن مربوط بعهد سلجوقیان بوده احتمال کلی دارد که بنائی از قرن ششم هجری باشد. بواسطه فقدان دلایل منفی (آن قسمت منار که نابود شده شاید حاکی از دلایل مزبور بوده است) میتوان تاریخ ساختمان آنرا با وائل آن قرن نسبت داد.

۱ - در حدود يك متر بظرف شمال قسمتی از آجرکاری رویوش دیوار که سبک ساختمان فنی آن مربوط بعهد مغول یا سلجوقیان است دیده میشود. روایتی برای شاردن نقل نموده بودند که مسجد مشهور سید احمدیان که این منار تابع آن داشته منسوب بعقصد یا هشتصد سال پیش از زمان شاردن بوده است. استاد حسین که یکی از معماران محل است برای اینجانب تعریف کرد که تقریباً ۲۰ متر از قسمت مدور میله منار تا حدود سال ۱۹۲۵ (۱۳۰۴) بریاء و بنابر ساریان شیه بوده و کاشیکاری نداشته است. کسانی که در همسایگی آن زندگی میکنند این مصطب را تأیید نموده و میگویند ۵ متر کم و بیش باقیمانده میله را در سال ۱۹۲۴ (۱۳۱۳) خراب کرده اند.

نظر بقندان مدارك قضی و محو شدن آثار جرم اینجانب برای تعیین سن تاریخ این بنا کوششی نسکرده فقط از لحاظ سهولت کار آنرا جزء فهرست نمونه های مناره های عهد سلجوقیان قید میکنیم.

۲ - شماره ۱۱۲ در فهرست آثار ملی.

۹ - اصفهان محله دزدشت - مناره گلدسته.

اطلاعات راجع بان نخستین باراست که ذکر میگردد . قسمت بالای این منار (شکل ۲۱۹) را خراب کرده و بعداً گلدسته‌ای<sup>۱</sup> روی باقیمانده آن ساخته اند و نام گلدسته را بمنار داده اند . امروزه فقط سه متر میله منار مزبور در بالای بام مسجد کوچک یا گلدسته دیده میشود و قسمت پائینتر آن که در حدود ۶ متر است در پشت دیوارهای مسجد پنهان میباشد . گرچه نزدیک زمین در مسدودی باید وجود داشته باشد لکن فعلاً بوسیله سوراخ دومی که بعداً از روی پشت بام باز کرده اند به پدگان منار داخل میشوند . قطر تنه منار در سطح بام ۲/۲۲ متر و کلفتی دیوار بیرون یا بدنه منار فقط ۲۱ سانتیمتر و قطر ستون درونی یا دکل منار ۵ سانتیمتر است . ساختمان آن از آجر بوده و برای نمای بیرون منار آجر را سائیده اند . قریب یک متر بالای پشت بام قسمت ساده تنه مناره دارای راه‌راه‌های ۵ درجه مورب می‌شود که تشکیل خط نسخ قائم الزاویه‌ای میدهد . هر چند ساختمان آن بمنار مسجد شعیب شباهت دارد لکن اینطور بنظر می‌آید که تاریخش جدیدتر و در عهد دوم دوره سلجوقی بنا گردیده است .

۱۰ - اصفهان - مناره علی در محله گلبهار<sup>۲</sup>

این بنا مشهورترین مناره‌های اصفهان محسوب میگردد . اطلاعات راجعه بان در سال ۱۶۱۹ توسط پیترودولاوله<sup>۳</sup> و در ۱۶۶۶-۷۶ شوالیه شاردن<sup>۴</sup> و در قرن نوزدهم

۱ - گویا این تنها مناری باشد که اکنون برای اذان در اصفهان از آن استفاده میکنند . این نکه جالب توجه است که متغیور اصلی از احداث منار از مدت‌ها پیش تا اکنون فراموش گردیده و بجای آن از قفسهای کوتاهی که بر فراز ایوانی بسازند استفاده میشود ، مانند گلدسته‌های مسجد جمعه و مسجد شاه و مدرسه مادر شاه و غیره . سفرنامه شاردن جلد هفتم صفحه ۱۱ و حاشیه ۲ ملاحظه شود .  
 ۲ - در نقشه « دارالسلطنه اصفهان » ترسیم سلطان میرزا رضاخان ( اصفهان ۱۳۴۲ هجری ) بمحله مزبور این اسم داده شده است . ۱ . بودون ( E . Beauduin ) گفته مفید و جالب توجه فوق را بمقیاس کوچکتر در تحت عنوان « اصفهان در زمان سلطنت شاهان بزرگ » در مجله ( Urbanisme ) جاب پاریس - ژانویه ۱۹۳۳ ( صفحه ۴ انتشار داده است . ۵ . شیندلر در کتاب مذکور صفحه ۱۲۱ نام این محله را گلبار و در صفحه ۱۲۲ آنرا « میدان کهنه » ذکر نموده است . لی . مترنیچ در کتاب رزوبوم خلافت شرقی صفحه ۳۰۵ آنرا گلباره مینامد .

۳ - Pietro de la Vallé ، سفرنامه . . . . . ( پاریس ۱۶۶۲ ) جلد سوم صفحات ۴۶ - ۴۵ .

۴ - سفرنامه . . . . . جلد هفتم صفحات ۴۴۵ - ۴۴۳ - ۴۵۴ .



## آثار ایران

بتوسط فلاندن و کوست<sup>۱</sup> و خانم دیولافوا<sup>۲</sup> و سرتیب هوتوم شیندلر<sup>۳</sup> و اخیراً بتوسط پرفسور زاره<sup>۴</sup> و سروان کرسول<sup>۵</sup> و استاد هرتمفلد<sup>۶</sup> منتشر گردیده است. در اینجا تنها از علما و سیاحانی نام برده میشود که بیشتر معروفیت دارند. اکنون این مناره جزو مسجد علی است لکن دلاواله و شاردن هر دو آنرا ببقعه هارون ولایت که در نزدیکی آن و در سمت دیگر کوچه باریکی واقع گردیده نسبت داده اند.

نظرباینکه این مناراکنون در محوطه مسجد علی واقع شده و مدخل منارنه تنها در درون مسجد است بلکه جلو آن نیز دیوار کشیده شده و مسدود است لذا پیش از آنکه اینجانب بالای آن بروم ممکن نبوده است تحقیقات دقیقی راجع بساختمان این بنای تاریخی بعمل آید و همین اواخر بود که بالای آن رفته و باین مطالعات پرداختم. شرح و توصیف: چون قسمت خارجی تنه این مناره را در نزدیکی زمین جز از يك محل نمیتوان دید لذا اینجانب تا اندازه ای یقین دارم که مناره مزبور در ابتدا منقرد و بدون پایه بوده است. میله گرد آن سه قسمت که هر يك از دیگری باریکتر میباشد منقسم گردیده و یا بهتر گفته باشیم مناره مزبور از سه میله تشکیل میشود (سه طرح شکل سازی دارد) که هر کدام زوی دیگری منتهی باریکتر و نژکتر استوار گردیده است. هر يك از دوميله پائین با گلوئی تاج مانندی که بی شباهت بر ستونهای مصری نیست آرایش یافته (این تاجها را استادان محلی نعلبکی مینامند

۱ - مسافرت بایران جدید (چاپ پاریس ۵۴-۱۸۴۴) نقشه ۶۳ - لکن مشاری که در آنجا ذکر گردیده یث گلوئی مقرنس کروی در پائین دزد که شبیه به تاج خواجه غنه است.

۲ - ایران . . . . . (پاریس ۱۸۸۷) صفحه ۲۷۵ در محله دور در شماره ۴۷ صفحه ۱۶۰.

۳ - General Houtum Schindler در کتاب مذکور صفحه ۱۲۳ میگوید . . . . . تاریخ ساختمان معلوم . . . . . بتوسط ملکشاه سجوقی بنا گردیده است بدینخانه نویسنده مزبور اشاره بستد و ممرک غفنت نمونه است.

۴ - آثار معماری ایران جلد دوم صفحه ۷۵.

۵ - Captain Creswell «تکامل مناره» صفحه ۲۹۱.

۶ - مقاله «خراسان» در Der Islam شماره ۱۱ (۱۹۲۱) صفحه ۱۶۸ و همچنین سفرنامه مشربه در ZDMG (۱۹۲۶) صفحات ۲۳۷-۲۳۸.

و با ملاحظه ترکیب و شکل آن اسم مناسبی بنظر می‌رسد. م) ارتفاع کنونی منار تا تاج اولی ۴۰/۳۵ متر، بخش وسط تقریباً ۷ متر و آنچه اکنون از قسمت بالا باقی است نیم متر ارتفاع دارد و بنا بر این رویهم ارتفاع آن به ۴۷/۸۵ متر می‌رسد. تصور می‌رود بلندی آن در اصل بیش از ۵۰ متر بوده است. در محاذات سطح زمین قطر تنه منار تقریباً ۶ متر و کف‌تی دیوار خارجی ۱/۴۵ متر و قطر ستون گرد درونی یا دکل منار ۱/۶۰ متر می‌باشد، پلکان آن معمولی است. بالای بخش اولی منار زیر گلوئی تاج مانند مذکور در فوق قطر تنه منار ۲/۸۶ متر و قطر تنه و گلوئی رویهم ۳/۸۵ متر و کف‌تی دیوار ۵۸ سانتیمتر و قطر ستون درونی یا دکل منار به ۳۲ سانتیمتر تقلیل یافته است. بخش دوم بقطر ۲/۴۱ متر شروع گشته کف‌تی جدارش ۳۸ سانتی متر و قطر ستون درونی یا دکل منار ۳۲ سانتیمتر می‌باشد. غیر ممکن بود بالاتر از این محل را مورد امتحان قرار دهیم زیرا بخش بالا ویران و خطرناک است. جائیکه پیش از همه قسمتهای این مناره جلب توجه میکند گلوئی نعلبکی مانند پائینی است (شکل ۲۲۱).

برای احداث آن ۹۳ سانتیمتر از تنه منار که طول تاجی را تشکیل می‌دهد و همچنین نیم متر پیش آمدگی را با آجرهای بزرگ ساخته اند آجرهای مزبور از زیر عمود و از رو بشکل اشعه جلو آمده است. با اصطلاح بنائنی خروجی پیش کرده اند و بزور ملاط کچ تاجی یا دوره نعلبکی مانند مزبور محکم خود را گرفته و نگاه داشته است. این سبک قطار بندی<sup>۱</sup> را باید نقطه مقابل مقرنس کاری<sup>۲</sup> محسوب

۱ - این اصطلاح در اصفهان برای مقرنس کارهای محکم اعم از اینکه بیرون یا درون عمارت باشد استعمال میگردد.

۲ - مقرنس کاری در اصفهان فقط به تزییناتی اطلاق میشود که بطرز آویخته بسقف پیوسته باشد مانند گلوئی یا نورفتگی یا طاقچه یا کاسه گنبد و غیره.

ضمن تعمیرات اخیر دوره صفوی در ایوان جنوب شرقی مسجد جمعه مقرنس کارهای درشتی احداث نموده اند که اکنون با اندازه ای آسیب دیده که در نتیجه خرابی و فرورفتگی آن سبک ساختمان این قبیل مقرنس کارها مشهود است (رساله سابق اندکرا گابریل شکل ۲۵). این اصطلاح در اصفهان مخصوص اصول فنی مقرنس کاری بوده و اشکال مختلف آن منظور نیست. اینجانب ضمن شرح ساختمان سقف و گنبد اصول فنی اینکار و تقسیمات جزء آن را نیز مورد بحث قرار خواهم داد. کتاب سابق الذکر راجع بمسافرت باستان شناسی تألیف زاره - هرستفالد جلد دوم صفحه ۱۵۷ حاشیه شماره ۴ مراجعه شود.

داشت تا اختلاف آن درست معلوم و مشخص شود. يك كف يا پيش پای چوبی بالای نعلبکی فوق بوده و بدون شك سر تاجی نوك منار نیز كف چوبی یا قفسه دیگری داشته است. وضع کنونی ساختمان منار بجز قسمتی که بوبرایش اشاره نمودم خوب و معالم است.

آرایش و تزئینات :- از روی پشت بام مسجد بالای زمینه ساده بدنه منار حاشیه‌ای بعرض ۶۰ سانتیمتر ملاحظه نمودم. این حاشیه شامل کتیبه ایست بخط نسخ و قائم الزوا یا (شکل ۲۲۲). کتیبه مزبور با اصطلاح بنائی «تخمیری» است یعنی با آجر بطرح معرق ساخته شده و در حدود دو ثلث آن زیر ساختمانیکه بعداً احداث نموده اند مستور گردیده است.

بالای حاشیه مزبور در حدود سه متر بلندی آجر کاریهائی است که فاصله بین آجرها خط نسخ قائم الزاویه ۵۰ درجه مورب مانند میله منار غار بوجود می‌آورد، بالاتر از حاشیه مزبور زمینه طولانی دیده میشود که در آن نقوش هندسی با مقیاس بزرگ بر آن نمایان بوده و با خطوط پیچا پیچ مشبك «پرکار جای پرکار» ستاره های شش پر و هشت پره احداث گردیده. خطوط و ستاره ها به عرض ۸ سانتیمتر روی زمینه ساده بدنه منار تراشیده و نقر شده و این عمل نکته فنی تازه ایستکه در اینجا بکار برده اند. بالاتر از این قسمت زمینه مختصر طولانی تری موجود است که آجرکاری تخمیری

نختمی شکل سابق الذکر بر آن مشهود میباشد. آجرها را بطور افقی به طرح مارپیچی متقاضی چیده اند بطوریکه از فواصل و بندها لوزیهائی احداث و نوبی هر لوزی لوزی کوچکتری دیده میشود. این طرح نوع دیگری است از طرحیکه در مناره سین بکار رفته، یقیناً از پای منار تا محل فوق هر گز کاشی وجود نداشته است. در زیر تاجی (شکل ۲۲۱) دو حاشیه کتیبه های کاشی کاری ملاحظه میشود که بطور معرق کاری از آجر احداث گردیده و بخط نسخ قائم الزاویه نوشته شده بدین معنی که اساساً کاشی های فیروزه‌فام طوری چیده شده که کتیبه از آن بوجود آمده لکن اغلب این کاشیها مانند کاشیهای نظیر آن که در دوره های باریك بالاولیائین کتیبه قرار داشته ریخته است،

### منارهای اصفهان

در زیر تاجی کاشیهای عمودی با همان لعاب و اداشته شده و دنباله حروف کتیبه بوده و بهتر هم محفوظ مانده است. قسمت وسطی منار زمینه ساده‌ای دارد که با گلدسته‌ای که از بین رفته و ذکرش سابقاً گذشت تطبیق مینماید. بالای زمینه مزبور آجرکاری تخمیری معرق مانندی است که تشکیل اشکال یا گلهای لوزی میدهد و بالاتر از آن کتیبه بخط نسخ قائم الزاویه با يك قطار گیلوئی از آجرهای كوچك وجود دارد. آجرهای آن را بطور خروجی مورّب چیده اند، آثار لعاب فیروزه فام در اینجا نیز مشهود است.

تاریخ ساختمان مناره: تازمانیکه نمونه کاشیهای فیروزه رنگ در مناره سین بظهور رسید وجود رنگ یعنی کاشی لعاب دار در این منار با سلجوقی الاصل بودن آن تعارض داشت.

مقایسه تزیینات این بنا با مناره های سین و غار گرچه در مورد ابنیه که دور از هم واقع شده معتبر و صادق نیست در این مورد بخصوص مناسب و شایسته است و ارتباط نزدیک آنها را می‌رساند لکن استعمال فراوان قطعات آجرکاری تخمیری که قبلاً تخته تخته روی زمین طرح ریزی و جور و ساختمان نموده سپس روی بدنه منار بصورت پوششی کار گذاشته و شاید هر قطعه فقط از بالا بدیوار منار کلاف و پیوسته شده آغاز انحطاط اینگونه ساختمان ها را نشان میدهد.

حاشیه متضمن کتیبه نسخ قائم الزاویه (شکل ۲۲۲) که در نزدیک بام واقع گردیده از حیث نکات فنی بیشتر با اصول مشهوده در بناهای دوره مغول شباهت دارد، لکن بطوریکه سابقاً ذکر نمودیم نمونه کتیبه نسخ قائم الزاویه در غار متعلق بسال ۵۱۵ هجری میباشد. در صورتیکه مناره سین را فعلاً مبداء و منشاء استعمال کاشی فیروزه فام بدانیم و از طرفی با انحطاط و تنزل ساختمانی توجه کنیم تاریخ منار بعقیده اینجانب در ربع دوم یا سوم قرن ششم هجری واقع میشود با قید این احتیاط که ممکن است بنای آن بقرن هفتم یا اوایل قرن هشتم هجری نیز نسبت داده شود. در هر حال وقتی

۱ - بنظر استاد هرتسفلد روایتی که بنای این منار را به الجایتو نسبت میدهد ممکن است مبتنی بر اساس و حقیقتی باشد، به سفرنامه ایشان صفحات ۳۸ - ۳۷ رجوع شو

میتوان بتاریخ قطعی ساختمان پی برد که راجع بتاریخ معماری ایران در قرن هفتم اطلاعات بیشتری بدست آمده باشد و این قسمت هنوز تاریک است، شهر اصفهان در روشن ساختن این موضوع ممکن است کمک های شایان بنماید .

### ۱۱ - شهرستان ، مناره شاه رستم که فعلاً موجود نیست

در حدود سال ۱۹۲۴ (۱۹۱۵) این منار را برای استفاده از آجرهای سرنگون ساختند، گنبد مجاور این منار<sup>۱</sup> نیز که کوست شرح آنرا داده نابود شده است . در اینجا باید یادداشت استاد هرتسفلد<sup>۲</sup> را که مربوط بکتیبه این مناره میباشد بتوضیحات کوست<sup>۳</sup> و خانم دیولافوا<sup>۴</sup> و استاد زاره<sup>۵</sup> افزود . بسیار جای افسوس است که هیچکدام از کسانی که این منار را دیده اند از رنگ کاشی کاری آن ذکر ننموده اند .<sup>۶</sup> باز دید محل ساختمانش هم هیچگونه اطلاعی بدست نمیدهد . وجود دو پلکان امری برخلاف معمول نیست<sup>۷</sup> . از روی اطلاعات حاصله از مناره های موجوده در اصفهان جرأت نموده بشرحیکه کوست راجع بتزیینات مشبك و آمیخته بانقوش هندسی تنه منار میدهد تردید میکنم ، چنین بنظر میآید که تزیینات آن همان خطوط و نقوشی

۱ - وجه تسمیه آن چیست ؟ کوست در کتاب ابنه جدید ایران ( پاریس ۶۷ - ۱۸۶۵ ) صفحه ۳۶ و نقشه ۴۵ اسم آنرا شامروستان و شامروستان ذکر نموده اند . این اسمها تحریف شهرستان باشد . برای پی بردن بسایر وجوه این اسم و شرحهای دیگری که در باره آن داده شده بکتاب سفر ایران - ایران جدید تألیف فلاندین و کوست نقشه ۶۴ و همچنین بکتاب ( مشرق زمین ) تألیف : وژن فلاندین ( Eugène Flandin ) چاپ پاریس ( ۱۸۵۳ ) نقشه ۴۰ رجوع شود ( این کتاب فوق آمده ذکر و کتیب است ) .

۲ - کتاب خر سان صفحه ۱۷۰ و سفرنامه صفحه ۲۳۷ .

۳ - کتاب سبق الذکر صفحه ۳۶ .

۴ - کتاب ایران . . . . ( چاپ ۱۸۸۷ ) صفحه ۳۲۹ .

۵ - آثار معماری ایران ( ۱۹۰۱ ) جلد اول صفحه ۷۶ .

۶ - خانم دیولافوا در کتاب سبق الذکر اشاره میکند که کتیبه منار مزبور از موثریت بکرتنگی بود .  
۷ - نمونه های دیگر : اصفهان منار خواجه عمه ( به قسمتهای بعد که ذکر این بنا خواهد آمد مراجعه شود ) - اربیل ( زاره و هرتسفلد در کتاب سبق الذکر جلد دوم صفحه ۳۱۴ Abb. 295 ) .  
گلیایگان : مناره عهد سلجوقی که اکنون برینا است ( اطلاعات راجعه بانرا اینجا ب انتشار خواهد آمد .  
ساوه مناره مسجد میدان .

بوده است که روی منار علی و منار ساربان کنده شده . منار شاه رستم مانند منار علی دارای يك نعلبکی ( تاجی ) بوده است ، تاریخ آنرا امتحاناً و بطور آزمایش میخواهم ربیع دوم یا سیم قرن ششم هجری تعیین نمایم لکن با قید همان احتیاطی که در باره منار علی قائل شدیم .

### ۱۲ - اصفهان، مناره ساربان در محله جوباره

منار مزبور از ساختمانهای برجسته و معروفی است که بجز شکل نعلبکی هایش از جهات دیگر بمنار علی شباهت دارد (شکل ۲۲۳) .

شرح و توصیف :- تنه این منار منفرد و گرد مشتمل بر سه طبقه است و پائینک یا پایه ندارد، ارتفاع کنونی آن تقریباً  $44/2$  متر است تقریباً  $36/5$  متر بلندی قسمت پائینی و  $6/2$  متر بلندی قسمت وسط و  $1/5$  متر بلندی قسمت بالا است . قطر قاعده اش در پائین  $4/04$  متر و کلفتی دیوار بیرونی در مدخل پلکان  $72$  سانتیمتر و قطر ستون درونی یا باصطلاح دکل وسط  $87$  سانتیمتر است، پهنای پلکانش به  $68$  سانتیمتر میرسد . پلکان آن بطور عادی و معمولی بوده و مدخلش در ارتفاع  $7$  متری تنه منار واقع و بوسیله يك پل از بنای دیگری که امروزه محو گردیده بدان داخل میشده اند، وضع ساختمان خوب و سالم و محفوظ است الا اینکه بسمت مغرب تعایل پیدا کرده و يك بری شده است .

آرایش و تزئینات :- بر جانب غربی منار در ارتفاع تقریباً  $9$  متری تنه آن لوحه چهار گوش خالی و کم عمقی وجود دارد که بدون شك کتیبه ای در بر داشته است . میله پائینی منار را میتوان به چهار بخش تقسیم بندی نمود یا به عبارت دیگر که در بنائش مصطلح است میتوان گفت چهار طرح شکل سازی دارد . بخش زیرین ساده است،

۱ - شاردن در کتابی که ذکر آن گذشت جلد هفتم صفحه ۴۴۴ از بنای فوق گفتگو نموده است، خانم دیولافوا در کتاب ایران و کلد . . . ( چاپ ۱۸۸۷ ) صفحه ۲۷۳ تصویر منار را چاپ کرده و در صفحه ۲۷۴ شرح آنرا میدهد . ه . شندلر در کتاب سابق الذکر صفحه ۱۲۳ نام آنرا میبرد - دیزه کتاب ایران . . . نقشه ۳۵ . در مقاله ای که خود اینجانب راجع به آجرکاری دوره اسلامی ایران در مجله Architectural Forum ( چاپ نیویورک - ژوئیه ۱۹۳۲ صفحه ۵۷ نوشته ام عکس آن چاپ شده است ، در فهرست آثار تاریخی بشماره ۲۳۲ نت گردیده است .

بخش دوم مشتمل بر نقوشی است مانند کتیبه های خط نسخ مستطیل مورّب بقسی که گلهائی از آجر شیه مناره غار بوجود آمده است. در بخش سوم طرحهائی در آجر کنده و نقوشی کاملاً هندسی احداث نموده اند که با نقوش منار علی اندکی اختلاف دارد و بخش آخری عبارت از حاشیه ایست که از آجر و کاشی فیروزه فام مانند معرق کاری «تخمیری» ساخته شده و متضمن خطوط کوفی گلداری است که در آن ایام مرسوم و متداول بوده است در بالا و پائین کتیبه کوفی حاشیه های باریکی از کاشی فیروزه رنگ وجود دارد. کتیبه دیگری بخط نسخ مستطیل در میان مربعهای کوچک فیروزه رنگ ترتیب داده شده و در ملاط کچ نصب گردیده است (موزائیک کچ و کاشی) و بین بخش سوم و چهارم تنه فوق جای دارد. يك باریکه کاشی های فیروزه فام لوزی و گردی که يك در میان چیده شده مناطق یا تقسیم بندیهای اول و دوم تنه منار را از یکدیگر جدا میکند. تاجی بالای این قسمت تنه منار دارای سه ضبقه مقرنس کاری است (شکل ۲۲۴) که باصول قطار بندی احداث گردیده، استقرار آن بیشتر در اثر چوب بست ها و تکیه گاه ها و تیرهای جمال و آجر کاری هاست نه بواسطه طاقچه های کوچکی که روی این محکم کاریها از آجر و کاشی مانند خاتم سازی بترتیب تخمیری ساخته شده و پشت آن کچ زیادی ریخته اند که آنرا نگاهداری مینماید. طرح مقرنس کاریها طوری است که از حجم تاجی کاسته و بکمترین حد امکان برآمدگی آن نمایان است. طاقچه بندی ها و مقرنس کاریها بدو شیوه ساخته شده: قسمت پائین تر چون طاقچه های واقعی دارای ستونهای کوچکی است و سر طاق خط دور عجمانه است.

قسمت بالا دو طبقه مقرنس است و سر مقرنس خیلی نيز است تیکه های نازک کاشی توی خط دور طاق مقرنس واقع شده است.

در قسمت دوم منار (شکل ۲۲۴) برآمدگی دیده میشود. پائین این قسمت

۱ - به مقاله گابریل راجع به مسجد جمه اصفهان مندرج در مجله Ann Arbor Ars Islamica شماره دوم (۱۹۲۵) جزء اول شکل ۳۰ برای نبرخ شیه نبرخ فوق اندک مراجعه شود همینکه تاریخ احوار اولیه این ایوان جنوبی مسجد تبیین شد چندین مسئله روشن خواهد گشت.

میله ساده است و به گلدسته‌ای ارتباط دارد که سقف آن در همین جا قرار داشته است. بالای قسمت ساده بدنه تنه منار از لوزیهای ساده تزئین یافته و بالاتر از آن کتیبه‌ایست بخط کوفی ساده از آجر و کاشیهای فیروزه‌نم ، بالای کتیبه تاجی دیگری است از قطارهایی نظیر قسمت وسط قطارهای تاجی پائین ، پیش پا یا مهتابی آن نیز دارای گلدسته بوده است .

تاریخ ساختمان : - چنانچه سابقاً گفته شد روسازی آجری بسبک مقرنس کاری در دو گنبد مسجد جمعه اصفهان که متعلق بعهد سلجوقیان است قبلاً مشاهده شده . تاریخ يك گنبد ۴۸۱ هجری<sup>۱</sup> و دیگری مربوط بسالهای بین ۴۸۵-۴۶۵ است . گرچه مقاطع طولی یا نیمرخهای تیز و نوکداری که در بعضی از مقرنس کاریها و قطار بندی‌ها دیده میشود دلالت میکند بر اینکه در این اواخر ساخته شده لکن چنین بنظر میآید که این شیوه قطار بندی در ساختمان منار مزبور از نقطه نظر معماری لازم بوده است . استعمال کاشیهای ریز و نازک حاکی از انحطاطی است که نسبت بمناره سین عارض این ساختمان گردیده ، تزئینات تنه منار ساربان مسبق بتزیینات منارهای غار و سین است الا اینکه نقوش هندسی فراوانی که بکار رفته و از حیث نکات فنی غیر معلوم است سابقه ندارد زیرا نقوشی حتی درشت تر از این در درون گنبد کوچک مسجد جمعه<sup>۲</sup> که تاریخ کتیبه آن ۴۸۱ هجری است بکار رفته ، راجع بخطوطیکه بر بدنه منار کنده و نقر میگردند باید گفت که این عمل تا اندازه ای از ظفره رفتن و شانه خالی کردن صنعتگران متأخر از طرح های پر زحمتی که متقدمین باشکال موزون از بست و بندهای آجر بیرون میآوردند حکایت میکند بعبارة اخیری از استادان متأخر قطعانی از آجر با سلوب معرق سازی روی زمین قبلاً طرح ریزی و ساختمان نموده سپس در محل خود بر بدنه منار روی گچ کار میگذاشتند و بدین ترتیب از چوب بست سازی تا اندازه ای کاسته میشد . منار ساربان از حیث استادی و کیفیت کار کمی پست تر از منار علی است و همانقسم که راجع

۱ - به تصویریکه در مقاله اینجاب راجع به آجر کاری دوره اسلامی ایران صفحه ( ۶۲ ) چاپ شده است مراجعه فرمایند . هر دو گنبد عهد سلجوقی از داخل با روکازیهای آجری پوشیده شده است .

۲ - به شکل شماره ۱۶ و ۱۷ که گبریل در مقاله سابق<sup>۱</sup> ذکر خود چاپ کرده رجوع شود .



## آثار ایران

بتاریخ ساختمان منار علی گفته شد تا موقعیکه اطلاعات صحیح راجع بمعماری ایران در قرن هفتم هجری بدست نیاید تاریخ بنای منار ساریان نیز بطور محقق معلوم نخواهد شد. فعلا نمیتوانم تاریخ دقیق تری برای آن تعیین نمایم مگر آنکه حدودی بین سالهای ۵۵۰ و ۶۸۸ هجری برای آن قائل شوم.

### ۱۳ - منار زیار<sup>۲</sup>

اهمیت این منار از اینجهت است که تنها نمونه‌ای از مناره های سه طبقه اصفهان میباشد که تا کنون بحالت اصلی خود باقی مانده و دست نخورده است (شکل ۲۲۵). منار مزبور در جوار دهکده زیار<sup>۳</sup> در خرابه های شهری که نزد اهالی محل به واندیلان معروف است برپا و استوار میباشد. زیار نزدیک ساحل جنوبی زاینده رود تقریباً در مسافت ۲۵ کیلومتری مشرق شهر واقع است و از جاده مرغ میتوان بوسیله اتومبیل بانجا رفت.

شرح و توصیف :- این منار پایه ای دارد هشت ضلعی آجری، منفرد و مجزی. میله گرد بالای آن نیز از آجر و کاشیهای فیروزه قام در آن بکار رفته است. این منار سه طبقه دارد و هر طبقه از طبقه پائین باریکتر ساخته شده است. بر فراز هر يك از طبقات اول و دوم يك تاجی یا کمر بندی موجود و گیلوئی آن بشکل زنگ قطار بندی شده. طبقه بالاسکوئی دارد عجیب و جالب توخه و صندوق ماند که باصطلاح بنائی اطالق یا قسه روی منار معروف است (شکل ۲۲۶). مسجد گنبد داری در پائین آن وجود داشته که بکلی نابود گشته است. شالوده و راه پلکان و طاقها و منافذ روشنائی همه معمولی است. بلندی پایه یا پاستنگ هشت ضلعی آن که در بالا کمی باریک میشود ۵/۵ متر است. قطر ته منار در پائین قدری کمتر یعنی ۸/۴ متر است و کلفتی دیوار بیرون منار در همانجا ۸۶ سانتیمتر و قطر ستون درونی یا داخل وسط

۱- عقیده شخصی من آنستکه تاریخ ساختمان آن نزدیک تر است به ۵۵۰ هجری تا ۶۸۸ تا ۶۸۸ که منتهی حد ساختمان بنای مزبور است منتهی بر تورنگ لاجوردی و آبی میباشد که در مورد کاشیهای برج مقبره علاءالدین در و درین بکار رفته است.

۲- در نتیجه ابراز اصف و دوستی آقا و خان و و. و. و. وجود این منار برده.

۳- ۵- شیندلر کتاب سبق لدرک صفحه ۱۲۰.

### مناره های اصفهان

منار ۱/۵ متر میباشد. بلندی این قسمت تا مهتابی یا پیش پای بالایش به ۳۳ متر میرسد. قطر قسمت دوم که جرئت بالا رفتنش را نکردم در پائین کار ۲/۶۷ متر است. قطر ستون درونی آن ۵۵ سانتیمتر و کلفتی دیوار بیرون در آنجا ۴۶ سانتیمتر میباشد. ارتفاع مناره رو بهمرفته بالغ بر ۵۰ متر است و قسمتهائی که تحت مطالعه و دقت قرار گرفته شد صحیح و سالم است.

آرایش و تزئینات: - میله پائینی دارای شش بخش است. بخش پائینتر ساده و سایر قسمتهای آن تزیین شده است. در این قسمت زیرین طرف جنوب غربی لوحه مربع و کم عمق و خالی دیده میشود که بدون تردید کتیبه‌ای در برداشته است.

قسمتهای سوم و چهارم و پنجم متضمن گلهای یا اشکال لوزی است که از نقطه نظر فنی شبیه و نظیر مناره سیدن میباشد با این اختلاف که در حاشیه پنجم کاشیهای فیروزه فام کوچک چهار گوش در فرو رفتگی هائیکه بر بدنه تنه منار کنده شده بکار رفته است. بخش دوم مشتمل بر کتیبه‌های نسخ مستطیل مکرری میباشد که ۴۵ درجه مورب قرار گرفته است در قسمت ششم حاشیه موجود است (شکل ۲۲۶) که در آن کتیبه بخط کوفی کاشی فیروزه فام روی متن آجری پدیدار است. بالا و پائین کتیبه مزبور دوره ایست برجسته از آجر تراشیده، زیر آن حاشیه باریکی است از کاشیهای فیروزه فام لوزی و گرد. قطعات گرد مقعر است و لعاب آن در قسمت وسط غلیظتر و تیره رنگتر. سر آن یک قسم تاجی است، در بالای آن سابقا پیش پا یا قفسه بندی چوبی وجود داشته و بوسیله دریچه که در طاقش نوك تیز بوده بدان میرسیده اند. طبقه دوم تنه منار (شکل ۲۲۷) در چهار قسمت تزیین شده است: قسمت زیرین ساده و قسمت دوم متضمن کتیبه‌های نسخ مستطیل و مورب میباشد. قسمت سوم از اشکال لوزی یا گلهای هفت رگی یا نه رگی راسته آرایش یافته و قسمت چهارم مشتمل بر کتیبه‌های نسخ مستطیل مکرری است که از کاشی فیروزه فام در مربع‌های

۱ - این قسمت بی شبهات به کاشیکاریهای پومپوزا (Pomposa) در رم و جاهای دیگر نیست.

C.f. Ballardini «Bacini Orientalia Ravello» Boll. d'Arte (1934) صفحات 391-90

## آثار ایران

آجری نوشته شده و مابین آجرهای قائم نصب گردیده است. در پائین هم لوحه‌های آجرکاری مربعی است که دارای طرح‌هایی مکرر شبیه بخط‌نسخ مستطیل میباشد. قسمت بالایی سر تاجی از آجرهایی که بصرح جوك دو بدور و بهم سوار نموده اند ساخته شده و گویا بر فراز آن نیز قفسه بندی چوبی وجود داشته است.

طبقه سوم یعنی ساقه منار (شکل ۲۲۷) دارای دو قسمت است: قسمت پائینی ساده بوده بالائی بند کلك است، در این قسمت منار چهار پنجره باریك با دور طرح ترنجی یا با اصطلاح امروز دور کج و معوج وجود دارد، پنجره چهارمیکه بلند تر میباشد حکم در را داشته است.

در انتهای تنه منار اطاقك یا قفسه مربع مستطیل آجری است و اطراف آن کتیبه ایست نسخ از کاشی فیروزه قام.

تاریخ ساختمان: - از مطالعه بنای فوق معلوم میشود که از حیث آرایش و تزئینات نسبت بمناره های غار و سین راه تکامل و توسعه پیهموده است لیکن اگر تنها طبقات پائینی سه منار را مورد دقت قرار دهیم معلوم میشود که برتری منار زیار در اینجا محدود است ببندهای کاشیکاریهای آن از نقطه نظر ساختمانی و معماری، این منار از هر دو منار فوق الذکر بلکه از منارهای علی و ساریان نیز پست تر است.

پنجره های دور طرح ترنجی یا با اصطلاح امروز دور کج و معوج را نمیتوان منافی با قدمت تاریخ این منار دانست لکن در باب کتیبه های نسخی که در داخل بنا جای داده شده است اینجانب نظیری برای آن نزدیکتر از خطوط کوفی مکرر و مستدیر زیر طاق یعنی قسمت موسوم به متکائی دور در گاه رسمی یزدی بندی مسجد جامع گدایگان که از آجر ساده بی لعاب به سبک معرق ساخته شده است هنوز سراغ ندارم (تاریخ کتیبه مسجد مزبور قبل از سال ۵۱۱ هجری است). بنابر این تاریخ ساختمان این منار را عجمالتاً بین سالهای ۵۵۰ و ۶۸۸ هجری قرار میدهیم. بعد تاریخ دقیق تری

۱ - چهار گوشه بین سکوی آجری منوتهای چوبی - ضریح روی بقع متر که بر بصره می‌ورد و از طرف عرض در متعاقب قفسه میباشد.

۲ - بقیه پنجره تاریخ آن بن ۶۸۸ هجری نزدیکتر است.

معلوم شود. پس از تحقیق در کتیبه های این منار ممکن است در آینده مدارك قطعی بدست آید.

#### ۱۴ - منار رهروان<sup>۱</sup>

این مناره (شکل ۲۲۸) در مزرعه های نزدیک دهکده رهروان که در مسافت تقریباً شش کیلومتری شمال شرقی اصفهان واقع شده سر باسماں افراشته است. شرح و توصیف: - منار مزبور دارای پایه ایست آجری کوتاه و چهار گوش. روی این پایه تنه مدوری از آجر در دو طبقه قرار گرفته. بر فراز طبقه اول تنه منار نعلبکی یا تاجی دیده میشود که بوسیله قطار بندی ساخته شده. طول هر يك از اضلاع پایه مربع سه متر و میله مدور بطور مماس با آن احداث شده است. پلکان آن بطور معمولی و عادی ساخته شده الا اینکه يك قسمت از ستون درونی یا دگل وسط مناره هشت گوش است. مجموع ارتفاع این تنه و پایه ۲۵/۸۸ متر و کلیه ارتفاع منار تقریباً به ۲۹/۵۰ متر میرسد. این منار يك پاگرد یا دهلیز چوبی داشته است. لوحه مستطیل خالی و کم عمقی در ارتفاع تقریباً ۹ متری میله در جانب شمال مشهود و احتمال می رود که جایگاه کتیبه بوده است. نسبت بنمونه هائیکه تا کنون در فوق مورد بحث واقع شده استادی و هنریکه در اینجا بکار رفته کمی پست تر است ولی وضع کنونی بنا خوب و سالم بنظر میرسد.

آرایش و تزئینات: - تنه مناره در پنج طرح شکل سازی و تزئین شده است. قسمت اول یعنی زیرین صاف و ساده است. قسمت دوم از بند و بستهای پهن و بلندی که بطور قائم قرار گرفته است آرایش یافته، قسمت سوم شامل کتیبه نسخ مستطیل مورب معمولی است و قسمت چهارم از گلهها یا اشکال لوزی معمولی تشکیل گردیده. قسمت پنجم کتیبه نسخی در بر دارد که آنرا از کاشی فیروزه قام بشیوه معرق سازی ترتیب داده اند، همین رنگ در حاشیه های باریکی که بین قسمتهای بالا واقع شده بکار رفته بدین معنی که لبه این آجرها را لعاب داده اند، جنس کاشی آن پست و از حیث رنگ اختلافات فاحش در آن مشاهده میشود.

۱ - فهرست آثار ملی شماره ۲۳۳.

تاریخ ساختمان : محققاً این منار تقلیدی از منارهای شهرهای بزرگ میباشد و با مطالعه و امعان نظر در نکات و جهات فنی معلوم میشود که تاریخ ساختمانش بعد از منارهای علی و ساربان و زیار بوده، عجله تاریخش را بین ۵۷۵ و ۶۸۸ هجری قرار میدهم<sup>۱</sup>.

#### ۱۵ - اشترجان<sup>۲</sup> منارهای مسجد<sup>۳</sup>

دهکده اشترجان در محال لنجان در شمال زاینده رود با فاصله ده کیلومتر آنطرف پل ورجان واقع گردیده است. آقای جناب<sup>۴</sup> در کتاب خود ذکر نموده که یکی از منارها جنبان میباشد.

تنه های ناقص این دو منار در گوشه های ایوان بلند عهد مغول که مدخل مسجد میباشد قرار گرفته و در ربع اول قرن هشتم هجری ساخته شده است، در آینده نزدیک اطلاعات راجع به مجموع این ساختمان را منتشر خواهم نمود.

#### ۱۶ - اصفهان محله چوباره دو منار دارالضیافه

این يك جفت منار که تنه های آنها مدور است (شکل ۲۲۹) با تاجی های مقرنس کاری در طرفین کوچک حاجی کاظم زاده قرار دارد. فیلیپایه های کوتاه هشت گوش آنها را بر دیوارهای که سابقاً بالای سردری جای داشته ساخته بودند، نکات فنی که در ساختمان آن بکار رفته و رنگ آمیزی کاشیها و چگونگی آرایش نمونه عهد مغول است. کتیبه های آن بخط نسخ بوده چنین بنظر میآید که این دو منار و باقیمانده سر در از بناهای ربع اول قرن هشتم هجری است.

#### ۱۷ - اصفهان محله دردهشت دو منار دردهشت<sup>۵</sup>

این دو منار (شکل ۲۳۰) ممکن است همانهایی باشد که شاردن<sup>۶</sup> در مدرسه متعلق

- ۱ - فهرست آرمی شماره ۲۲۴ مراجعه شود.
- ۲ - ۵. شیندلر آثار در کتب - بقی تذکر خود صفحه ۱۲۶ (Ushterjan) ذکر نموده است.
- ۳ - آقای گدراصفی بشارت نموده که این منارهای فوق منحصراً به ...
- ۴ - کتاب سابق تذکر مستوفی به صفحه ۵۰ متن و صفحه ۵۷ ترجمه کرده است. مترجم در کتاب سرزمین خلافت شرقی صفحات ۲۰۶-۲۰۷.
- ۵ - کتاب سابق تذکر صفحه ۲۳۳.
- ۶ - کتاب سابق تذکر ۵. شیندلر صفحات ۱۲۱ - ۱۲۰ و همچنین کتاب سابق تذکر کوهستان (نقشه صفحه ن قسمت B ملاحظه شود).
- ۷ - فهرست آرمی شماره ۱۱۵. ۸ - کتاب - بقی تذکر جلد پنجم صفحه ۱۷.

بمحلّه حسینیّه دیده است. امروزه این دو منار بر فراز سردر مخروطی که متصل بگنبد دختر امیر خسرو شاه است قرار دارد، جناب راجع باین شخص شرح جالب توجهی نگاشته است<sup>۱</sup>. ساختمان آنها طرح مغول است و در آن آجر کهنه و خشت کاشیکاریهای بطرز معرق کاری با خطوط مارپیچی شکل بکار رفته است، میله شمالی حاشیه‌ای را که دارای کتیبه‌ای بخط نسخ مستطیل میباشد حفظ نموده است، تصوّر می‌رود دو منار و گنبد بقعه مزبور متعلق به اواسط قرن هشتم هجری باشد.

### ۱۸ - اصفهان - مناره - باغ قوشخانه<sup>۲</sup>

این منار (شکل ۲۳۱) در بیرون دروازه طوقچی واقع و احتمال دارد که یکی از دو مناری باشد که در اینجا وجود داشته، بناهای مجاور آن از بین رفته است<sup>۳</sup>. شرح و توصیف: - بالای يك قسمت از نمائیکه خراب شده و ارتفاعش تقریباً به ۱۱ متر میرسد فیلباطیه هشت گوش کوتاهی است که بر فراز آن میله گرد دو طبقه استوار گردیده. ارتفاع منار رو بهمرفته در حدود ۳۷/۵ متر است. پلکانش معمولی

۱ - صفحه ۳۵ از کتاب رهبر که بصورت جزوه در اصفهان بخانه آقای میر سید علی جناب (برای کسانیکه مقصد سیاحت باین شهر می‌آیند) منتشر و تاریخ چاپ آن در خود کتاب قید نشده.  
 ۲ - سر ر. کریوتر (Sir R. Ker Porter) می‌نگارد که در ۲۵ مه ۱۸۱۸ «به قوشخانه رسیدیم اینجا مسجدی است بسیار کهن متعلق به سترهای قدیم و در این محل حدود اولیه شهر شروع میگردد» (نقل از سفرنامه مشارالیه چاپ لندن سال ۱۸۲۱، جلد اول صفحه ۴۰۵). لانگلس نقل از کوئینر (Kœmpfer . Amaenitates Exaticae) در صفحه ۱۹۲ این باغ را «باغ قوشخانه طوقچی» مینامد (شاردن - سفرنامه . . . . . جلد هشتم چاپ لانگلس صفحه ۲۸ حاشیه).  
 شاردن در همان کتاب می‌نویسد که نگهبان قوشها در عباس آباد مسکن داشت. قوشخانه محل تولد انداختن بود (مکانی است که قوشها را برای سبزی شدن ایام ریزش برهانشان و پیدا کردن پرهای تازه در آنجا نگهداری میکردند) بکتاب بازنامه ناصری تألیف حسام الدوله تیمور میرزا (ترجمه D. C. Philet در لندن ۱۹۰۸ صفحه ۳۷ حاشیه شماره ۲ و صفحه ۳۸ حاشیه ۶ رجوع شود). در سال ۱۳۱۳ (۱۹۳۴) اینجانب در حدود ۲۰۰ متری شمال منار عمارت کوچک و باغچه‌ای یافتیم که اکنون بجای ساختمانهای رعیتی مورد استفاده است. در عمارت مزبور تزییناتی از عهد صفویه دیده میشد و نقاشی‌های روی دیوار با بهترین نمونه‌های عالی قاپو مطابقت داشت. محل مزبور باید همان قوشخانه باشد (این کشف فوراً به اداره کل باستان شناسی گزارش داده شد).

۳ - آقای گدار لغفا توجه اینجانب را بکتاب فلاندن و کوست راجع به مسافرت بایران: ایران جدید، نقشه ۴۱ جنب نمودند و در آنجا ملاحظه شد که منار فوق ملحق به گنبد نیمه خرابی بوده که «مسجد بی‌سوخانه» نامیده میشده است.

و وضع ساختمانش سالم و محفوظ میباشد. قسمت وسط میلۀ از خطوط باریک مارپیچی آراسته شده. در فاصله بین آنها خطوط نسخ مستطیل احداث گردیده و تمام این تزیینات بترتیبی که پیش گفته شد تخمیری است یعنی از آجر و کاشی بشیوۀ معرق سازی قبلاً روی زمین درست شده سپس کار گذاشته اند و نکات فنی را بنحو کاملتری در آن مراعات نموده اند، گردن منار (شکل ۲۳۲) یک قطعه از کتیبه نسخ برجسته و درشتی را در بردارد که با کاشیهای سفید و لاجوردی و فیروزه قام و آجر ساده بی لعاب احداث شده است. قطار بندی بالای تاجی آن نقطه نظر فن تزیین نمونه بسیار عالی بشمار میرود لکن ساختمان آن بمراتب از نمونه هسا و آثار عهد سلجوقی پست تر است. بنای مزبور را میتوان عجلتاً بقرن هشتم هجری منسوب دانست.

#### ۱۹ - اصفهان - محله کاپه‌پار - مناره خواجۀ علم که اکنون وجود ندارد

بخشی از آن ترسیم شده (شکل ۲۳۳) و شاردن نیز<sup>۱</sup> بواسطه پلکان مضاعفش شرح آنرا داده است. پرفسور زاور<sup>۲</sup> در اجماع باین منار اطلاعاتی منتهی ساخته و تاریخ آنرا آخر قرن چهاردهم یا ابتدای قرن پانزدهم میلادی معین کرده است. خانۀ دیولافوا آنر برجی از دوره مغول دانسته و ترسیم نمود<sup>۳</sup>. در همدۀ آذر ماه ۱۳۱۳ (نهم دسامبر ۱۹۳۴) این منار در سرنگون گردید، خوشبختانه این جانب قبلاً در بارۀ آن بررسیهایی نموده بودم و پس از سقوطش نیز فوراً از قطعات باقیمانده مطالعات خود را تکمیل کردم، قصد دارم برای یاد بود و خاطرۀ این بنای منحصر بفرد و زیبا شرح مختصری بنویسم.

- 
- ۱ - کتب مذکور چند مجله صفحات ۴۶ - ۴۴۵ و صفحۀ ۴۸۰.
  - ۲ - کتاب مذکور (۱۹۰۱) چند اول صفحات ۷۶ - ۷۵ (۱۹۱۰) چند نهم نقتۀ ۴۳.
  - همچنین فستی که ۰۰ و ن بر خم در کتب کوز و بیه خرمین. تألیف تیزو و ۰۰ بر خم نگاشته و در صفحۀ ۱۱۵ در باب کلمه عمه بمعنی منار توضیحی میدهد که ملاحظه شود.
  - ۳ - کتب مذکور بجز ۱۸۸۷ صفحۀ ۳۱۷.

۲۰ - کرلادان - منار جنبان<sup>۱</sup>

بطور قطع و یقین این دو میله کوچک که بر فراز ایوان مزار<sup>۲</sup> باباعبدالله ساخته شده معروفترین مناره های اصفهان است . در ۱۷۰۳ میلادی لوبرن شاهد جنبش این دو مناره بوده و همان شرح و وصفی که در آن زمان در باره آن نوشته هنوز صدق میکند و حال آنکه از آن تاریخ تا امروز بارها تعمیر و مرمت شده است<sup>۳</sup> . آخرین دفعه همین ایوان بود که باز بتعمیر آن اقدام گردید . منار های فوق از نقطه نظر صنعتی یا باستان شناسی جالب توجه نیست لکن ایوان عهد مغول آن با اینکه اخیراً برای زیبا کردن آن کوششی بعمل آمده است نازک کاریها و کاشی های ستاره مانند خود را که نظیر پیر بکران است محفوظ نگاهداشته است .

۲۱ - اصفهان مناره های مسجد شاه<sup>۴</sup>

در اینجا فقط باید بذکر اسمی از دو جفت منار مسجد مزبور قناعت نمود<sup>۵</sup>، ارتفاع يك جفت مناری که در مدخل ایوان درب ورود واقع گشته به ۳۷ متر میرسد<sup>۶</sup> . ارتفاع دو منار دیگر که بر فراز ایوان قبله ساخته شده به ۴۳/۶ متر بالغ میگردد<sup>۷</sup> . يك جفت منار مذکور از کاشی رنگارنگ معرق پوشیده گشته و در سالهای اخیر آنها را از منار جدا کرده و پائین آورده و پس از تعمیر و ترمیم دوباره بجای خود کار گذارده اند، گلدسته های بالای میله ها بجای خود باقی و محفوظ است (شکل ۲۳۴)

۱ - سفر نامه س . لوبرن C. Le Brun (ترجمه انگلیسی آن بیاب لندن ۱۷۵۹ صفحه ۲۲۵) و Reizen . . . . . چاپ آمستردام ۱۷۱۴ نقشه ۷۱ و صفحات ۳۵-۱۳۴ . خانم دیولافوا کتاب مذکور صفحات ۸۱-۲۷۸ . کوست کتاب مذکور صفحات ۳۶-۳۵ ، در باره این بنا کتابهای زیادی موجود است .

۲ - تاریخ آن ۷۱۲ است و بوسیله متولی آنجا این اطلاع را بدست آوردم .

۳ - کتاب از وسط ایران تألیف س . استورات S. E. Stewart (لندن ۱۹۱۱) صفحات ۵۴-۲۵۳ .

۴ - شماره ۱۰۷ فهرست آثار ملی .

۵ - تکسیه Texier ، کتاب ارمنستان و ایران . . . . . جلد اول نقشه های ۷۱ و ۷۲ ، کوست کتاب اینیه جدید . . . . . نقشه های ۱۲ - ۱۰ و ۱۷ - ۱۴ .

۶ - کوست در کتاب مذکور صفحه ۲۴ بلندی آنها را ۴۲ متر میگوید .

۷ - کوست در همین کتاب صفحه ۷۵ بلندی آنها را ۴۸ متر می نویسد .



پیترودولاوال در سال ۱۶۱۷ میلادی شالودهٔ این مسجد را در حین ساختمان مشاهده نموده است.<sup>۱</sup>

### ۲۲ - اصفهان . چهارباغ، مناره‌های مدرسهٔ مادرشاه سلطان حسین<sup>۲</sup>

این مدرسه در اثر انتشارات مختلفه بقدری معروف گردیده که در اینجا فقط بذکر يك مطلب کفایت میشود و آن این است که در سال ۱۳۱۴ (۱۹۳۵) کاشیهای معرق و خشتهای کاشی رنگ آمیزی شدهٔ آنها از بدنهٔ دو میله منار بر چیده و پیاده کرده اند و پس از تعمیر و تکمیل آنها را دوباره بجای خود سوار نموده اند .

اکنون از مناره‌هایی نام میبریم که شاردن و سایرین ذکر آنها را کرده اند و فعلاً وجود ندارد یا اگر وجود دارد اینجانب هنوز آنها را تشخیص نداده و پیدا نکرده ام .

### ۲۳ - اصفهان . مناره‌های هارون ولایت<sup>۳</sup> که اکنون وجود ندارد

بقعهٔ هارون ولایت که امروز فاقد منار است در کتاب شاردن طوری توصیف گشته که می‌رساند « مناره‌های کوچکی در دو طرف خود مانند مساجد بزرگ داشته است »<sup>۴</sup> . در جای دیگر<sup>۵</sup> ذکر مینماید که گویا منار علی به بقعهٔ هارون ولایت تعلق داشته است .

### ۲۴ - اصفهان . منار سر که که اکنون وجود ندارد

شاردن میگوید: این «... منار بلند و قدیمی موسوم به منار سر که در محلهٔ دار عتیق<sup>۶</sup> (میدان امیر) بر سر پا بود .

### ۲۵ - اصفهان . مناره‌های قبرستان سلطان زنگی<sup>۷</sup> که اکنون وجود ندارد

در قبرستان سلطان زنگی که در درهٔ مقصود بيك<sup>۸</sup> واقع است شاردن دو برج

۱ - کتاب مذکور جلد دوم صفحات ۴۲ - ۴۱ .

۲ - تکسبه ، کتاب مذکور نقشه های ۷۶ و ۷۸ شماره ۱۱۶ فهرست تاریخی .

۳ - شماره ۲۲۰ فهرست آثار ملی .

۴ - کتاب مذکور جلد هفتم صفحه ۴۵۰ . ۵ - صفحه ۴۵۳ همین کتاب .

۶ - صفحه ۴۲۸ همان کتاب .

۷ - همان کتاب صفحه ۴۴۰ و ۴۴۵ دیده شود . ۸ - شیندار در کتاب مذکور صفحه ۱۲۲ به گود

مقصود بيك اشاره کرده‌اند و برای وسیلهٔ تقسیم محله جویده معرفی مینماید . کوست در کتاب مذکور نقشه<sup>۹</sup> (نقشه اصفهان) D آنرا باسم گود مقصود بيك نشان میدهد .

سنگی را مشاهده کرده است .

### ۲۶ - اصفهان ، مناره‌های قبرستان شیخ مسعود که اکنون وجود ندارند

شاردن مینویسد<sup>۱</sup> که این قبرستان در انتهای محله در دشت واقع بوده و شیخ مسعود در بقعه<sup>۲</sup> وسیعی مدفون است<sup>۳</sup> و بقعه<sup>۴</sup> مزبور دارای دو منار میباشد . امروزه محل این قبرستان در نزدیکی دروازه طوقچی معلوم است .

### ۲۷ - دشتی . مناره که اکنون وجود ندارد

دشتی در جانب جنوب شرقی اصفهان و در آنطرف پل چم واقع است . استاد حسین بمن اظهار کرد که تقریباً در ۱۲۹۴ (۱۹۱۵) در دشتی مناری را سرنگون کردند و آجرهایش را برای ساختمان کاروانسرای در همان نزدیکی بکار بردند ، اینجانب در دشتی مسجد گنبد داری از عهد مغول پیدا کردم که اطلاعات مربوطه بآرمانتشر خواهم ساخت .

### ۲۸ - اصفهان . منار کله که اکنون وجود ندارد

این منار که اولتاریوس<sup>۱</sup> آنرا در کتاب خود در قسمت راجع بمنظره اصفهان ذکر کرده در حقیقت منار نبوده است بلکه همان برج معروف کله است که دلاوال و سایرین آنرا توصیف نموده اند . در سال ۱۸۸۰<sup>۲</sup> این برج دیده شده است .

### نتیجه

هر چند در مرز و بوم اصفهان ۴۳ میله<sup>۱</sup> منار بر پا شده که ۳۲ عدد آن در خود اصفهان و بقیه در نقاط مجاور متصل بشهر احداث گردیده اگر بخواهیم برای همین نمونه هائی که اتفاقاً محفوظ مانده<sup>۲</sup> و موجود است کابینی قابل شویم باید این نکته را در نظر بگیریم که این نوع ساختمانها خاصه منارهای خست و گلی قدیم قابل بقا و

۱ - کتاب مذکور جلد هفتم صفحه ۴۱۹ .

۲ - اینجانب نمیتوانم آنرا با سر درب شیخ مسعود که گنبد آن متأخر تر بوده و فاقد منار میباشد تطبیق نمایم .

۳ - استوارت . کتاب مذکور صفحه ۲۶۰ .

۴ - وجود عددی نسبتاً متناسبی از میله هیکه محفوظ مانده مؤید این روایت است که در اصفهان زلزله واقع نشده است .

دوام نبوده و زود ویران میشده. یکی از نتایج مطالعات فوق این شد که سه سال تاریخ مهم مربوط بعهد سلجوقیان بدست آمد که اتفاقاً معلوم مینماید که سال ۴۹۱ هجری تاریخ ساختمان یکی از قدیمترین مناره های موجود ایران است و سال ۵۲۶ هجری تاریخ قدیمترین کاشیکاری بیرون بنا در عهد اسلام میباشد و سال ۵۱۵ هجری تاریخ قدیمترین کتیبه نسخ مستطیل است که در ایران دیده میشود و تاریخ ساختمان در خود کتیبه ضبط است، پنج منار مقرنس کاربهای مقعر داشته و سه مناره هر کدام دارای یک پنجره در بالای میله در طرف قبله است. اصفهان دارای عدد منارهای سه طبقه است. در دوره های اخیر چنین بنظر میآید که مناره های اصفهان جفت بوده و بر فراز طرفین یک ایوان ساخته میشده است.

اینکه میگویند محتمل است ساختمان های هشت ضلعی و استوانه ای هرگز بصورت مفرد و مجزای ساخته نشده باشد این ادعا را نمیتوان ثابت نمود.

مطالعات دقیقی که راجع باین آثار بعمل آورده ام بمن اجازه میدهد که بناهای سرزمین اصفهان را از نقطه نظر نکات فنی در عهد سلجوقی بدو بخش مختلف یعنی بناهای دوره اول سلجوقی اصفهان و بناهای دوره دوم سلجوقی اصفهان تقسیم نمایم و علاوه کنم که تنزل فن معماری مغول از اواخر دوره سلجوقی دوم شروع گردیده است.<sup>۳</sup> در اینجا فرصت را غنیمت شمرده تشکرات و سپاسگذاری صمیمانه خود را تقدیم خانم گدار مینمایم که مسئولیت قسمت مربوطه به کتیبه های متعلق بمطالعات فوق را لطفاً بعهده خویش گرفته است.

### مایرون بمنت سهیث

۱ - برهان منقسم ساختن اصفهان به دوره سلجوقی اول و دوم که بری تعیین تاریخ قسمتهایی زمسجد جامع ضروری است ضمن مطالعاتیکه راجع بمسجد مذکور نموده، نشر داده خواهد شد.  
 ۲ - شرح آن در مقاله راجع به « نکات فنی آجرکاری عهد اسلام، ضمن سلسله نشرته در باب « مطالب برای مجموعه معماری ایران در اوائل اسلام » در مجله Ars Islamica نشر خواهد یافت.

## اطلاعات مربوطه به کتیبه های مناره های اصفهان

يك عدد از مناره‌هایی که در مقاله آقای ب. اسمیت ذکرشان گذشت فعلا وجود ندارد. يك عدد دیگر نیز فاقد کتیبه است. چند عدد از آنها کتیبه های تاریخی در بر دارد که تمام یا قسمتی از آنها موجود میباشد، در این جا از کتیبه های مذکور بحث خواهیم نمود.

### مناره برسیان

این بنا دارای کتیبه ای بخط کوفی است که مشتمل بر آیه ۷۶ سوره حج (سوره ۲۲ قرآن مجید) میباشد و در آخر آن تاریخ ساختمان « فی سنه ۴۹۱ » (۱۰۹۸) ذکر گردیده ( این اطلاع تا کنون در جای دیگر ذکر نشده است ). شیوه خط آن بسیار ساده و هیچگونه تزییناتی جز کشیدگی الف و لامها ندارد (شکل ۲۰۸).

### منار چهل دختران

منار مزبور از سه کتیبه آرایش یافته که دوتای آن کوفی و یکی بخط نسخ نوشته شده است.

کتیبه کوفی اول بر بالای منار واقع و مشتمل بر آیات دوم و سوم و چهارم سوره ۲۰ قرآن مجید میباشد (شکل ۲۱۲).

کتیبه دوم که بحروف نسخ نوشته شده شامل پنج سطر است و سطر چهارم و قسمتی از سطر پنجم آنرا تراشیده اند. کتیبه مزبور بترتیب ذیل نوشته شده است (شکل ۲۱۱):

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

«وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ»

«خَيْرُ النَّاسِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ»

« . . . . . »

« . . . . . عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَجْمَعِينَ »

واضح است که قسمت تراشیده متضمن اسامی خلفاء راشدین بوده که شیعیان خاطرات خوشی از آنها نداشته اند. کتیبه سوم در شش سطر بخط کوفی نوشته شده و اسلوب آن کاملاً شبیه کتیبه گنبد خاکي مسجد جامع اصفهان است (شکل ۲۱۰) از دو گنبد عهد سلجوقیان گنبدی که کوچکتر است منظور نظر است. متن کتیبه بشرح ذیل است:

«هذه المنارة بنيت من ماله الاسفهلار»

«ابی الفتح بن محمد بن عبدالواحد»

«النهوحي تقرباً الى الله سبحانه و»

«تعالی و ابتغاء مرضاته و جزيل ثوابه»

«تقبل الله منه برحمته و فرغ اتمامها»

«فی سنة احدى و خمس مائة الهجر و یه»

اهمیت عمده کتیبه های منار مذکور باین جهت است که یکی از آنها بخط نسخ نوشته شده و بنا بر آنچه اینجانب اطلاع دارم کتیبه مزبور قدیمترین خط نسخی است که در ایران بر روی يك بنای تاریخ دار موجود میباشد.

#### منار غار

منار غار دارای کتیبه ای بخط کوفی بسیار ساده میباشد. خط کوفی مزبور بهمان اسلوبی است که در اواخر قرن پنجم و بده اول قرن ششم هجری در اصفهان و اطراف آن مرسوم بوده، کتیبه با آجرهای تراشیده احداث گردیده و شامل عبارات ذیل است (شکل ۲۱۴):

«بسم الله الرحمن الرحيم أمر ببناء هذه المنارة الزهيد الرئيس سيد الروماء القسم بن

«احمد بن اب القاسم فی سنة خمس عشرة و خمس مائة»

(درباره کتیبه فوق نیز تا کنون اطلاعی منتشر نگردیده است)

روی بدنه منار کتیبه ایست بخطی که معمولاً کوفی مربع مینامند و لکن آقی

م. ب. سمیت نام نسخ مستطیل<sup>۲</sup> بر آن نهاده و عبارت «الملك لله» در آنجا بطور مکرر نوشته شده است.

۱ - Coufique Carré ۲ - Naskhi rectangu'air.

### منار سین

این منار دارای دو کتیبه بخط کوفی است یکی برنوک منار با کاشی آبی و دیگری در پائین با آجر تراشیده . کتیبه اولی شامل آیه ۳۳ سوره فصلت (سوره ۴۱ کلام الله مجید) میباشد (شکل ۲۱۷) و در کتیبه دوم عبارات ذیل خوانده میشود (شکل ۲۱۶) :

« بسم الله الرحمن الرحيم امر ببناء »

« هذه المنارة العبد المذنب الراجي لعفو الله تعالى »

« ابو اسمعيل محمد بن الحسين بن علي بن زكريا تقبل الله »

« منه و ذلك في رجب سنة ست و عشرين و خمس مائه »

(این کتیبه نیز تا کنون در معرض انتشار قرار نگرفته بود) .

تاریخ فوق قدیمترین تاریخ می باشد که تا کنون بر روی يك بنای مزین با کاشی در ایران دیده شده است .

### منار علی

منار علی دارای چهار کتیبه بخط کوفی مربع میباشد، سه کتیبه بالا با کاشی آبی و يك کتیبه پائین با آجر تراشیده نوشته شده است .

در کتیبه اولی چندین مرتبه تکرار شده است : « لا اله الا الله »

در کتیبه دوم : « الملك لله »

در کتیبه سوم نوشته شده است : « لا اله الا الله محمد رسول الله »

کتیبه چهارم متضمن آیه ۱۶ سوره آل عمران (سوره ۳ قرآن مجید) میباشد (شکل ۲۲۲) .

این منار در عهد سلجوقیان ساخته شده و بطور احتمال متعلق بسالهای بین ۵۲۵ و ۵۵۰ هجری میباشد.

### منار ساریان

منار ساریان از سه کتیبه کوفی تزیین یافته که اکنون خرابی زیاد بدانها وارد

## آثار ایران

آمده است. کتیبه اولی با کاشی آبی نوشته شده و عبارت ذیل از آن درك میشود :

« لا اله الا الله صادقاً مخلصاً محمد رسول الله »

کتیبه دوم نیز با کاشی آبی نوشته شده و شامل آیه ۳۳ سوره فصلت (سوره ۴۱) میباشد.

کتیبه سوم بخط کوفی چهار گوش با آجر تراش بر روی متن کاشی آبی نوشته شده است و شامل اسم پدغمبر = و خلفاء راشدین میباشد و بواسطه اشکالی که در خواندن خط مزبور بوده اسامی سه خلیفه اول بر روی این منار محفوظ مانده است. این منار دارای سال تاریخ نمیده شد لکن چه از نقطه نظر معماری و چه از نقطه نظر کتیبه شناسی این صور بلنظر میآید که مانند منار علی در سالهای ۵۲۵ و ۵۵۰ هجری ساخته شده باشد.

## منار زیار

این منار فقط دارای يك کتیبه بخط کوفی است و آن آیه ۲۳ سوره فصلت (سوره ۴۱) میباشد و همچنین جمله معروف «الله اکبر» بر آن نوشته شده است (شکل ۲۲۵). اسلوب حرفهای کتیبه زیبا نیست و بعلاوه خط آن به شیوه روستائیان و خوب نیست و مؤخر از کتیبه دبائی است که ذکرشان گذشت. میتوان آنرا منسوب به میانه قرن ششم هجری دانست.

## منار هروان

کتیبه ای بخط نسخ با کاشی آبی قسمت بالای این منار را زینت داده مشتمل بر عبارت ذیل میباشد (شکل ۲۲۸) :

« لا اله الا الله صادقاً مخلصاً محمد رسول الله »

از قرار معده میتوان تاریخ منار مزبور را آخر قرن ششم هجری دانست.

ی. ا. گدار

## یادداشت

### کتیبه مناره سلطان مسعود ثالث در غزنه<sup>۱</sup>

دومین برج فتح غزنه (از حیث سال تاریخ) بوسیله سلطان مسعود سوم شهریار غزنوی در تاریخ غیر معینی ساخته شده و ساختمان آن بدون شك بافتخار پیشرفتهای نظامی بوده که در نتیجه جنگ طغان تکین از لاهور تا ماوراء کنگ بعمل آمده است.<sup>۲</sup> کتیبه بزرگ که بخط کوفی است در هشت لوحه در قسمت بالایی آنچه از منار باقیمانده جلوه گر است<sup>۳</sup> و بشرح ذیل سهولت خواننده میشود (شکل ۲۳۶):

« بسم الله الرحمن الرحيم »

« السلطان الاعظم »

« ملك الاسلام علاء الدولة »

« ابو سعد مسعود »

« بن ظهير الدولة ابراهيم »

« نصير خليفة الله امير »

« المؤمنین خلد الله ملكه »

القابلی که در اینجا برای سلطان مسعود ذکر شده در مسکوکات و کتب مورخین نیز موجود است بجز عنوان نصیر خلیفه الله که از قرار معلوم بتوسط خلیفه مستظهر بالله در تاریخ غیر معلومی بوی اعطاء شده است .

### ی. ا. صمدار

- ۱ - عکسهای هر يك از هشت لوحه این کتیبه بوسیله آقای ژ. هاکن رئیس موزه گیمه پاریس با اختیار ما گذارده شده و بدینوسیله از منت بزرگی که بر ما نهاده سپاسگذاری میکنیم .
- ۲ - سلطان مسعود سوم از ۴۹۲ تا ۵۰۸ پادشاهی کرد ( ۱۱۱۴ - ۱۰۹۹ ) .
- ۳ - به مقاله تزئینات مربوط به کتیبه های آثار غزنه بقلم من . فلوری در مجله شام سال ۱۹۲۵ نقشه ۱۴ مراجعه شود .



## کاشی‌های براق بشکل ستاره هشت پر

موزه قم بتازگی پهلوی حرم حضرت معصومه ۴ تأسیس شده و نخستین مجموعه اشیاء نفیسیکه در آن قرار گرفته از خزانه آستانه است و بسرعت قطعات زیبای کاشیهای براق دیگری متعلق به ابنیه کم و بیش خراب حوزه قم میباشد در آن مکان جمع آوری و بدین طریق موزه توسعه یافته و ثروتمند گردیده است. عکسهای مربوط بدو عدد از کاشیهای نفیس آنجا توسط آقای راد مدیر فعال موزه مزبور تهیه و در دسترس گذارده شد (شکل ۲۳۷).

سابق بر این در بقعه نزدیک شهر که بامامزاده جعفر موسوم است بدنه‌های بزرگ از کاشیکاری موجود بوده از خاچهای آبی فیروزه‌فام و ستاره‌های هشت پر درخشان بور متمایل بسرخ که قسمتهائی از آنها برجسته و قهوه‌ای و آبی رنگ بود ترکیب میشده است. يك قسمت از این ستاره‌های هشت پر اکنون در موزه قم نگاهداری میشود، بطور کلی دور این کاشیها کتیبه‌ای بخط نسخ شکسته نگاشته شده است. برای اینکه کتیبه‌ها را چاپ کنیم دو عدد کاشی انتخاب نمودیم که نقشه آن بیشتر معرف محضات این نوع کاشیکاری است. کتیبه یکی از آنها (عکس بالائی در شکل ۲۳۷) اسم رئیس کارخانه و نقاش و تاریخ و محل ساختمان کاشیها را نشان میدهد و بشرح ذیل است:

«کتاب ذلك في عاشر ربيع الاول سنة ثمان و ثلثين و سبعمائه بمقام كاشان بكارخانه»  
«سيد السادة سيد ركن الدين محمد بن المرحوم سيد زين الدين علي الغضائري عمل استاده»  
«الاجل المحترم استاد جمال نقاش»  
(این کتیبه تا کنون منتشر نشده است).

ی. ا. گلدار

## ظرف مسی باسم شیخ اویس

بقعه اردبیل دارای دوستکامی بزرگ آبخوری یا سنگابی است که تزینات آن مخصوصاً خوب نگاهداری شده است و گویا کار موصل باشد. ظرف مزبور از چهار کتیبه بخط نسخ تزئین یافته که یکی از آنها درون چهار لوحه بزرگ را روی بدنه ظرف اشغال نموده است (شکل ۲۳۸). کتیبه های دیگر ساده تر و بخط ریز تر نوشته شده. مضمون کتیبه های مزبور تقریباً مکرر یعنی شبیه و نزدیک بهم است و متضمن هیچ سال تاریخ مشخصی نمیباشد. لکن اسم سلطانی که امر بدرست کردن این ظرف داده و آنرا به مزار شیخ صفی تقدیم نموده است در کتیبه ها موجود و تاریخ تقریبی دوستکامی را بدست میدهد.

ایلخان شیخ اویس که نامش در چهار کتیبه فوق دیده میشود از سال ۷۵۶ تا سال ۷۷۶ (۱۳۵۵-۱۳۷۶) سلطنت نمود و پس از ۳۶ سالگی در تبریز بدرود حیات گفته است. شخص مزبور در بسیاری نقاط من جمله اردبیل اقدام بضرب سکه نمود. یکی از سکه های ضرب بغداد که تاریخش ۷۶۲ میباشد متضمن عنوان سلطان الاعظم شیخ اویس بهادر یعنی همان عنوانی است که روی دوستکامی اردبیل نوشته شده، در صورتیکه روی يك سکه دیگر که آنها در بغداد لکن سال ۷۵۸ ضرب شده است فقط عنوان «سلطان العالم العادل» دیده میشود. بنا بر این میتوان اندیشید که طرف مورد بحث بعد از سال ۷۵۸ ضمن یکی از اقامت های متعددی که شیخ اویس بین سالهای ۷۶۰ و ۷۷۶ در تبریز مینموده به بقعه اردبیل تقدیم و وقف آنجا شده است.

اینک شرح و کتیبه های آن (که تاکنون ناگفته مانده و بچاپ نرسیده است):

سطر اول:

«مما عمل برسم السلطان الاعظم»

۱- و. مینورسکی، دائرة المعارف جلد چهارم صفحه ۱۱۲۰.

«الایلیخان المعظم الخاقان الاعدل»  
«الاکرم مالک رقاب الامم ظلّ»  
«الله فی العالم معز الدنيا والدين»  
«شیخ اویس خلد الله ملکه و سلطانه»

سطر دوم:

«مما عمل برسم السلطان»  
«ظلّ الله فی العالم»  
«شیخ اویس بهادر خان»  
«و عظم شأنه و اعلى»

لوحة های کوچک بر بدنه ظرف در وسط:

«مما عمل برسم السلطان الاعظم»  
«الایلیخان المعظم الخاقان»  
«الاعدل الاکرم مالک رقاب الامم»  
«معز الدنيا والدين شیخ اویس بهادر خان خلد ملکه و سلطانه»

سطر چهارم:

«الاعظم الایلیخان المعظم»  
«الاکبر مالک رقاب الامم»  
«معز الدنيا والدين شیخ»  
«خان خلد ملکه و سلطانه»  
«فی . . . . . ذکر و شأنه»

ی . ا . گنادر

## فهرست مندرجات

۹۸	مسجد قدیمی ایران (ا. گدار)
۱۰۹	تاریخچه مسجد جمعه اصفهان
۱۱۲	مسجد دوره عباسی
۱۱۷	مسجد در عهد سلجوقیان
۱۲۳	محراب سلطان محمد خدا بنده الجایتو
۱۲۵	الحاقات شاهان آل مظفر
۱۲۸	شبهستان زمستانی ( بیت شام )
۱۲۹	تعمیرات اوزون حسن
۱۳۱	تعمیرات و پیرایشهای عهد صفوی
۱۳۹	در جنوب شرقی
۱۴۰	خلاصه مطالعات بترتیب تاریخ
۱۴۳	اردستان و زواره (ا. گدار)
۱۴۴	مسجد جامع اردستان
۱۴۸	مسجد جامع زواره
۱۵۱	منار مسجد پامنار
۱۵۳	مناره های اصفهان (مایرون بمنت اسمیث)
۱۸۸	اطلاعات مربوطه به کتیبه های مناره های اصفهان (یدا آ. گدار)
۱۹۲	یادداشت کتیبه مناره مسعود ثالث در غزنه (یدا آ. گدار)
۱۹۳	کاشی های براق بشکل ستاره هشت پر
۱۹۴	طرف مسی باسم شیخ اویس

در اینجا از مساعی و زحمات آقایان علی پاشا صالح و  
محمد تقی مصطفوی که با ترجمه و تصحیح مندرجات این  
کتاب ما را قرین امتنان کرده اند و همچنین از آقای  
مهدی اکباتانی معاون و مصحح چاپخانه مجلس که در قسمت  
تصحیح چاپ کتاب مزبور جدیت و مراقبت مخصوص بخرج  
داده اند سپاسگذاری میشود.

www.tabarestan.info  
تبرستان

غلطنامه

نادرست	درست	سطر	صفحه
یا مشتقات	با مشتقات	۲	۹۹
مجله صنعت اسلامی	کتاب صنعت اسلامی	۲۵	۷
اریک اسمیت	اریش اسمیت	۹	۷
لانگنز	لانگز	۱۹	۱۰۹
Le tour du monde	Le toure du monde	۲۱	۱۰۹
Country life عله	Country life عله	۲۱	۱۱۰
عالمین	عالمین	۱۱	۱۳۰
هیولای اولی	هیولائی اولی	۱۱	۱۴۳
JAOS	Jaos	۱۲	۱۵۳
تخمیری	تخمیری	۷	۱۶۰
دهستان	دهات	۸	۱۶۳
ورود	ورو	۸	۱۶۴
افزار	ابراز	۱۹	۷
لی استرنج	لی - سترنج	۲۵	۱۶۸
شرحی راکه	شرحیجکه	۱۲	۱۷۳

### تصحیح

در صفحه ۲۳ اصل فرانسه (صفحه ۱۲ در ترجمه) جزء اول آثار ایران نوشته بودم نقاش چهارم گوردن نام دارد. از او و از کارهای او هیچ اطلاعی ندارم ولی چون تصویرش در ردیف نقاشان بزرگ دربار جهانگیری واقع شده میتوان گفت که از صنعتگران معروف بوده است.

این خطای محض بود، فکر نکرده بودم که باید آنرا گوردن خواند و چند روز قبل آقای م. سیچو کین مورخ عالیقدر مینیاتورهندی مرا متوجه باین مطلب نمود. گوردن یکی از بهترین نقاشان دربار شاهان مغول کبیر گردید.

ی. ا. حیدر

www.tabarestan.info  
تبرستان